سیمای امام علی

در نظم و نثر فارسی

حسین طه نیا

مجمع جهانی شیعه شناسی

سیمای امام علی علیه السلام در نظم و نثر فارسی

مشخصات کتاب

سرشناسه : طه نیا، حسین، 1362 -

عنوان و نام پدیدآور : سیمای امام علی علیه السلام در نظم و نثر فارسی/ تالیف حسین طه نیا؛ [به سفارش] مجمع جهانی شیعه شناسی.

مشخصات نشر : قم: آشیانه مهر، 1390.

مشخصات ظاهری : 460 ص.

فروست : مجمع جهانی شیعه شناسی؛ 47.

شابک : 92000 ریال: سلفون، گالینگور: 978-600-6164-04-5 ؛ 72000 ریال: شومیز: 978-600-6164-04-5

يادداشت : این کتاب با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

يادداشت : کتابنامه: ص. [369] - 388 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

يادداشت : نمایه.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- در ادبیات

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- فضایل

موضوع : ادبیات دینی فارسی -- ایران -- تاریخ و نقد

شناسه افزوده : مجمع جهانی شیعه شناسی

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت فرهنگی

رده بندی کنگره : BP37/4/ط86س9 1390

رده بندی دیویی : 297/951

شماره کتابشناسی ملی : 2754260

ص: 1

اشاره

@@تصوير

تقدیم به:

پدر بزرگوارم که روحیهی ایمان، قناعت، استقامت و شکرگزاری را به من آموخت.

وتقدیم به:

مادر عزیزتر از جانم که صبر، حلم و چگونه زیستن را به من آموخت.

ص: 6

فهرست مطالب

ص: 7

بخش اول

متقدمین شاعران و نویسندگان پارسی گوی

بخش دوم

متأخرین شاعران و نویسندگان پارسی گوی

ص: 12

بخش سوم

شاعران و نویسندگان معاصر

مقدمه استاد علی انصاری بویراحمدی

ص: 21

مقدمه عالمانه استاد دکتر فیروز حریرچی:

کتابی که پیش روی خوانندگان شیفته علی علیه السّلام قرار دارد، جلوه گاه امام رحمت و یعسوب دین امیر مؤمنان علی علیه السّلام در نظم و نثر فارسی است.

نظم و نثر فارسی در بخش عظیمی از آثار خود متأثر از کلام ابلغ الفصحاء و افصح الخطباء امام رحمت علی بن ابی طالب علیه السّلام است. که این خود بهترین دلیل بر اشتیاق وافر و اخلاص ملت ایران در دوستی و عشق ورزی به این امام همام است. از همین جاست که باید زبان فارسی را از مهمترین زبانه ای اسلامی در نقل مفاهیم والای اسلامی به مسلمانان جهان به حساب آورد.

تدوین آثار منظوم و منثور ادب فارسی که افکار شگفت انگیز مولای متقیان را از طرفی و دیدگاه شاعران و نویسندگان ادب فارسی را از سوی دیگر به تصویر می کشد و در محک نقد و بررسی قرار می دهد، از اهم فرائض دینی وملّی است تا بخش اندکی از خدمات دانشمندان مسلمان ایرانی به اسلام روشن شود و افکار اجتماعی و سیاسی و اخلاقی حضرت علی علیه السّلام با تفصیل هر چه تمامتر بیان گردد.

اکنون جای بسی خوشبختی است که یکی از دانشجویان ما، فاضل ارجمند، آقای حسین طه نیا با علاقه زاید الوصف و ایمان کامل به پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیه السّلام به این تحقیق عظیم و تألیف دشوار اقدام کرده است.

کتاب با مقدمه ای شیوا و رسا و مستند و علمی در سه بخش تدوین شده است. و تأثیر سخنان علی علیه السّلام از رسائل و خطبه ها و کلمات قصار در نظم و نثر

فارسی از زمان رودکی تا دوره معاصر به خوبی نشان داده شده است و باید متذکر شد که برگزیدن آثار ارزشمند آن هم درباره افصح الأئمه علیه السّلام که کلامش فوق المخلوق و دون الخالق است، کاری سهل و آسان نیست.

من خود شاهد بودهام که آقای حسین طه نیا در تألیف این اثر ارزنده رنج ها برده وسختی های فراوان تحمل کرده است. اثری که با مراجعه به دهها مراجع معتبر و کتابخانه های عمومی و خصوصی حتی سفر به دورترین شهرها فراهم آمده است.

خواننده از مطالعه این کتاب اِلتذاذ معنوی بسیار میبرد و این اثر او را در تهذیب نفس خویش و آشنایی با سیره و افکار امام علی علیه السّلام مساعدت فراوان مینماید. پس باید از دانشمند محترم آقای حسین طه نیا نهایت سپاسگذاری را کرد که چنین اثر نفیس را با دقت و صرف وقت فراوان همراه با اخلاص به اهل بیت علیه السّلام تدوین کرده است. امید است مؤلف عالیقدر با تألیف کتابهای ارزنده دیگر خدمات ارزشمندی به اسلام و ملت مسلمان ایران ادا نماید.

آخر دعوانا الحمد لله

دکتر فیروز حریرچی

استاد دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان زبان عربی بین الملل سوریه.

ص: 26

بسم الله الرَّحمن الرَّحيم

مقدمه الاستاذ الدكتور نادر نظام طهرانی:

إنَّ الحديث عن الامام علی علیه السّلام و ما کان یتمتّع به مِن شخصیه قدسیه و صفات فریدهٍ و مکانه أدبیه سامیه، لا یمکن أن تجف الأقلام عنه و لو رفدتها بحار المفکّرین و الأدباء و الشّعراء. فما مِن متفکّرٍ و أدیب و شاعر إلا و نهل من ینبوع الامام و ساهم فی تمجیده و الثناء علیه. أکان مسلماً أو غیر مسلم، عربیاً أو غیر عربی. و الأمّه الاسلامِیه فی ایران تعتبرمن أصدق المحبّین للامام علی علیه السّلام و آله. و لم یخل أدیب و شاعر إلا و أصاب من سامی فکره و صافی أدبه و نظم أو نثر فی عالی فضله و قد حاول أحد تلامذتنا المحبِّین لآل بیت رسول الله | السید حسین طه نیا جمع آثارالشعراء و الکتّاب بما فیهم الایرانیین و غیرهم من الشّعراء و الکتّاب خلال عصورالأدب الفارسی المختلفه فی کتاب سمّه ب-«سیمای امام علی علیه السّلام در نظم و نثر فارسی»، و هو عمل لم یسبق إلیه حتی الآن. حیث ضمّنه کلّ ما فاضت به قرائح هؤلاء الأدباء و الشعراء فی الماضی مع الکثیر مما أوردوه فی العصر الحدیث.

وکل ما نتمنّاه أن یوفّق تعالی السید حسین طه نیا للقیام بمزید من هذه الأعمال الأدبیه لاغناء مکتباتنا الاسلامیه. والله ولیّ التوفیق

الدکتور نادر نظام طهرانی

استاذ فی اللغه العربیه و آدابها بالجامعات الإیرانیه

ص: 27

ترجمه ی فارسی مقدمه ی عالمانه ی استاد فاضل دکتر نادر نظام طهرانی:

مقدمه:

بسم الله الرَّحمن الرَّحیم

براستی که قلم از وصف امام علی علیه السّلام و شخصیت قدسی و ملکوتی ایشان و اوصاف بی نظیر و یگانه و نیز منزلت والای ادبی آن حضرت عاجز است. هر چند که دریای بی کران اندیشهی دانشمندان و ادیبان و نیز شاعران، آن را یاری رساند.

هیچ اندیشمند یا ادیب و یا شاعری یافت نمیشود که از سرچشمه های دانش و بصیرت امام علی علیه السّلام بهرهمند نشده باشد. مسلمان یا غیر مسلمان، عرب یا غیرعرب.

ملت مسلمان ایران ازمخلص ترین و صادق ترین دوستداران و ارادتمندان امام علی علیه السّلام و آل بیت مطهرش علیه السّلام به شمار میروند. همهی ادیبان و شاعران از زلال اندیشه های متعالی و همچنین آداب و فرهنگ نیک و صحیح آنان توشه ای کسب کرده و در فضائل عالی آن حضرت آثاری در نظم و یا نثر به نگارش در آوردهاند.

یکی ازدانشجویان ما آقای حسین طه نیا - که از ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت علیه السّلام است - برآن شده است که آثارشاعران و نویسندگان ایرانی و غیر

ایرانی ادوار مختلف ادبیات فارسی را در کتابی که آن را «سیمای امام علی علیه السّلام در نظم و نثر فارسی»، نامیده است، گرد آوری نماید.

این اقدام بی سابقه و کم نظیر است، چرا که مؤلف هر آنچه را که در زمانهای گذشته از ذوق و قریحه ی این ادیبان و شاعران در ذکر اوصاف علی علیه السّلام تراوش کرده، به همراه آثار فراوانی که در روزگار معاصر از خودبرجا گذاشته اند، در این کتاب گنجانده است.

برای آقای حسین طه نیا طلب توفیق روزافزون را از ایزد منان، در راستای پرداختن هرچه بیشتر به فعالیتهای ادبی مشابه، جهت پربارکردن کتابخانه های اسلامی یمان، خواستاریم.

و الله ولیّ التوفیق.

دکتر نادر نظام طهرانی

استاد زبان و ادبیات عربی دردانشگاههای ایران

ص: 29

مقدمه الدکتور محمد علی آذرشب:

علی علیه السّلام فی ضمیرالأمّه علی مرِّ العصور:

دخل أمیرالمؤمنین علی علیه السّلام فی وجدان الأمّه و ضمیرها بعد أن قدَّم لها أعظم مثل فی السّموِّ الانسانی.

لقد مثّل شخصیه الانسان المتحرِّر من کلِّ الصغائر و الساعی علی طریق کلِّ کمالٍ یوصله إلی الکامل المطلق سبحانه و تعالی.

فی حیاته الشَّخصیّه و حیاته الاجتماعیَّه و السّیاسیّه قدّم نموذج الانسان الذائب فی ذات الله و المتفانی فی سبیل رضا الله، الجادّ فی خدمه دین الله و المجتهد لهدایه الناس و رعایه أمورهم و دفع الظلم عنهم و توفیر العداله لهم.

نقل عاصمته من مدینه رسول الله صلی الله علیه وآله إلی الکوفه لیکون قریباً من شعوب البلدان المفتوحه، و لیقدّم للایرانیین بشکل خاص نموذج الحاکم المسلم و الحکومه الاسلامیه.

الولاه الذین أرسلهم الخلفاء قبل علی علیه السّلام کان فیهم الصالحون و کان فیهم أیضا ًمِن غیرالرِّسالیین و لذلک شعرالناس فی إیران و هم قریبوا العهد بالاسلام، أنّ ما یرونه من بعض الحکام غیرما سمعوه من عدل الاسلام و سماحته و مساواته و لذلک سارع علی علیه السّلام لیقدّم لکلّ المسلمین نموذج الحاکم الصالح، و بذلک أصبح علی فی أنظار کلّ

المسلمين و خاصّةً الايرانيين النموذج الأمثل الذى يطمحون إليه كلّما ادلهمَّت الخطوب و أساء إليهم هذا الوالى أو ذاک.

إنّ العصرالأموى كان قاسياً على الايرانيين بسبب ما عانوه من تعصب الأمويين و عدائهم لغيرالعرب. لكنّ الصوره التى حملها الايرانيون عن على عليه السّلام جعلتهم يثبتون على المبدأ و يشخِّصون السلوک الرِّسالىّ من السلوک المنحرف.

و هذه المشاعرالعميقه التى حملها الايرانيون تجاه على عليه السّلام انعكس فى ثوراتهم على الأمويين، و كان آخرها ثوره الخراسانيين التى رفعت شعار«الرضا من آل محمّد»، و هو شعار يعبّر عن ولائهم لِعلىّ عليه السّلام و آله من آل بيت رسول الله صلى الله عليه وآله.

كما انعكس هذه المشاعر فيما دوّنوه من نثر و نظم يعبّر فى مجمله عن مشاعر عميقه تجاه أميرالمؤمنين، بل تجاه الاسلام الصحيح الخالى من الانحرافات، و هوالاسلام الذى عاشه الايرانيون خلال مده خلافه علىّ عليه السّلام، و بقىَ يعيش عبر الأجيال فى ضمائرهم و مشاعرهم.

أرجوا أن يكون المؤلف الفاضل السيد حسين طه نيا قد قدّم بهذه المجموعه صوره من هذه المشاعرتجاه هذا الرجل الذى جسّد الاسلام فى جميع جوانبه.

و من الله التّوفيق.

الدكتور محمد على آذرشب

استاذ فى اللغه العربيّه بجامعه طهران

ص: 32

ترجمه ی فارسی مقدمهی عالمانهی استاد ارجمند دکترمحمد علی آذرشب:

مقدمه :

علی علیه السّلام در وجدان امت اسلامی در بستر تاریخ

امام علی علیه السّلام پس ازآنکه بزرگترین الگوی کمال و تعالی انسانی رابه امت اسلامی عرضه نمود، در نهان و ضمیر آن نفوذ پیدا کرد.

آن حضرت بیانگر شخصیت یک انسان آزاده و رها یافته از قید و بند تمامی لغزش های کوچک و بزرگ مادی و معنوی است. و نیز ایشان نمایانگر انسان طالب همهی کمالات است که به سوی مسیر هر فضیلتی که او را به کامل مطلق برساند، می شتابد.

وی در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی خود اسوهی یک انسان دل سپرده به ذات خداوند و انسانی که خود را وقف رضایت حضرت حق نموده است، معرفی می نماید؛ انسانی کوشا در راه خدمت به دین خدا، و مجتهد و شایسته جهت ارشاد مردم و اهتمام ورزیدن به امور آنها و دفع ظلم از آنان و همچنین برای تامین و برقراری عدالت برای آنها مرکز حکومتش را از مدینه ی رسول خدا صلی الله علیه وآله به کوفه منتقل کرد. تا از مردم سرزمین های فتح شده نزدیک باشد تا اینکه برای ایرانیان به شکل خاصی الگوهای یک حاکم مسلمان و نیزحکومت اسلامی را عرضه بدارد.

در میان زمامدارانی که خلفاء قبل از علی علیه السّلام فرستاده بودند، هم افراد شایسته و درستکار وجود داشت و هم افراد ناصالح و غیر متعهد. به همین خاطر بود که مردم ایران - که فهم تازهای از اسلام داشتند - احساس کردند آنچه را که از برخی از کارگزاران مشاهده میکنند، غیر از چیزهایی است که دربارهی عدل اسلام و تسامح و برابری آن شنیدهاند.

از این رو علی علیه السّلام به یاری امت اسلامی شتافت تا برای همه ی مسلمانان الگوی یک حاکم مسلمان را ترسیم کند و بدین وسیله علی علیه السّلام در نظر تمامی مسلمانان و علی الخصوص ایرانیان، نمونه ی یک اسوهی کامل شد؛ الگویی که هرگاه شرایط برآنان دشوار میشد، و این حاکم یا آن حاکم به آنها تعرض میکرد، چشم یاری به سوی حضرت علی علیه السّلام میدوختند.

عصر أموی برای ایرانیان به دلیل متحمل شدن تعصبات أمویین و دشمنی آنان با غیر عرب، سخت و جانکاه بود امّا تصویری که ایرانیان ازعلی علیه السّلام به همراه خود داشتند، آنان را بر آن داشت تا بر اصول صحیح حکومتداری علوی پا فشاری کنند و آداب وفرهنگ مکتبی و مقید به اصول اسلامی را از اصول انحرافی و غیراسلامی تشخیص دهند.

این احساسات عمیق که ایرانیان از علی علیه السّلام با خود داشتند، در قیام هایشان برضد بنی أمیه، خود را نشان داد. و آخرین قیام آنها، قیام خراسانی ها بود که شعار

«الرضا من آل محمد» را سرمیداد. این شعار که بیانگر وفاداری و اطاعت آنها از علی و خاندان مطهرش علیه السّلام - که اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله بودند - است.

و در آثار مدوّن نظم و نثرآنان نیز این عواطف به چشم می خورد؛ عواطفی که در مجموع نه تنها نمایانگر باورها و احساسات عمیق آنها در مقابل أمیرالمؤمنین بلکه مقابل اسلام صحیح و دور از انحرافات است؛ اسلامی که ایرانیان در مدت زمان خلافت امام علی علیه السّلام آن را درک کرده بودند و هنوز هم نسل به نسل آن را احساس می کنند.

امیدوارم که مؤلف گرانقدر آقای حسین طه نیا، با گردآوری این مجموعه، تصویری شایسته از این عواطف و احساسات را در قبال این ابر مرد که به همهی ابعاد اسلام عینیت بخشید، عرضه و ترسیم نماید.

و من الله التوفیق

دکترمحمد علی آذرشب

استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

مقدمه دکترمصطفی شیروی خوزانی

مقدمه:

«وصف اسرار علی در نظر خرد و کلان خود جهانی است که خارج بود ازشرح وبیان»

علی علیه السّلام شخصیتی است استثنائی و بی نظیر که منحصربه یک گروه یا عقیده و مرام خاصی نیست. از نخستین روزهای طلوع پرفروغ اسلام تا کنون، پیروان ادیان و مذاهب گوناگون و حتی کسانی که از مذهب خاصی پیروی نمیکنند، مجذوب ابعاد و شخصیت والای ایشان شدهاند و هر یک دربارهی جنبه ای ازجنبه های زندگی پربرکت ایشان به اظهار نظر پرداخته اند.

دانشمندان و نویسندگان و دانش پژوهان بسیاری اعم ازسنی و شیعه و مسیحی و... تحت تاثیرابعاد گوناگون شخصیت علی علیه السّلام قرار گرفته و از خود آثاری ماندگار به جای گذاشته اند.

مؤلف محترم این اثر ارزنده جناب آقای حسین طه نیا - که خود ازشیفتگان و دلسوختگان خاندان عصمت و طهارت و در رأس ایشان، علی علیه السّلام هستند - تلاش بسیار فراوانی نموده اند تا بتوانند دراین راه قدمی بردارند و قلمی بزنند که امیدوارم سعی شان مشکور و کارشان مرضی حضرت حق باشد.

با آرزوی موفقیت برای ایشان

دکتر مصطفی شیروی خوزانی

ص: 37

مقدمه مؤلف:

بسم الله الذی علم الانسان ما لم یعلم

الحمد لله رب العالمین و الصلاه و السلام علی أشرف الانبیاء و المرسلین، خاتم الرسل و النبیین محمدصلی الله علیه وآله و علی آله الطیبین الطاهرین الاخیرین و صحبه المنتخبین.

به نام او سخن آغاز میکنم و به یاد او نغمه ی خرد ساز. با نثار عمیق ترین و خالصانه ترین مراتب تحیت و اخلاص بر خاتم الانبیاء، معلم راستین بشریت، خلاصه ی خاصه موجودات، که مصداق تمام عیار {و ماینطق عن الهوی}(1) و موضوع آیت وافی هدایت، {انک لعلی خلق عظیم}(2) است.

سپاس خداوندی را که انسان را پس از نادانی، علم آموخت و پس ازگمراهی، هدایت کرد و پس ازغفلت، آگاه نمود. درود خداوند بر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله و آل و اصحاب او باد که پس از پیامبر مشعل فروزان هدایت را فرا راه بشریت بر افروخته نگه داشتند؛ یارانی که در دامان یا در کنار پیامبراکرم صلی الله علیه وآله پرورش یافته بودند و از فضل و دانش و تقوای خاصه برخوردار بودند و قرآن و

1- نجم، / 3-5
2- قلم/ 4

اسلام و مسلمین را در راه آشنایی و برداشت بجا و درست از دستورهای خداوند در قالب زبان وحی یاری رساندند. تحیت خاص نثاربارگاه ملکوتی حضرت مولی الموحدین، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السّلام باد؛ آن سروش آسمانی که خداوند در پیکره ی بشردمید و پیوسته گوش جانها را نواخته و همواره قلوب پاکدلان و وارستگان، از زلال علم و تقوای حضرتش صیقل زده شد. وقرنها قبله ی آمال همه ی ملل و نحل اسلامی و پیروان آنها بوده است؛

او که خاتم رسل در بین تمامی یارانش تنها با او پیمان برادری بست؛ آن مدینه ی علمی که نتنها خاستگاه کبار صحابه در آن روزگار بود، بلکه حتی امروزه نیز در عصر فن آوری ارتباطات و قرن جدید، انسان با آن همه پیشرفت های علمی سرسام آور، از دریای بیکران آثار و اندیشه های دینی، عرفانی و علمی آن حضرت علیه السّلام بهره ها می برد.

هنگامی که حضرت محمد| درسال: 570 میلادی در مکه تولد یافت و با ظهور اسلام، تحولی شگرف در ارکان فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شبه جزیره ی عربستان بطور خاص و در تمامی جهان به صورت عام ایجاد شد، اوضاع جدیدی که در اثر پیدایش و گسترش اسلام، برزندگی اعراب و مسلمانان و تمامی جنبه های حیات آنان، خصوصاً در زمینه های ادبی جهان عرب، آفاق تازه ای را گشوده و رفته رفته مفاهیمی شکل گرفت که هر یک برگرفته از مکتب عقیدتی اسلام ناب بود.

ص: 40

مفاهیمی همچون قرآن، حدیث، ایمان و تقوا، نماز، روزه، زکات، جهاد، شهادت و ایثار، از ارزشهایی بودند که هر یک به یمن پر برکت قوم عرب و مسلمانان آن روزگار با آموزههای با ارزش اسلامی بوجود آمدند تا جایی که تحولاتی اساسی و بنیادین را در سرتاسر عالم دامن زدند که با معیارها و ارزشهای آن روز جهان به هیچ روی قابلیت تفسیر و تاویل نمی نمود.

در محضر نبی اکرم صلی الله علیه وآله و در دانشگاه خاتم النبیین، شاگردانی تربیت و پرورش یافتند که نه تنها مایهی تعجب استاد خویش گشته(1)،بلکه مایهی تحسین نسلهای بعدی نیز شده و در تمامی زمینههای مختلف علوم عقلی و نقلی آن چنان درخشیدند که به حق می توان گفت ستارههای درخشان آسمان معرفت و تقوای روزگار خود گشته و حلقه های طلائی و زرین اتصال معارف قرآنی برگرفته از وحی حق تعالی و سیره ی شریفه ی نبوی به اخلاف خویش شدند.

اگر بخواهیم اشارتی مختصر به این میوه های رسیده و پربار بوستان نبوت صلی الله علیه وآله کرده باشیم، باید ازیگانه مولود کعبه و جانشین بر حق پیامبر و پیشوای

1- مؤلف اشاره به آیه ی شریفه ی 29سوره ی فتح دارد که می فرماید: {مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ تَراهُمْ رُکَّعًا سُجَّدًا یَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللّهِ وَ رِضْوانًا سیماهُمْ فی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذلِکَ مَثَلُهُمْ فِی التَّوْراهِ وَ مَثَلُهُمْ فِی الْإِنْجیلِ کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرّاعَ لِیَغیظَ بِهِمُ الْکُفّارَ... }

عالمیان در دوعالم، امام علی بن ابی طالب علیه السّلام و عبدالله بن عباس، یاد نمود تاحق مطلب به درستی ادا گردد.

این دو اختر تابناک آسمان امامت، علم و تقوا، که بدون شک از بارزترین چهره های دینی- علمی و نیز از بزرگان اصحاب حضرت ختمی مرتبت و عامه ی مردم، نه تنها درروزگار خویش بلکه درتمامی عصرها بوده و هستند و خواهند بود.

به ویژه حضرت علی مرتضی، که تاثیر شگرف آثار ادبی و مبانی علوم او را درآثار ادبی و علمی تمامی عصرها و ادوار و در اقصی نقاط این گیتی پهناور و به ویژه در میان مصنفات مختلف ادبی- علمی امت اسلامی و عربی درتمام دوره ها، میتوان به و ضوح پیدا کرد.

این امام رحمت صلی الله علیه وآله و اسوهای تمام نما برای امت اسلامی حقیقتاً از نظر ایمان، تقوا، علم و فقاهت، فرزند بی بدیل زمانهی خود بود و به دلیل داشتن همین ویژگی بارز علمی و دینی و نیز درک درستی که از مقتضیات اجتماعی و فرهنگی و ادبی عصر خویش داشت، توانست دست به خلق آثار و طرح اندیشه هایی بزند که تمامی دانشمندان و عالمان حوزههای مختلف علوم - چه در آن عصر و چه در ادوار پس از آن حضرت علیه السّلام - هم خود و هم آثارشان تحت تاثیر آثار و اندیشه های صحیح او قرارگرفتند، تا جایی که در دوران معاصر نیز رد پای آثار حکمی و ادبی گهربار آن حضرت علیه السّلام - که همچون نگینی در آسمان علم

و ادب و دین قرنهای متمادی است میدرخشند - در بین دستاوردهای ادبی و علمی عصر حاضر، خصوصاً میان کشورهای اسلامی و عربی یافت می گردد.

آری! آن نادرهی روزگار به اقرار دانشمندان و عالمان برجسته ی جهان عرب، ازخطیبان و بلیغان و فصیحان بلا منازع عصرخود بود.

برای نمونه ابن ابی الحدید معتزلی در این باره میگوید:

«علی علیه السّلام امام الفصحاء و سید البلغاء است.»(1)

امیر المؤمنین علی علیه السّلام علاوه برجانشینی برحق رسول اکرم صلی الله علیه وآله و رهبری معنوی مسلمانان، دارای نبوغ سرشار و زاید الوصف علمی و ادبی بود، به گونهای که در علوم مختلف ادبیات عرب، همچون بلاغت، صرف و نحو و فن خطابه صاحب نظر بوده و اساساً او را واضح علم نحو در زبان عربی میدانند.

وقتی از ابوالاسود دؤلی سؤال شد که علم نحو را در کجا

آموخته است؟ جواب داد: حدود آن را از علی بن ابی طالب علیه السّلام آموختم.(2)

حنا الفاخوری می نویسد:

او دارای دیوان شعری در زهد و حکم است و در

1- الأدب العربی وتاریخه حتی نهایه العصر الأموی، الدکتور محمد علی آذرشب، ص141

2- تاریخ ادبیات عرب، رینولد نیکلسون، ص 345

نثر دوازده تالیف در حکم و مواعظ به نام اوست که مهمترین و مشهورترین آنان، کتاب گرانسنگ نهج البلاغه است که دارای شروح متفاوت و متعددی همچون شرح ابن ابی الحدید (516 - ف 655 ه.ق) و شرح محمد عبده (1849- ف 1905م) است.(1)

سخنان علی علیه السّلام گنجینه ای است که درادبیات فضای خاص و بی نظیری را به خود اختصاص داده و از نظر لفظ نیز از جمال و رونق بسیاری برخورداراست.

امتیاز رسایل امام علی علیه السّلام به ایجاز آنها است. خطب و مواعظ آن حضرت صادق ترین تصویر شخصیت اوست و بیش از هر چیز دیگر بیانگر تقوایی است که علی علیه السّلام در دل نهفته دارد؛ تقوایی که از ایمان کامل به خداوند متعال سرچشمه می گیرد و از تدبر در مخلوقات هستی و نگریستن درکمالات الهی پدید آمده و سبب شده تا ازهرچیزی که نا پایداراست، دامن برچینند. کلامش همواره به ذکر باری تعالی عطرآگین است.

از اسرار نهج البلاغه نبوغ امام علی علیه السّلام به وضوح تمام متجلی است؛ اساس این نبوغ، عقل شگفت آور اوست. امام علی علیه السّلام در وادی سخن دارای قدرت

1- الجامع فی تاریخ الادب العربی، حنا الفاخوری، ج1، ص 344

کلام و قریحه ی بالایی است که میتواند انواع تعبیرها و اسلوبهای هنری را بیافریند. از این رو نثر او خزانه ای است که میان طبع و صنعت جمع دارد.

تشبیهات زیبا، امثال، استعارات، انواع موازنه، مرادفه، سجع و... را چنان در کلام خود می آورد که پنداری همه وحی خاطر و طبع و از مقتضیات معانی است که درسینه ی مولا علیه السّلام خلجان دارد و سپس یک بینش و عقیدهی نیرومند آن را بیرون میریزد. با این اوصاف جای شگرف نیست که اگر بگوئیم: نهج البلاغه یک ثروت عظیم ادبی و فکری است که محتوای آن همواره دعوت به عمل کردن به شعائر دین و پیروی از قرآن حکیم و تحسین هر عملی است که عاقبتی نیک دارد و تشویق و تحریض مردم به سیر در طرق فضایل اعمال است.

این کتاب بی نظیر و ارزشمند در کنار آموزههای دینی شامل آراء گوناگونی درفلسفه، ماوراء الطبیعه، فقه، جنگ، صلح، و سیاست است.

نهج البلاغه علاوه بر آن دربرگیرنده ی معلومات و اطلاعات تاریخی بسیار با ارزشی نیز بوده و روی هم رفته امتیازهای مذکور، نهج البلاغه را در ادبیات و دین و اجتماع به مقامی ارجمند ارتقاء داده است.

دلایل جاودانگی نهج البلاغه:

به عقیده ی مؤلف دلایل ماندگاری و بقاء نهج البلاغه به شرح ذیل است:

ص: 45

* 1- نهج البلاغه کلام افراد عادی بشر نیست، کلام یک عالم و دانشمند اسلامی هم نیست که فقط در دوره ی خاصی با استقبال و لو همه ی اقشار روبرو گردد و در ادوار دیگر از رونق و صفای خود بیفتد، بلکه کلام وحی گونهی برترین افراد بشر بعد از نبی| است و جای هیچ گونه تعجب نیست که شخصیت باعظمتی همچون علی علیه السّلام که پیامبر گونه است کلامش (نهج البلاغه) نیز پیامبر گونه (قرآن کریم)، و دارای اعجاز باشد.

*2- نهج البلاغه در میان آثار اسلامی، معدود کتابهایی است که از نظر سند بسیار موثق است؛ چرا که فرمایشات گهربار و وحی گونه ی حضرت علی علیه السّلام را - که برگرفته از موثق ترین آثار علمی در کتابهایی همچون عیون الاخبار، البیان و التبیین، العقد الفرید، و تواریخ طبری و الیعقوبی و مسعودی و...و به صورت متفرقه پراکنده بوده [منقول از علی علیه السّلام] و به توسط شریف رضی گردآوری شده است(1) - شامل می گردد. این امر بر اعتبار بیش از پیش آن در بین مسلمین افزوده و سبب اطمینان بیشتر خوانندگان این اثر بی نظیر در عصرهای مختلف، برای مطالعه، بررسی، تامل و نصب العین قرار دادن آموزه ها و تعالیم آن با طیب خاطرشده است.

1- مجانی الحدیثه، فؤاد افرام البستانی، الجزء الثانی، ص 297- 298

*3- نهج البلاغه یگانه کتابی است که باب طبع تمامی قرائح و سلایق بوده و به گونه ای است که هرکس به هر اندازه که از دریای بیکران علم و معرفت بهره مند باشد، به همان مقدار و حتی بیشتر میتواند علاوه بر تزکیه و تربیت نفس و روح خویش و برطرف کردن عطش سیری ناپذیر آن برای سرای باقی، آبادانی این بیت المعمور، زاد و توشه ای نیکو کسب نماید.

*4- با عنایت به این مهم که همواره یکی از ابزارهای موفق «دعوت به دین مبین اسلام در عصرهای مختلف تاریخی، از طریق حکمت وموعظه»(1) بوده و نیز یکی از پایگاه های مهم و سلاحهای بسیار جدی و با اهمیت اسلام در مقابل مخالفان خود و برای استفاده در عرصههای مختلف سیاسی، شاهکارهای ادبی موجود بوده است؛ نهج البلاغه به نوبه ی خود در این مجال نیز سهم فوق العاده با اهمیتی داشته، چرا که کلام برترین مخلوقات بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله و برترین و بهترین عالمان و حکیمان روزگار خویش و همه ی اعصار است.

برای نمونه کتابهای دیگری چون: «البیان و التبیین جاحظ، تاریخ الامم و الملوک طبری، مروج الذهب مسعودی، العقد الفرید ابن عبد ربه، و بلاغات النساء ابن احمدطیفوری»(2) از جمله ی این آثار فنی در زمینه ی تاریخ و ادبیات است.

1- تاریخ الأدب العربی حتی نهایه العصرالأموی، الدکتورمحمد علی آذرشب، ص 138
2- مرجع سابق، ص 138

* 5- نهج البلاغه از نظر بلاغی دراوج قلههای رفیع بلاغت و فصاحت و اسلوبش متاثر از قرآن کریم است یا از طریق اقتباس و یا به طور مستقیم از این نظرکاملاً بی بدیل است، چرا که کلام کسی است که خود افصح الناس بوده است. مولا علی علیه السّلام در نهج البلاغه میفرماید: «و هولباس التقوی»(1)، در مقابل خداوند حکیم (جل جلاله) در قرآن مجید میفرماید: {و لباس التقوی ذلک خیرُ}(2). امام علی علیه السّلام در جای دیگری می فرماید: {دعوتکم لیلاَ و نهارا}(3)، که مقتبس از کلام باری تعالی در قرآن کریم است؛ {انی دعوت قومی لیلا و نهارا}(4).(5)

* 6- «درنهج البلاغه همه جا سخن از همدردی با طبقات محروم انسانها و مبارزه با ظلم و بی عدالتی است.»(6)

این امر به نوبه ی خود برای گرایش هرچه بیشتر فوج عظیمی از انسانهای نستوه و مبارز در سراسر عالم و در همه ی قرون و دوره ها، عامل مهم دیگری بوده

ص: 48

1- نهج البلاغه، خطبه ی : 27
2- الاعراف / 26
3- نهج البلاغه، خطبه ی : 27
4- نوح / 5
5- من معالم الأدب فی النهج البلاغه، الدکتورسید خلیل باستان، ص 3- 16
6- - نهج البلاغه، ترجمه وشرح حضرت آیت الله ناصرمکارم شیرازی، ج1، ص 17-20

و در عدم نشستن گرد و غبار کهنگی برروی این کتاب مقدس از سویی و ماندگاری همیشگی آن از دیگر سو، بسیار با اهمیت است.

* 7- «نهج البلاغه همه جا در مسیر آزادی انسانها از زنجیر اسارت هوی و هوسها گام برمیدارد.»(1)، این عامل با ارزش روز به روز، برشدت میل و علاقه و تبرک جستن به آن دربین جهانیان و تا ابد الآبدین می افزاید.

امام علی علیه السّلام دارای صفات حسنه و ویژگیهای منحصربه فرد - که لازمه ی یک انسان کامل و آزاده و عالم است – از یک سو و تمامی خصوصیات یک امام عادل و رهبر و زعیم شایسته است. برشمردن یکایک آن صفات و توانمندی ها دراین مقال نمیگنجد اما برای تبرک جستن به صفات قدسی و ملکوتی ذات مقدسش علیه السّلام، به دو مورد هرچند به صورت گذرا، اشاره میکنیم:

*الف: فقدان کبر و کمال ساده زیستی و بزرگ منشی مولا علی علیه السّلام:

حضرت علی علیه السّلام یگانه فرمانده میدان نبرد است که در تمامی عرصه های جنگ به القاب و عناوین مادی و معنوی پشت پا زد و وصایت و جانشینی حضرت محمد |، از یک سو و قلب پر از علم بی کران الهی وی از دیگر سو،

1- . همان، ص 17- 20

هیچگاه سبب آن نمیگردد که منیت و خودپرستی و کبر بر ذات و سرشت قدسی و الهی آن حضرت علیه السّلام چیره گردند، به گونه ای که «اول از لحاظ عاطفی، خود را و سپس حضار را مورد خطاب قرارمی دهد.»(1)

*ب: آن حضرت علیه السّلام همواره در تمام مدت حیات پر برکت خویش، در راه هرچه افراشته ترنگه داشتن پرچم اسلام ناب محمدی و خدمت صادقانه به آن از هیچ کوششی دریغ نمی کند.

امام علی علیه السّلام برای تشویق و ترغیب مردم به جهاد در راه خدا و اعتلای کلمه ی حق، تمامی تلاش خویش را مبذول می دارد و «از طریق حس وطن (دوستی)، طعنه، کنایه، برانگیختن احساسات دینی، ترس و صدق عاطفه. »(2) به این مهم جامه ی عمل می پوشاند.

انگیزه ی تألیف:

الف: عشق و علاقه ی وافر به امام علی علیه السّلام از همان اوان طفولیت:

از همان دوران کودکی، هرجا که مطلبی رادر مورد زندگانی امیر المؤمنین

ص: 50

1- من معالم الأدب العربی فی نهج البلاغه، الدکتورسید خلیل باستان، ص 16-3

2- مرجع سابق، ص 3- 16

علی علیه السّلام و از طرق مختلف می شنیدم، از منبر مسجد گرفته تا حرف و حدیثهای پدر و مادرم و دیگر نزدیکان - که به نحوی از انحاء با آموزه های دینی، با تربیت و ارشاد عاشقان و دلسوختگان بارگاه حق تعالی ارتباط تنگا تنگ و عمیقی را داشتند - تا مردم عامی کوچه و بازار که داستانهای ائمه و بزرگان دین را نقل میکردند، و تا آنجا که درحد بضاعت خود کتب سیره و زندگی نامه ی انبیاء و اولیای الهی را ورق میزدم، همیشه، همه جا و در همه حال، مسحور و شیفته ی شخصیت بی مثال و بی نظیر آن یگانه مولود کعبه، حضرت علی علیه السّلام، بوده ام.

چرا که سراسر زندگانی پر برکت او را از بدو تولد تا بعثت پیامبر|، که علی علیه السّلام بسان گلی خوشبو درگلستان رسول اکرم و اصحابش بود و از بعثت تا شهادت حضرتش و به همراه تمامی دلاوریها و رشادتهای بی بدیلش، همه و همه را در آن هنگام که با عقل کودکانه و اندیشه ی نورس خود می سنجیدم، بیش از پیش اسباب بهت و حیرتم می افزود و هرآن ستایش مرا نسبت به آستان حضرتش بیشتر بر می انگیخت.

علی عالی اعلی علیه السّلام را قهرمان و پهلوان داستانها و رؤیاهای خود ساخته بودم؛ داستانها و حوادثی که زاییده ی افکار کودکانه و معصومانه ی هر طفل دیگری است.

همیشه با خود می گفتم، آن علی که عمروبن عبدود؛ آن پهلوان نامی عرب را از پای در میآورد؛ یا آن کسی که در خیبر را از جا میکند؛ نادره ای که همیشه از

بارزترین پهلوانان میدان نبرد علیه جبهه ی کفر بود، کسی که باب ورود به علم پیامبر است، آیا ممکن است که خستگی، درد، شکست، غم و اندوه را بشناسد؟

در جواب با همان نجواهای کودکانه ام، زیر لب و با خودم می گفتم: نه، به خدا قسم اینگونه نیست؛ قطعاً در برابر هر فرعونی پیروز شده و هیچگاه برای هیچ احدی- هر قدر هم که ظالم باشد، زورمند باشد، بی رقیب باشد، شکست نخواهد خورد و... و بدین وسیله قهرمان خود را، شهسوار خیبر و ستاره ی درخشان تمامی غزوات حبیب خداصلی الله علیه وآله را دائم با دژخیمان ذهن خود، با سردمداران ظلم و بی عدالتی، و نیز با اهریمنان و شیاطین اندیشه ی خویش در مصاف و ستیز میدیدم. و همیشه بر این باور استوار بودم که اگر تمامی شخصیتهای خبیث و ظالم افکار من، بلکه تاریخ و جهان واقعیت با آن پهلوان نستوه در بیفتند، محال است که یارای دست و پنجه نرم کردن با او را داشته باشند و هرگز هم توانایی آن را نخواهند داشت.

آن روزها با همه ی عقل کودکانه ی خود علی علیه السّلام را این چنین شناخته بودم، کم شناخته بودم، بعدها هم نشناختم و اکنون هم نمی شناسم. و این جای تعجب نیست و هرگز هم او را نخواهم شناخت، چرا که هیچکس علی را نشناخته است، تنها خدا بود که علی را شناخته بود، پیامبرصلی الله علیه وآله بود که عظمت علی را درک کرده بود و در یک کلام علی علیه السّلام بود که علی را می شناخت و اینکه نه من و نه جامعه ی من علی را نشناخته بود، عجیب نیست. آخرچگونه ممکن است که آن

ص: 52

دریای باعظمت و بیکران ایزدی در کوزه ی عقل کوچک من و امثال من، در خرد بشریت جا بگیرد، هرگز، هرگز... .

ب: ابرازعلاقه ی مؤلف به تفحص و تامل درنظم و نثرفارسی :

از آنجا که به طورکلی شاهکارهای غنی ادبی ایران زمین به صورت خاصی آئینه ی تمام نمای اندیشه ها، باورها و عظمت روحی و معنوی ملت سرفراز ایران است؛ ملتی که از دیرباز تا کنون بالنده و شکوفا از گذرگاه حادثه ها و خطرگاه ها گذشته و به امروز رسیده است، بطور قطع میتوان یقین حاصل نمود که غنای این آثارگواه اندیشه ها و تجربههای آن فرزانگان و وارستگان آسمان علم و ادبیات بوده است؛ برگ برگ ادبیات زرین و فرهنگ پویای سرزمین پهناور ایران، جلوه گاه آثارمنظوم و منثور فرهیختگانی چون رودکی، فردوسی، بیرونی، غزالی، سنائی، عطار، سعدی، مولوی، حافظ، خیام، صائب، بهار و... است؛ شاعران و نویسندگان چیره دستی که از زلال فرهنگ پارسی جرعه ها نوشیدند و با پشتوانه ی ذوق و کوشش خویش، ازآمیختن آن فرهنگ غنی اسلامی با فرهنگ پویای ایرانی، آثار ماندگاری را در آسمان ادب و هنر رقم زدند که از سرمایههای بزرگ و پرمایه ی این مرز و بوم به شمار می روند. با اندکی تفحص و تامل به سهولت هرچه بیشتر میتوان رد پای تاثیرات معجزه آسای فرهنگ دینی – اسلامی و شعایر برگرفته از آن را در شاهکارهای منظوم و منثور زبان و ادبیات فارسی

ص: 53

جستجو کرد. شاعران و ادیبان ایران زمین از دیرباز مطابق با آموزه ها و تعالیم دینی خود، به طور غیر ارادی و ناخود آگاه، از آثار پر برکت اسلام عزیز و دین حنیف حضرت محمد صلی الله علیه وآله، بویژه اعلام اصحاب و ستارههای آسمان امامت، همچون حضرت علی مرتضی علیه السّلام به کرات سخن گفته و آثار مختلف منظوم و منثور خویش را با ذکر سیره ی مبارک آن امام همام علیه السّلام و داستان دلاوری های وی در صحنه های حساس و سرنوشت ساز نبرد اسلام علیه کفر و نیز جنبه های گوناگون حیات عملی و قدسی او، متبرک نموده اند.

از این رو نگارنده به دلیل شدت وابستگی و علاقه ی وافر به شخصیت بی نظیر امام رحمت و اسوه ی کامل، مولی الموحدین، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام از یک سو و تمایل و رغبت فراوان به ادبیات و بالاخص ادبیات ایران زمین و به تبع آن تحقیق و تفحص در آثار گوناگون منظوم، منثور، تاریخی، عرفانی، تفسیری، سیره و... به زبان شیرین فارسی از دیگر سوی، بر آن شد تا حاصل بررسی و تحقیق درباره ی گمشده ی خود اسد الله الغالب، علی بن ابی طالب علیه السّلام را در تمامی آثار منظوم و منثور ادبیات فارسی و در همه ی عصرها و دوره ها را از کسائی مروزی و قبل از آن تا عصر حاضر به صورت کتابی درآورد تا بدین سان هم عطش روحی خویش را بر طرف نموده و هم برای انضمام تاریخ ادبیاتی موثق و مفید، از تمامی شاعران و نویسندگانی که به نحوی از انحاء کلام

خویش را با ذکر نام مبارک حضرت امیرعلیه السّلام، مزین نمودهاند، مفید دوست داران و علاقه مندان عرصه های تاریخ خصوصا درمجال ادبیات، واقع شود.

چند نکته

1- همان گونه که گفته شد، هدف ازبه رشته ی تحریردرآوردن این کتاب، عشق و علاقه ی خالصانه و پاک به شخصیت الهی و آسمانی حضرت علی علیه السّلام و دیگری رغبت زاید الوصف مؤلف به انس گرفتن با شاهکارهای کم نظیر زبان و ادبیات فارسی و تفحص و تأمل در آنان است؛

2- کتاب حاضرعلاوه بر اینکه آثار برگزیده عرصه های مختلف زبان و ادبیات فارسی را در تمامی دورههای تاریخ ادبیات ایران زمین از عصر رودکی تا دوران معاصر در برمی گیرد، مشتمل بریک تاریخ ادبیات بسیارموثق و کامل از تمامی شاعران و نویسندگانی است که به شکلی از اشکال از آثارشان در این اثر بهره گرفته شده است. که این امرعلاوه براین که برغنای این کتاب افزوده است، این اثر را در نوع خود بی نظیر و ممتازگردانیده است؛

3- در این اثرسعی نگارنده بر این بوده است که آثار منظوم و منثور شاعران نامدار و نویسندگان مشهور همه ی ادوار ادبی زبان پارسی آورده شود و اگر میخواستیم به این امربسنده نکرده و آثار تمامی شاعران و نویسندگان مشهور و غیرمشهور ادبیات پارسی را ذکر کنیم، این کارچندین مجلد کتاب حجیم را تشکیل میداد که این کاربه نوبه ی خود هم مستلزم مشقت فراوان بوده و و هم بازدهی اثر را کمتر می نمود؛

4- درفهرست الفبائی و نیز ترتیب صفحات کتاب، اهتمام نویسنده برآن بوده تا شاعران و نویسندگان براساس ترتیب زمانی عصری که درآن میزیسته اند، ذکرشوند.

5- اساس تحقیق بر این امر استوار بوده که چکیده و برگزیده ای از آثار شاعران و نویسندگان و عرفا و مورخین معروف دورههای مختلف تاریخی آورده شود تا از حجم تالیف کاسته شده و دشواری کمتری فرا روی خوانندگان گرامی حاصل آید.

6- مصنف امیدوار است که با تاثیر و تاسی از زندگی مولا علی علیه السّلام و اسوه و الگو قراردادن آن امام رحمت علیه السّلام، در تمامی شؤن زندگی، دلهایمان را با رابطه ی برادری و برابری و اخلاص و محبت بیشتر به همدیگر نزدیک گردانیم و صداقت، امانت، اتحاد، همدلی و صمیمیت را به یمن برترین مقتدا و اسوه ی تاریخ بشریت، امام علی علیه السّلام، در جامعه ی ایران همیشه سرفراز اسلامی، برای خود و هم میهنان عزیزمان، در سراسر این خطه ی پهناور و همیشه سربلند و آباد، به ارمغان آوریم.

7- مؤلف امیدوار است که خوانندگان ارجمند هیچ گونه اشکالی را با دیده ی اغماض ننگرند، که نقدی راستین و تذکری به جا چون نسیمی جان حقیر را نواخته و جهت بهبودی تالیفات بعدی دستم را گرفته و دلم را گرم و دیده گانم را روشنی می بخشد.

حسین طه نیا

ص: 56

بخش اول :متقدمین شاعران و نویسندگان پارسی گوی

اشاره

ص: 57

شاعران و نویسندگان قرن سوم هجری

اشاره

ص: 59

(یعقوبی- وفات 278 هجری – قمری)

احمد ابن ابی یعقوب بن واضح و یا احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن و اضح، کاتب معروف به یعقوبی از تاریخ نویسان و جغرافی دانان اسلامی است. در ارمینه و هند و مصر و بلاد مغرب گردش کرد. از تالیفات اوست:

1- اخبار الامم السالفه 2- الاسماء 3- البلدان 4- التاریخ (معروف به تاریخ یعقوبی). وفات وی به سال 278 یا 284 ه.-ق اتفاق افتاده است. وی در گوشه ای از تاریخ خود این گونه از علی علیه السّلام، سخن به میان می آورد:

«علی حکم های شگفت آوری داشت؛ چنانکه قومی را آتش زد و دیگران را به وسیله ی دود از میان برد و بعضی انگشتان دست را در دزدی برید و دیواری را بر سر دو نفر، که آن دو را مشغول به فسقی دید، خراب کرد و میگفت: در خانه های خود پنهان شوید و توبه در پیش روی شماست؛ کسی که سینه سپر حق کند، از میان می رود، همانا خدا امین امت را با تازیانه و شمشیر ادب کرده است و هیچ کس را نزد امام مدارا و نرمی نیابد.»(1)

ص: 61

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ترجمه ی ابراهیم آیتی، صص137 و 138

(احمد بن یحیی بن جابربلاذری – متوفی 279 هجری قمری/ 892 م)

ابوالحسن احمد بن یحیی بلاذری از تاریخ نویسان پرآوازه ی ایرانی درعصر عباسی است. مهمترین اثر بلاذری کتاب معروف «فتوح البلدان» است که شامل فتوحات اولیه ی اسلامی است. بلاذری علاوه بر این تاریخ ارزشمند، کتاب گرانسنگ دیگری با نام «انساب الاشراف» را از خود به یادگار گذاشته است که از آن دو جلد باقی مانده و آن تاریخ گسترده ای براساس انساب است.(1)

بلاذری میآورد:

«... مغیره گوید: علی علیه السّلام می گفت: اگر فرصت یابم به کار بنو تغلب بپردازم، مرادر باب ایشان نظری است: هر آئینه جنگاورانشان را خواهم کشت و کودکانشان را به اسیری خواهم برد، آنان با مسیحی کردن اولاد خویش عهد خود را شکسته اند و ذمه ی مسلمانان از ایشان بری شده است.»(2)

1- تاریخ ادبیات عرب، رینولد نیکلسون، ص 353
2- فتوح البلدان، ترجمه ی دکترمحمد توکلی، ص 264

(ابو حنیفه ی دینوری – وفات 282 هجری – قمری)

ابوحنیفه احمد بن داود بن دینوری؛ بروکلمان در مقاله ی دائره المعارف اسلام، تولد وی را در دهه ی اول قرن سوم هجری مرجح دانسته است.

یاقوت حموی مرگ او را در شب دوشنبه، چهار شب مانده از جمادی الاولی 282 هجری نوشته است. او در انواع علوم و فنون متداول عصر خود، صاحب نظر بوده و کتاب نوشته است.

ابن ندیم می گوید: ابوحنیفه در نحو، لغت، هندسه، حساب، و نجوم اهل نظر بوده است

آثار:

1-کتاب النبات؛ 2- کتاب الفصاحه؛ 3- کتاب الانواء؛ 4- کتاب القبله و الزوال؛ 5- کتاب حساب الدور.

ابوحنیفه میگوید:

در همان حال علی علیه السّلام آمد ومی فرمود: «ای مردم نماز» ! ابن ملجم برخاست و با شمشیر بر سر آن حضرت ضربه زد، قسمتی از شمشیر به دیوار اصابت کرد و در آن رخنه ایجاد کرد. ابن ملجم از وحشت بر روی در افتاد و شمشیر از دست او جدا شد و مردم جمع شدند و او را گرفتند.»(1)

1- اخبار الطوال، دینوری، ابوحنیفه، ص261

این کتاب ترجمه ای است از جامع البیان فی تفسیر القرآن از محمد بن جریر الطبری که به فرمان ابو صالح منصور بن نوح مقارن همان تاریخی که دستور ترجمه ی تاریخ طبری را صادر کرده بود، ترجمه آن به زبان پارسی آغاز شد.

از دلایل اهمیت این کتاب یکی عظمت آن و دیگری اشتمال آن، بر مقدار فراوانی از لغات و مفردات فارسی که در برابر ترجمه ی مفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است. از این کتاب اجزائی در کتابخانه های سلطنتی تهران و کتابخانه آستان قدس رضوی موجوداست.(1)

در این تفسیر ارزشمند و تاریخی آمده است:

«پس هرسه به مزگت اندر آمدند و عبدالرحمن و شبیب از پس در بیستادند و چون علی از در مزگت اندر آمد، تارک بود و ایشان، هر سه شمشیر بزدند و آنِ شبیب و آنِ وردان کارگر نیامد و شمشیر عبدالرحمان برسرِ علی آمد و به استخانِ سر بگذشت و به مغز سر برسد و مردمان به گرفتن

1- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج1، صص 619-620

عبدالرحمان مشغول شدند وسپس وردان و

شبیب هر دو بجستند وعبدالرحمان را بگرفتند و اندر بند کردند و تنی چند از پس وردان و شبیب برفتند و ایشان را برگرفتند. و هم بر جای بکشتند.(1)

1- ترجمه ی تفسیر طبری، ص 386، مقتل امیرالمؤمنین علی علیه السّلام

شاعران و نویسندگان قرن چهارم هجری:

اشاره

ص: 67

«حکیم کسائی مروزی – ولادت 341- ه-.ق»

کسائی در سال 341 ه-. ق در مرو متولد شد. ابتدا برای سامانیان و عباسیان و سپس برای سلطان محمود غزنوی عود مجاملت میسوخت. وی نخستین شاعر ایرانی است که در مدح ائمه دوازده گانه شعر سرود. وی از استادان مسلم شعر عصر خویش بود و در ابداع مضامین و بیان معانی و توضیحات و نیز ایراد تشبیهات مهارت و قدرت بسیار داشت. مواعظ و حکمت را در شعر فارسی به کمال رساند. سال وفات کسائی بدرستی معلوم نیست آنچه است این است که وی تا سال 391 ه-. ق زنده بوده است و پنجاه سال داشته است.

کسائی در وصف درخشانی از حضرت علی علیه السّلام می گوید:

مدحت کن بستای کسی را که پیمبر

ستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

مدحت کن بستای کسی را که پیمبر

ستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

آن کیست بدین حال که بودست وکه باشد

جز شیر خداوند جهان حیدر کرار

این دین هدا را به مثل دایره ای دان

پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار

علم همه عالم به علی داد پیمبر

چون ابربهاری که دهد سیل به گلزار»(1)

1- اشعار حکیم کسائی مروزی، ص 44- 45

«مسعودی – وفات 345 هجری – قمری»

وی در بغداد چشم به جهان گشود و بعدها به مسافرت پرداخت و از هندوستان، آفریقای شرقی و خاورمیانه دیدار کرد. او نقش اساسی در تکمیل و ارتقاء تاریخ نگاری در جهان اسلام ایفا کرد و سرانجام در فسطاط واقع در مصر در سال 345 هجری – قمری دار فانی را وداع گفت.(1)

مسعودی در مروج الذهب میآورد:

او (علی) علیه السّلام در ایام خوش جامه نو نپوشید و ملک مالی نیندوخت مگر آنچه در ینبع داشت که آن را نیز صدقه و وقف کرده بود و آنچه مردم ازخطبه های وی بیاد سپردهاند، چهارصد و هشتاد و چند خطبه است که بالبدیهه یاد می کرد و مردم آن را حفظ و ثبت از هم می گرفتند.»(2)

ص: 70

1- دایره المعارف مشاهیر جهان، سروش قربانی، ص1185
2- مروج الذهب مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص779

«ابو علی محمدبن محمدبن عبدالله بلعمی – وفات 363 ه.-ق- 996 م»

«ابو علی محمد بن محمد بن عبدالله وزیر منصور بن نوح سامانی و پسر ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی است. ابو علی چندی وزیر عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح بوده و به امر پادشاه اخیر به ترجمه و تالیف تاریخ بلعمی مبادرت کرده است.» (1)

بلعمی در داستان خبر ذونواس به شهر نجران و کشتن و آتش زدن آنان می نویسد:

«مردمان از آن عجب داشتند و ندانستند که آن چیست؟ عمر ندانست. از علی بن ابی طالب رضی الله عنه پرسید؛ گفت: آن عبدالله بن تامر است که ملک سمن یوسف ذونواس صاحب الأخدود او را بکشت بدان چوب که بر سر وی زد و سرش شکست و خون آمد از وی. یوسف اندر آن زمین او را به گور کرد و علی بن ابی طالب را پیغامبر صلی الله علیه وآله او را آگاه کرده بود». (2)

1- فرهنگ فارسی دکتر معین، ج 5، ص 276

2- تاریخ نامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، ج 2، صص 704 و 703

(دقیقی – 367- 369 هجری – قمری)

ابو منصور محمد ابن احمد، از شاعران عصر سامانی، حدود 367 -369 ه.-ق و دومین گوینده ای است که به نظم شاهنامه قیام کرده است. وی در اواسط نیمه ی اول قرن چهارم متولد شده است. او بر دین زردشتی بود و در جوانی به دست غلام خود به قتل رسید. او شاهان سامانی و امرای چغانی را مدح می گفته است. مهمترین اثر او «گشتاسب نامه» است(1). فردوسی او را به گشادگی زبان و سخن گفتن خوب و روانی طبع وصف می کند.

وی در وصف شاه خیبر می گوید:

صنوبر دیدم و هرگز ندیدم

درخت سیم کش بر سر صنوبر

چنان کز چشم او ترسم نترسید

جهود خیبری از تیغ حیدر

چنان کان چشم او کردست با من

نکرد آن نامور حیدر به خیبر»(2)

1- قسمتی از شاهنامه و در شرح سلطنت گشتاسب و ظهور زردشت و جنگ دینی میان گشتاسب و ارجاسب است.
2- دیوان دقیقی، ص 101

شاعران و نویسندگان قرن پنجم هجری

اشاره

ص: 73

1 - حکیم ابوالقاسم فردوسی- (ولادت 329 – وفات 411 هجری – قمری)

حکیم ابوالقاسم فردوسی درسال 329 ه-.ق در قریه ی«باژ»، ناحیه ای طبران طوس به دنیا آمد. وی مردی وطن پرست و در میهن پرستی استوار بود. فردوسی سی و پنج سال برای سرودن بزرگترین و بی نظیرترین شاهکار ادبی و حماسی جهان، یعنی شاهنامه رنج کشید و در این راه تمام دارایی خود را از دست داد.

این شاعر فرزانه در پایان عمر تهیدست شد و در سال 411ه-.ق در زادگاه خود «باژ» در گذشت و در باغی که ملک او بود، مدفون گردید.

فردوسی در بزرگترین اثر پارسی که به حق زبان فارسی را با آن احیا نمود، در وصف شاه خیبر، علی مرتضی علیه السّلام می گوید:

چهارم علی بود جفت رسول

که او را ستاید به خوبی رسول

که من شهر علمم علیم دراست

درست این سخن قول پیغمبر است

گواهی دهم که این سخنها ز اوست

توگویی دو گوشم پر آواز اوست

علی را چنین گفت و دیگر همین

کز ایشان قوی شد بهرگونه دین

منم بنده ی اهل بیت نبی

ستاینده ی خاک پای ولی

اگرچشم داری به دیگر سرای

بنزد نبی و علی گیر جای

هر آنکس که درجانش بغض علیست

از او زار تر در جهان زار کیست؟(1)

ص: 75

1- شاهنامه ی فردوسی، ج1، ص 5- 7

2 - «ابن مسکویه رازی - وفات 421 هجری - قمری »

از مشاهیر حکما و نویسندگان، ابو علی الحازن احمد بن محمد بن یعقوب معروف به ابن مسکویه است. بنا بر نقل مورخان وی یا پدر او در آغاز امر زردشتی بودند و سپس اسلام آورد.

ابو علی نخست در خدمت ابو محمد المهلبی وزیر معز الدوله (م 352) بسر میبرد و بعد از آن نزد ابن العمید رفت و خازن کتب او بود.

ابو علی به علوم اوائل معرفت بسیار داشت و به فلسفه و طب و کیمیا بیش از همه مایل بود. وفاتش در سال 421 هجری اتفاق افتاد.

آثار:

1- الطهاره فی علم الاخلاق؛ 2- کتاب فی جواب مسائل الثلث؛ 3- تهذیب الأخلاق؛ 4-آداب الحرب و الفرس؛ 5- کتاب العاده؛ 6- تجارب الامم.(1)

ابن مسکویه رازی می نویسد:

علی گفت: بدانید اگر بپذیرم آن شود که من میدانم لیک اگر مرا واگذارید همچون یکی از شما باشم، بدانید و هر کس را بر این کار نهید من از همه تان از او شنواتر و فرمان بردار تر خواهم بود.(2)

1- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج 1، صص 301 و 300
2- تجارب الامم، ابو علی مسکویه رازی، ج 1، ص 424

3 - (شیخ اسحاق کازرونی – وفات 426 هجری قمری)

ابراهیم بن شهریار بن زادان فرخ بن خورشید معروف به شیخ ابواسحاق کازرونی، عارف قرن پنجم (ف 426 ه-. ق) است. مولد او قریه ی «نورد» کازرون است. پدرش شهریار زردشتی بود و مسلمان شد و مادرش بانویه نام داشت. گروهی زیادی از زردشتیان و یهودیان بدست او مسلمان شدند و چون با کافران مبارزه میکرد او را شیخ غازی خواندند. مدفن او اکنون در کازرون زیارتگاه است.

وی درباره کرمات امیر المؤمنین علی علیه السّلام می گوید:

«عُمَر بن ذی مر الهمدانی گفت: آن هنگام که زخم بر سر امیرالمؤمنین علی علیه السّلام زده بودند، من به نزدیک وی شدم. امیر المؤمنین علیه السّلام عصابه بر سر بسته بود، گفتم: یا امیر المؤمنین زخم خود به من بنمای تا ببینم. مهابه از سر خود بگشاد تا بدیدم. گفتم: هیچ رنجی نباشد که این خارشی است. امیر المؤمنین دوباره بگفت: بدرستی که من مفارقت خواهم کرد از شما. ام کلثوم دختر وی از پس پرده بگریست. امیر المؤمنین گفت: خاموش باش ای

ص: 77

دخترِ من ! که اگر ترا میدیدی آنچه من می بینم نگریستی ترا. عُمَر گفت: من گفتم یا امیر المؤمنین ترا چه می بینی؟ گفت: اینک ملایکه و پیغامبران و اینک محمد رسول الله صلی الله علیه وآله می گوید: یاعلی بشارت باد ترا که به جایی خواهی آمدن نیکوتر خوشتر از آنجا که تو در آنی و حال همچنان بود که وی فرموده بود، رضی الله عنه.»(1)

1- به نقل از کتاب خلفاء راشدین در قلمرو نظم و نثر فارسی، ص 21

4 - (فرخی سیستانی- وفات 429 هجری – قمری)

ابو الحسن علی بن جولوغ فرخی سیستانی، شاعر بزرگ اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم و از سر آمدان سخن در عهد خویش و در همه ی ادوار تاریخ ادبی ایران است. فرخی در عنفوان جوانی در شاعری مهارت یافت و بعد از آن و پس از قتل دقیقی، در خدمت ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی، امیر فاضل و شاعر پرور چغانیان بود. وی شاهان و شاهزادگان غزنوی و نیز عده ای از رجال دربار غزنوی را مدح گفته است. فرخی یکی از بهترین شاعران قصیده سرای ایران است. وفات او به سال 429 هجری – قمری اتفاق افتاده است. دیوانش در حدود نه هزار بیت دارد.

فرخی در موارد بسیاری ممدوحان خویش را به هنگام وصف به لزوم تحلی به توصیفات وکمالات حضرت علی علیه السّلام دعوت می کند، برای مثال می گوید:

همچنان کز آسمان آمد علی را ذوالفقار

کردگار از ملک گیتی بی نیاز است ای ملک(1)

ص: 79

1- دیوان حکیم فرخی سیستانی، ص 287

فرخی در جای دیگری، ضمن توصیف و مدحی در شأن مولا علی علیه السّلام، - با اشاره به جنگ خیبر - یکی از علل قرب و منزلت او نزد خالق هستی و جهانیان را این گونه ذکرمی کند:

از پی آنکه در از خیبر برکند علی

شیر ایزد شد و بگذاشت سر از علیین»

ص: 80

5 - (منوچهری دامغانی – وفات 432 هجری- قمری)

استاد منوچهری دامغانی از شاعران بزرگ قرن پنجم هجری است. تخلص او به علت انتساب او به فلک المعالی منوچهر بن شمس المعالی، قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی، منوچهری است. موضوعی که از اشعار او بیش از هر چیز دیگر جلب توجه میکند، تشبیهات تازه و بکر و بسیار عالی اوست که وی را در بین تمام شعرای معاصر خویش ممتاز و مشخص ساخته است.

وی در سال 432 هجری- قمری وفات یافت. منوچهری علاوه بر تازی دانی، از دانش های زمان خود مانند نحو، طب، نجوم و موسیقی آگاه بود و اصطلاحات و واژه های خاص آن علوم را در شعرخود به کار می برده است.

منوچهری در مدح علی علیه السّلام می گوید:

آن روز که آسمان بنوردند همچو طی

تا اصل مردم علوی باشد از علی

تا تخم احمد قرشی باشد از قصی

همواره باش مهتر و می باش جاودان

مه باش جاودانه و همواره باش حی.(1)

1- دیوان استاد منوچهری دامغانی، ص94-95

6 - «ابو سعید ابوالخیر- ولادت 357 – وفات 440 ه-. ق»

ابو سعید فضل الله بن ابی الخیر محمد بن احمد میهنی، از مشاهیرعرفا و محدثین اوایل قرن پنجم هجری و از مروّجان عقیده وحدت وجود در خراسان است. ولادت او به سال 357 ه-.ق درمیهنه از قراء خاوران ابیورد و وفاتش به سال 440 در همان محل اتفاق افتاده است.

ابو سعید در مجالسی که پدر وی ترتیب می داد با مبادی عرفان آشنا شد. ابو سعید ابوالخیر از رجال بزرگی است که اطلاعاتی در تفسیر و حدیث و فقه و ادبیات داشت و مواعظ او همواره با استفاده از این گونه مسائل همراه بود. به علت ذوق لطیف وحِدَّت ذهن وحُسن محاوره و لطف بیان خود اطرافیان را چنان مجذوب می کرد که سر و جان در راه او می باختند.

گویا او نخستین عارفی است که اندیشه ی خود را به جامه ی شعر میپوشیده و از این نظر پیش قدم سنائی و عطار بوده است.(1)

1- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ص603 -604

ابو سعید ابوالخیر می گوید:

«از جدم شیخ الاسلام ابوسعد روایت کردند که یک روز شیخ ما ابو سعد قدس الله روحه العزیز در مجلسی در میان سخن گفت: «العلماء ورثه الانبیاء» ما به حکم این خبر سخنی بخواهیم گفت. دراین ساعت کسی

در میهنه میآید که خدا و رسول او را دوست دارد و او خدا و رسولش را دوست دارد و این سخن مصطفی صلی الله علیه و سلم گفته بود. در حق امیر المؤمنین علی رضی الله عنه ما نیز به حکم میراث داری نبوت این سخن میگوییم.»(1)

شیخ ابوسعید در جای دیگری می آورد:

دانش و بصیرت و منطق و معرفت علی بهترین و عالیترین مبلغ اسلام و منطقی ترین جهاد در راه حق و ترویج این دین مبین است.

شیخ گفت: مردی از جهودان به نزدیک امیر المؤمنین علی رضی الله عنه آمد، و گفت: یا امیر

1- اسرار التوحید، باب دوم، بخش اول، ص151

المؤمنین خدای ما جل جلا له کی بُوَد و چگونه بود؟ گونه روی علی بگشت و گفت: خدای ما بی صفت بُوَد و بی چگونه بود.

چنانک بود همیشه بُوَد. او را پیش نیست و از پیش همه پیش هاست، بی غایت و منتهاست و همه غایت ها دون او منقطع؛ زیرا که او غایت غایت هاست. یهودی گفت: گواهی دهم کی در روی زمین هر که جز چنین بگوید، باطلست و «انا اشهد أن لا أله الا الله و ان محمداً رسول الله»(1).

آنچه که امیر المؤمنین علی علیه السّلام درباره خداوند گفته است: خلاصه و چکیده و عصاره قرنها تلاش و کوشش متکلمان اسلامی است، که کوشیده اند حیات مسلمانان را از کفر و شرک به خداوند نجات دهند، هر چند در پاره ای اوقات نتوانسته باشند حق مطلب را ادا کنند.

1- اسرار التوحید، فصل دوم، ص 261

7 - (ابوالحسن جلابی هجویری – وفات 465 ه. ق)

ابوالحسن علی بن عثمان بن ابو علی، از عارفان و نویسندگان قرن پنجم (465 ه-.ق) است. جلابی از شاگردان شیخ ابوالفضل محمد بن حسن خَتلی و علاوه بر او بسیاری از عرفا را نیز دیدار و از آنان در کتاب خود نقل قول کرده است. کتاب معروف «کشف المحجوب» از اوست. وی در ذکر حضرت علی علیه السّلام گفته است:

... عرفان علی، عرفان اتصال است. آن چنانکه میفرماید: «لا اعبد رباً لم أره» و خدایی را نبیند پرستش نمی کند و خدا را به خدامی شناسد. چون امیر المؤمنین علی (رض) را پرسیدند، از معرفت گفت: «عرفت الله بالله و عرفت مادون الله بنور الله» خداوند را عز وجل بدو شناختم و جز خداوند را به نور او شناختم.(1)

ص: 85

1- کشف المحجوب، ابو الحسن جلابی هجویری، ص 344

علی در نماز آن چنان خضوع و خشوع داشت که برای امثال ما قابل تصور نیست؛ نمازی با راز و نیاز و اتصال وجوبه دریا، نه اتصال ذاتی بلکه کسب و اردات و الهامات معنوی و فیوضات ربانی و چون امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه قصد نماز کردی، مویهای وی ازجامه ی وی بیرون کردی و لرزه بر وی افتادی و گفتی: «آمد وقت امانتی که آسمانها و زمین ها از حمل آن عاجز آمدند».»(1)

1- همان، ص 387

8 - (ابوالقاسم قشیری – ولادت 376 – وفات 465 هجری قمری)

ابو القاسم عبد الکریم بن هوازن بن عبد الملک، از عارفان بزرگ در قرن چهارم هجری است.

ولادت وی به سال 376 هجری و وفاتش در سال 465 ه-.ق بوده است.

وی شیخ خراسان بود و در نیشابور اقامت داشت و مورد تکریم آلب ارسلان بود. قشیری صاحب رساله ی قشیریه است که از امهات کتب در باب تفسیر قرآن و نیز عرفان است.

قشیری این گونه زبان به ذکر اخبار علی علیه السّلام می گشاید:

علی بن ابی طالب گوید، کرم الله وجهه صبر مرکبی است که هرگز بسر اندر نیاید.(1)

قشیری در جای دیگری میآورد:

روایت کنند از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه، غلامی را بخواند نیامد، دیگر بار بخواند، هم نیامد، سدیگر را بخواند، هم نیامد، علی برپای خاست، آمد

1- ترجمه ی رساله ی قشیریه، بدیع الزمان فروزانفر، ص 281

او را دید، پشت باز گذاشته است. گفت: ای غلام، آواز من نشنیدی که چندین بار تو را خواندم. گفت شنیدم، گفت: پس چرا نیامدی؟ گفت: کریمی تو دانستم، ایمن بودم از عقوبت تو، کاهلی کردم نیامدم، گفت: برو که تو را آزاد کردم از بهر خدای عز وجل.(1)

قشیری همچنین درباره جود و سخای علی علیه السّلام می نویسد:

«... روزی امیرالمؤمنین علی مرتضی کرم الله وجهه بگریست، گفتند: چراست این گریستن؟

گفت: هفت روز است تا هیچ میهمان به خانه ی من نیامده است، ترسم که خدای عزوجل مرا خوار بکردست» (2)

و در جای دیگری نیز ذکرمی کند:

«... و اندر خبر همی آید که بهشت مشتاق است به سه کس، به علی، عمار، و سلمان (رضی الله عنهم اجمعین)» (3)

1- همان، ص 394
2- رساله ی قشیریه، ص 414
3- همان، ص582

9 - (ناصر خسرو قبادیانی- ولادت 394 ه-.ق- وفات 481 ه-.ق)

حکیم ابو معین ناصر بن خسرو بن حارث قبادیانی، ملقب به حجت، در سال 394 ه-.ق در قبادیان، از نواحی بلخ متولد شد. از شاعران بسیار توانا و بزرگ ایران و از گویندگان طراز اول زبان فارسی است. به دربارسلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود راه یافت.

قرآن را حفظ بود و بر تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و علی الخصوص حکمت یونان تسلط داشت و علم کلام و حکمت را نیک میدانست. ناصر خسرو در سال 481 ه-.ق در یمکان وفات یافت.

آثار:

1- سفرنامه؛ 2- وجه دین؛ 3- خوان اخوان؛ 4 – روشنایی نامه؛

5- سعادت نامه؛ 6- دیوان اشعار شامل سی هزار بیت.

ناصر خسرو قبادیانی در مدح مولای متقیان، علی علیه السّلام، چنین میگوید:

نبود اختیار علی سیم و زر

که دین بود و علم اختیار علی

شریعت کجا یافت نصرت مگر

ز بازوی خنجر گزار علی

ز کفار مکه نبود هیچکس

بدل نشده سوگوار علی

حسن و حسین یادگار رسول

نبودند جز یادگار علی(1)

1- دیوان اشعار حکیم ابومعین حمید الدین ناصربن خسرو قبادیانی، ص 478- 479

وی در جای دیگری می گوید:

بهار دل دوستدار علی

همیشه پر است از نگار علی

دلم زو نگار است و علم اسپرم

چنین واجب آید بهار علی

علی از تبار رسول است و نیست

مگر شیعت حق تبار علی

به صد سال اگر مدح گوید کسی

نگوید یکی از هزار علی

به مردی و علم و زهد و سخا

نبازم بدین هر چهار علی(1)

ص: 90

1- همان ، ص517- 519.

10 - (نظام الملک طوسی – ولادت 410 – مقتول 485 ه-. ق)

وی قوام الدین ابو علی حسن ابن ابی الحسن علی بن اسحاق بن عباس طوسی، ملقب به رضی امیرالمؤمنین (408 و410 – 485)، وزیر دانشمند دوره ی سلجوقیان است. در نوغان طوس ولادت یافت. در طوس و نیشابور و مرو فقه و حدیث آموخت. آنگاه در بلخ به خدمت ابو علی بن شاذان در آمد و به دبیری وی اشتغال جست و چون ابو علی بعد از استیلای سلجوقیان در بلخ به وزارت چغری بیک رسید، نظام الملک را به دبیری آلب ارسلان گماشت. چون آلب ارسلان در سال(451 ه-.ق) به جای پدر حکومت خراسان یافت، نظام الملک را به وزارت برگزید. چون چهار سال بعد پس از مرگ عم خود، طغرل(455) به سلطنت رسید، عمید الملک کندری را خلع کرد و نظام الملک را به جای او وزارت ممالک سلجوقی داد. از این پس وی در وزارت باقی بود تا در سال 485 به سبب اختلاف با ترکان خاتون بر سر جانشینی ملک شاه و ترجیح برکیارق بر محمود و سعایت مخالفان، به قولی از وزارت بر کنار شد و بنا به بعضی اقوال دست او را از کارها کوتاه کردند و اندکی بعد در راه بغداد، (در صحنه)، به دست یکی از فداییان حسن صباح به قتل رسید. (رمضان 485).

مجموع مدت وزارت نظام الملک سی سال بود و در این مدت وی در حل و عقد امور مملکت دخالت کامل داشت و بسیاری از فتوحات سلجوقیان و پیشرفتهای آنان در امور داخلی مملکت مدیون کاردانی و کفایت او بود. نظام الملک به سبب ارادتی که به فقیهان داشت، مدارس بسیار بنا نهاد که پس از وی به مدارس نظامیه معروف شد. خواجه از نویسندگان چیره دست نثر فارسی بشمار

ص: 91

می رود و کتاب (سیاستنامه ی) او از کتب فصیح زبان فارسی است. علاوه بر آن مکتوبی از وی به پسرش در دست است که به نام

«وصایای نظام الملک» یا «دستور الوزرا» معروف است.

خواجه نظام الملک در حفظ خشم به نقل از علی علیه السّلام می نویسد:

... امیر المؤمنین علی علیه السّلام را پرسیدند که از مردم کدام مرد مبارزتر است؟ گفت: آن که بوقت خشم خود را نگاه تواند داشت و کاری نکند که چون از خشم بیرون آید، پشیمان شود و سود ندارد و کمال خرد مرد را آن چنان بود که خشم نگیرد، پس اگر گیرد باید که عقل او بر خشم چیره بود نه خشم او بر عقل و هر که را هوای نفس او بر خود چیره بود، چون بشورد خشم چشم خرد بپوشاند و همه آن کند که او فرماید که از دیوانگان بوجود آید و باز

هر که را خود بر هوای او غالب باشد، به وقت خشم خِرد او خواست نفس او را قهر کند و همه آن کند و فرماید که نزدیک عقلا پسندیده بود و مردمان دانند او خشم شده است.(1)

1- سیمای علی علیه السّلام ازمنظراهل سنت، ص462- 463، منقول ازسیاست نامه، ص 146

11 - «عنصر المعالی- فوت 492 هجری – قمری»

امیر عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر زیار از امرای دانشمند خاندان زیاری بوده است. وی پسری داشت به نام گیلان شاه که قابوس نامه را برای او نوشت. این کتاب که گویا ابتدا نصیحت نامه نام داشت، مقدمات غالب فنون را با بیانی ساده شامل است. کیکاوس به قصد تربیت فرزند خود همه ی رسوم را در این کتاب مورد بحث قرار داده است. وی ظاهراً اواخر قرن پنجم هجری (492 هجری – قمری) یا اوایل قرن ششم هجری در قید حیات بوده است. (1)

عنصر المعالی می نویسد:

پس در کارزار این اعتقادباید کردن و کوشا بودن تا نام و نشان حاصل آید و در حدیث مردن خود امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب کرم الله وجه می گوید به لفظی موجز: «مُت الیوم الذی ولدت» من آن روز مردم که بزادم. (2)

1- لغت نامه دهخدا، جلد یازدهم، ص 16409

2- باب بیستم از قابوس نامه، اندر کارزار کردن، ص 101

12 - (ابو الفضل رشید الدین میبدی- قرن پنجم هجری قمری)

ابوالفضل رشید الدین میبدی نام مؤلف دانشمند و مفسر چیره دست تفسیر کشف الاسرار وعده الابرار است. اصل این کتاب که به نثری عارفانه و شیرین و در عین حال از سر ذوق و نهایت اختصار نوشته شده است، متعلق به خواجه عبدالله انصاری است. در سال 520 ه-.ق میبدی به شرح و بسط آن پرداخته و مسائل و مباحث بسیاری درباره آیات و روایات مربوط به هریک برآن افزوده است و کتابی مفصل و پر حجم در تفسیر قرآن پدید آورده و آن را «کشف الاسراروعده الابرار» نامیده است.

نثر کتاب میبدی هموار و شیرین و دلچسب است و بیشتر خواص متون عرفانی را در خود منعکس کرده است.

رشید الدین میبدی در ذکر کرامات حضرت علی علیه السّلام می نویسد:

و در آثار بیارند که علی- علیه السّلام- در بعضی از آن حربهای وی، تیری به وی رسید؛ چنان که پیکان اندر استخوان وی بماند. جهد بسیار کردند؛ جدا نشد گفتند: تا گوشت و پوست برندارند و استخوان نشکنند، این پیکان جدا نشود.» بزرگان و فرزندان وی گفتند:« اگر چنین است صبر باید کرد تا در نماز

شود که ما وی را اندر ورد نماز چنان همی بینیم که گویی وی را از این جهان خبر نیست صبر کردند تا از فرایض و سنن فارغ شد و به نوافل و فضایل نماز ابتدا کرد.

مرد معالج آمد و گوشت برگرفت و استخوان وی بشکست و پیکان بیرون گرفت و علی اندر نماز بر حال خود بود. چون سلام نماز باز داد گفت: « درد من آسانتر است.» گفتند: « چنین حالی بر تو رفت و تو را خبر نبود؟» گفت: «اندر آن ساعت که من به مناجات الله باشم، اگر جهان زیر و زبر شود، یا تیغ و سنان در من می زنند، مرا از لذت مناجات الله از درد تن خبر نبود.»(1)

1- ادبیات فارسی (5) و(6)، ص 229

شاعران و نویسندگان قرن ششم هجری

اشاره

ص: 97

1 - «محمد غزالی (ولادت 450 – وفات 505 هجری – قمری)»

ابو حامد، محمد غزالی طوسی در سال 450 هجری – قمری در روستای طابران طوس از مادر بزاد. کودکی و جوانیش صرف دانش اندوزی و جهانگردی شد. تا آنکه در مرز چهل سالگی در انواع رشته های علوم انسانی سرآمد دانشوران روزگار خود شد، در زمینه عرفان، فلسفه و کلام، روانشناسی و اخلاق نوآوریها کرد.

وی در سال 505 هجری پس از پنجاه و پنج سال زندگی پر ثمر چراغ زندگیش در زادگاهش خاموش شد. (1)

1- غزالی در آداب تلاوت میگوید:

علی بن ابی طالب (رض) گوید: هر کس که قرآن در نماز ایستاده خواند، وی را به هر حرفی صد حسنه بنویسند و اگر نشسته خواند، در نماز پنجاه بنویسند و اگر بر طهارت بود نه در نماز، بیست و

1- کیمیای سعادت، ج 1، ص 9 از مقدمه.

پنج حسنه و اگر بر طهارت نبود، ده حسنه بیش ننویسند و... »(1)

2 - درجای دیگری این چنین میآورد:

فایده سوم - انس باشد به دیدار زنان و راحتی که دل را حاصل آید به سبب مجالست و مزاح با ایشان که آن آسایش سبب آن باشد که رغبت عبادت تازه گردد که مواظبت برعبادت ملالت آرد و دل در آن گرفته شود و این آسایش آن قوت را باز آورد. و علی رضی الله عنه می گوید که راحت و آسایش به یک راه از دلها باز می گیرند، که دل از آن نابینا شود. (2)

3- و در جای دیگر می گوید :

علی رضی الله عنه می گوید: غیرت بر زنان از حد مبرید که آنگاه مردمان بدانند و بدان سبب زبان به ایشان دراز کنند و اصل غیرت آن است که راه

1- همان، ص 244
2- کیمیای سعادت، امام محمد غزالی، آداب نکاح، ص 288

چشم ایشان از نا محرم بسته دارد.(1)

4- شیخ غزالی نیز می گوید:

«امیر المؤمنین علی را پرسیدند که چرا خلق را پند سود نمیکند؟ گفت: خبری معروف است که رسول صلی الله علیه وآله بوقت مرگ وصیّت کرد و به سه انگشت اشارت کرد و پس به زبان گفت که از احوال آن سو مرا مپرسید، و پس آن اشارت را سه ماه گفتند و سه سال گفتند و سی سال گفتند.(2)

1- همان، آداب زندگانی کردن با زنان، ص 300 – 299
2- نصیحه الملوک، امام محمد غزالی، ص 148

2 - مسعود سعد سلمان (ولادت 438 – وفات 515 هجری قمری)

مسعود پسر سعد سلمان از شاعران بسیار بزرگ و نامی اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است. اصل او از همدان و منشاش جرجان «گرگان» بود. وی در خدمت سلطان مسعود غزنوی و سلطان ابراهیم غزنوی به مقامات ارجمند رسید. سلطان ابراهیم مسعود را به حصار نای در افکند. مسعود پس از مرگ سلطان از زندان آزاد شد، اما دیگر بار به سعایت حسودان به زندان «نای» در افتاد، که به قولی اول بار12سال و دوم بار 20 سال به طول انجامید. سرانجام به سعی ثقه الملک طاهر خلاصی یافت؛ ولی دست از خدمت ملک کشیدو به زهد و عبادت گرائید تا سر انجام در سال 515 هجری زندگی را بدرود گفت.

دیوان اشعار پارسی او متجاوز از ده هزار بیت می شود. قصیده هایی که این شاعر در زندان میسروده «حبسیات» نامیده می شود. این قصاید در ادب پارسی از جایگاه ویژهای برخوردار است.

ص: 102

مسعود سعد درباره ی حضرت علی علیه السّلام می گوید:

نشاط کامل کن ملکا برسماع نای علی

نبیند رنگین خور بر کنار آب روان(1)

درجای دیگری می آورد:

پیش تو سوار سخن امروز پیاده است

نطقت چو سرتیغ علی بن عم مختار(2)

ص: 103

1- دیوان مسعود سعد سلمان، ص 537
2- همان، ص 769

3 - معزی نیشابوری (وفات 518-521ه.ق)

محمد بن عبد الملک معزی نیشابوری از سلاله ی ستایشگران و یکی از آخرین افراد خوش اقبالی است که به شیوه ی شاعران دربار غزنه شعر میگفت و همانند آنان ثروت و نعمت و برخورداری یافت، تا آنجا که جاه و مقام او رشک شاعران پس از وی را برانگیخته و بر روزگار خوش او حسرت بردهاند.

معزی از نیشابور بود. وی تخلص شعری خود، «معزی» را از لقب سلطان معز الدین اقتباس کرد و تا پایان کار ملکشاه در خدمت سلطان سلجوقی به سربرد. معزی بین سالهای 518 تا 521 هجری- قمری بدرود حیات گفته است.

او شاعری مقلد و فاقد ابتکار بود و قصاید او عموما بر شیوه ی منوچهری است. کاراصلی او قصیده سرایی و مضمون عمده ی شعرش مدایح و توصیف است.

امیر معزی در وصف ممدوح خود با صفات برگرفته از ذات علی بن ابی طالب میگوید:

اگر هست نیکو بدست ملوک

بدست خداوند نیکوتر است

امیر اجل، فخر عالم علی

که دل پرور شاه دین پرست

مرا شعرعالی شد از دو علی

مقدم یکی، محتشم دیگراست

علی بن بوطالب اندر بهشت

علی بن شمس الملوک ایدر است(1)

1- دیوان امیر الشعرا، محمد بن عبد الملک نیشابوری متخلص به معزی، ص121

4 - (عين القضات همدانى (وفات 525 هجرى- قمرى)

ابو المعالى، عبدالله بن محمد بن على ميانجى همدانى، از عارفان نامدار و دانشمندان ربع اول قرن ششم هجرى است. وى شافعى مذهب و در طريقت شاگرد احمد غزالى بود. همچنين از محضر شيخ بركه ى همدانى استفاده كرده است. به تحصيل حكمت، عرفان و كلام و ادب عربى پرداخت. بيشتراطلاعات خود را از راه تحقيق و تتبع شخصى فراهم آورده است.

آثار:

1 – يزدان شناخت؛ 2- تمهيدات؛ 3- زبده الحقايق؛ 4- لوايح؛

5- شكوى الغريب عن الاوطان.

وى را در شب 7 جمادى الاخرى؛ سال 525ه-.ق، بر دار كشيدند.

اينگونه كلام خود را با ذكر نام على ×؛ مزين ميسازد:

... عبارت اين باشد: «راى قلبى ربى»؛ على بن ابى طالب از اين حال چنين بيان ميكند:

«ما نظرت فى شئ الّا و رايت الله فيه»: «الم تر الى ربک كيف مد الظل»؛ اين باشد و چون او خود را در آيئنه ى دل ما بيند، عبارت اين باشد كه : «الم يعلم

ص: 105

بان الله یریٰ»(1)

عین القضات در جای دیگری میگوید:

«قومی را هر لحظه در خرابات خانه ی » فاَلهَمَها فجورها»، شربت قهر و کفر می دهند و قومی را در کعبه ی «انا مدینه العلم و علی بابها»، شربت؛ «ابیت عند ربی» می دهندو «تقویٰها»، این حالت باشد و هر دو شربتها پیوسته به کار است و هر دو طایفه، «هل من مزید» راجویانند.»(2)

ص: 106

1- تمهیدات ؛عین القضات همدانی، ص279- 280
2- همان، ص120

5 - (شهاب الدین احمد سمعانی – 487-534 ه.ق)

شهاب الدین ابوالقاسم احمد ابن ابی المظفر منصور السمعانی از فقها و مفتیان واعظان و شاعران قرن چهارم هجری قمری است و کتاب «روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح» اثر این فقیه است.

این دانشمند وارسته این گونه زبان به وصف علی علیه السّلام می گشاید:

... شبی مهمانی آمد به خانه ی امیر المؤمنین علی-رضی الله عنه – او را بنواخت و طعامی بداد و جامه ی خواب فرو کرد و آن مرد غافل وار تا روز با آن ببود و آن مهتر به قدم خدمت ایستاده و به طاعت خداوندمشغول گشته.

چون روز بود آن مرد گفت: ما کانت لی فی عمری لیله مثل لیلتک فی التیقظ و العباده. فقال علی: و ما کانت لی فی عمری لیله مثل لیلتک فی النوم و الغفله.

گفت: مرا هرگز شبی چون شب تو نبوده است در طاعت و عبادت. علی گفت: و مرا هم هرگز شبی چون شب تو نبوده است در غفلت.(1)

1- خلفاء راشدین درقلمرو نظم ونثرفارسی، ص 71

6 - احمد جام (قرن پنجم هجری قمری)

شیخ جام شهرت شهاب الدین ابونصراحمد بن ابو الحسن نامقی جامعی، ملقب به ژنده پیل و شیخ الاسلام جام زاهد مشهور است. در 22 سالگی قدم به سیر و سلوک گذاشت.

در آغاز سلوک از خلق دوری گزید و به ریاضت پرداخت. بعدها در آبادی معبد آباد سکنی گزید و مسجد جمعه ای در آنجا بنا نمود و به ارشاد مردم پرداخت و شاگردان بسیار بر وی گرد آمدند. پس از وفات در بیرون از معبد آباد به خاک سپرده شد و بعداً مقبره و مسجدی بر مدفنش ساختند که مرکز شهر کنونی شهر تربت جام گردید. وی از معاصران غزالی، عین القضات همدانی و سنائی غزنوی بود. همه ی آثارش به فارسی بود.

آثار:

1- انس التائبین؛ 2- سراج السائرین؛ 3- فتوح القلوب؛ 4- مفتاح النجاه.

شیخ احمد جام در وصف علی علیه السّلام می گوید:

گر منظر افلاک شود منزل تو

و ز کوثر اگر سرشته باشد گِل تو

چون مهر علی نباشد اندر دل تو

مسکین تو و همان سعی بی حاصل تو(1)

1- شرح احوال ونقد تحلیل آثار احمد جام، دکتر علی فاضل، ص 510

7 - (سنائی غزنوی – ولادت 473 – 535 هجری قمری)

ابوالمجد مجدود بن آدم ملقب و متخلص به سنائی، در یکی از سالهای آغاز نیمه ی دوم قرن پنجم و احتمالا 473 هجری، از خاندانی گرامی و از نژاد بزرگان، همچنان که خود میگوید در غزنین به دنیا آمد:

پدری دارم از نژاد گرام

از بزرگی که هست آدم نام

او بعد از مهارت در شاعری و استادی در این فن به عادت زمان روی به دربار سلاطین نهاد و به دستگاه غزنویان راه جست. وی در آغاز کار به مداحی اشتغال داشت. وی در سال 535 هجری درگذشت و در غزنین به خاک سپرده شد. سنائی در آغاز کار از سبک عنصری وفرّخی پیروی میکرده است و بعدها در اثر تغییر حال، روش دیگری - که خاص خود اوست - پیش گرفته است. شاعر سبک و روش مستقلی به جای گذاشته که قصاید زهدی اوست و بعدها مورد تقلید کسانی چون خاقانی و سلمان ساوجی قرارگرفته است.

سنائی در وصف حیدر کرارمیگوید:

ای امیر المؤمنین، ای شمع دین، ای بوالحسن

ای به یک ضربت ربوده جان دشمن از بدن

ص: 109

ای به تیغ تیز روز رستاخیز که در روز جنگ

وی به نوک نیزه کرده شمع فرعونان لگن

از برای دین حق آباد کردی شرق و غرب

کردی از نوک سنانت عالمی را پر سنن

تیغ الا الله زدی بر فرق لا گویان دین

تیغ الا الله زدی بر فرق لا گویان دین

هرکه لا می گفت وی را میزدی برجان تن[1]

ص: 110

1- دیوان حکیم ابو المجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی، ص 490

8 - ادیب صابر ترمذی (مقتول بین 538 – 542 هجری – قمری)

شهاب الدین شرف الادباء بن اسماعیل ترمذی، شاعر مشهور ایرانی نیمه ی اول قرن ششم هجری قمری است. اصل وی از ترمذ بود و شاعری او هم در آن شهر شروع شد. اما بعدها در نواحی دیگر، مانند مرو و بلخ و خوارزم روزگار گذرانید و به مداحی سنجر پرداخت.

اتسز، توطئه ای برای قتل سنجر ترتیب داده بود و صابر از آن آگاه شد و بوسیله ای سنجر را مطلع کرد و نقشه ی اتسز باطل گردید و او ادیب صابر را در جیحون انداخت.

از مختصات شعر او میتوان به سادگی و روانی آن اشاره کرد.

صابر غزلها و تغزلهای لطیفی دارد. ادیب صابر در مدح علی علیه السّلام میگوید:

گرتبار مصطفی را آسمان خوانی به قدر

طلعتش را خواند باید آفتاب آن تبار

زانک چون آن آفتاب فضل در صلب علی

هدیه داد از آسمان ایزد علی را ذوالفقار(1)

صابردرجای دیگری میگوید:

حیدر که خاتمی بیکی داد در رکوع

ضایع نماند و آیتش آمد کردگار(2)

ص: 111

1- دیوان ادیب صابرترمذی، ص 51
2- همان، ص 58

9 - عثمان مختاری (ولادت 469 – وفات 548 هجری قمری)

حکیم ابو عمرو یا ابو عمر بهاءالدین عثمان بن عمر مختاری غزنوی، از شاعران و قصیده سرایان قرون پنجم و ششم هجری قمری است. وی بین سالهای 469 و 458 ه-.ق - مقارن با سلطنت ابراهیم بن مسعود غزنوی - ولادت یافته است. او مداح رسمی ارسلان بن مسعود بن ابراهیم غزنوی (412-509) بود و در دربار او سمت ملک الشعرایی داشت.

مختاری بین سالهای 512 و 548 و در زمان سلطنت بهرام شاه غزنوی بوده است.

مختاری ممدوحان خویش را به صفات علی علیه السّلام وصف میکند:

شاهی که از دلیری و آزادگی دهد

در جنگ چون علی به کف خصم ذوالفقار(1)

درجای دیگری می گوید:

میری که حسام او در دین محمد

اخلاق علی دارد و آئین محمد(2)

ص: 112

1- خلفاء راشدین در نظم و نثر فارسی، ص 97

2- همان، ص 98.

10 - رشید الدین وطواط (ولادت 476 – وفات 573 هجری قمری)

رشید الدین سعد الملک محمد بن محمد بن عبد الجلیل عمری، کاتب و شاعر ایرانی از اعقاب عمر بن خطاب است. وی در بلخ متولد شد و در مدرسه ی نظامیه ی آن شهر قسمتی از تحصیلات خود را نزد ابو سعید هروی انجام داد و سپس برای ادامه ی تحصیل به خوارزم رفت. در اوایل عهد اتسز بن محمد خوارزمشاه به خدمت او در آمد و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگارگذرانید. رشید الدین سمت صاحب دیوانی رسایل را داشته است.

تخلص او به «وطواط» از بابت کوچکی جثه ی او بود.

رشید علاوه بر دیوان اشعار، آثار منثور زیادی داشته است.

آثار:

1- منشأت فارسی، شامل رسایل سلطانی و اخوانی؛ 2- حدائق السحر؛ 3- فصل الخطاب من کلام عمر بن خطاب؛ 4- تحفه الصدیق الی الصدیق من کلام ابی بکرالصدیق5؛- انس الله فان من کلام عثمان بن عفان؛ 6- مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب؛ 7- نثر اللآلی؛ 8- مجموعه ی رسایل عربی؛ 9- منظومه ای درعروض فارسی.

وی در نظم و نثر فارسی سرآمد زمان خود بود. شعر پارسی او استادانه و در کمال انسجام است.

ص: 113

در انتخاب کلمات و قوت ترکیب و ایراد صنایع مختلف لفظی مهارت داشته است.

وفات رشید به سال 573 هجری قمری بوده است.

رشید الدین این گونه کلام خود را با ذکرنام گهربار علی علیه السّلام می آراید:

«امیر المؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب علیه السّلام با آنکه امام اخیار و قدوه ی ابرار و سید فتیان و مقدم شجعان بود، فصاحتی داشت که عقود جواهر از انفاس او در غیرتند و نجوم زواهر از الفاظ او در حیرت.

عمرو بن بحر جاحظ، رحمه الله، که در کمال براعت و وفور بلاغت نادره ی این امت و اعجوبه ی این ملت بود، از مجموع کلام امیر المؤمنین علی علیه السّلام - که جمع بدایع غرر و روایع درر است - صد کلمه اختیار کرده است و هر کلمه از آن برابر هزار داشته و به خط خود نبشته و خلق را یادگار گذاشته، واجب دید آن صد کلمه را به دو عبارت نظم و نثر فارسی تفسیر کردن و در تفسیر هر کلمه دو بیت شعر از منشأت خود، که مناسب آن کلمه بود، آوردن تا فایده ی آن عالَم تر بود و منفعت آن تمامتر و هر دو فریق، هم ارباب نظم و هم اصحاب نثر، در مطالعه ی آن رغبت نمایند.(1)

1- خلفای راشدین درقلمرو نظم ونثرفارسی، ص 99- 100

11 - ابو المعالی نصر الله منشی (وفات 555-583 ه-. ق)

ابوالمعالی نصر الله بن محمد بن عبد الحمید مکنی به ابی المعالی و در زمان بهرام شاه غزنوی میزیست. او نزد این پادشاه تقرب تام داشت. وی به خاطر این اختصاص ابوالمعالی پس از اتمام ترجمه کلیله کتاب را به نام بهرام شاه مزین کرد و آن را کلیله و دمنه ی بهرام شاهی نامید. مرگ وی بین سالهای 555 -583 ه-. ق اتفاق افتاده و تاریخ ترجمه کلیله و دمنه در حدود سالهای 536 تا 539 ه- ق است. وی کلام خود را بافرموده گهر با علی علیه السّلام مزین کرده و می گوید:

... و امیر المؤمنین علی علیه السّلام می فرماید: لا رای لمن لا یطاع. (رای نیست کسی را که فرمانش نبرند)، این است داستان حذر از مکامن عذر و مکائد دشمن.(1)

ص: 115

1- متن کامل کلیله ودمنه، ص 161

12 - انوری ابیوردی (وفات 585 هجری- قمری)

اوحد الدین علی پسر وجیه الدین محمد پسر اسحاق، انوری ابیوردی، یکی از معروف ترین شاعران قرن ششم هجری است. وی در شهر ابیورد یا باورد، در خاک خاوران - که اکنون جزء کشور ترکمنستان است - در اوائل قرن ششم ولادت یافته است. جوانی خود را در آنجا گذرانده و ازعلوم متداول زمان بهره ی کافی یافته است. ممدوح عمده ی او مجد الدین ابو الحسن علی پسر محمد عمرانی سرخسی و ناصر الدین ابوالفتح طاهر پسر مظفر وزیر بودهاند.

وی در سال 585 هجری در بلخ جهان را بدرود گفته است.(1)

انوری میگوید:

پایه ی قدرت نشان میخواست گردون از قضا

گفت آنک زآفرینش پاره ای آنسو ترک

ملک بخشاینده در حرمان میمون خدمتت

چون خلافت بی علی بودست و زهرا بی فدک(2)

1- شاعران بزرگ ایران، ص 219- 221
2- دیوان انوری، ج1؛ ص 278

13 - شهاب الدین سهروردی (ولادت 549- وفات:587)

یحیی بن حبش بن امیر ملقب به شهاب الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول و شهید و مکنی به ابو الفتوح، حکیم معروف به محیی حکمت اشراق. وی حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و به قوت ذکاء و حِدَّت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از امور علمی اطلاع یافت و چون در بسیاری از امور خلاف قدما گفته و از حکمت ایرانی و اصطلاحات دین زردتشتی استفاده کرده متعصبان او را به الحاد متهم کردند و علمای حَلَب خون او را مباح شمردند. صلاح الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام فرمان

داد تا او را به قتل رسانند. و وی در حبس در 38 سالگی خفه شد.

سهروردی آثار متعددی بفارسی و عربی دارد.

1- منطق؛ 2- التلویحات؛ 3- کتاب التلویحات؛ 4- کتاب المقاومات؛ 5- کتاب المشارع و المطالحات؛ 6- حکمه الإشراق؛ 7- رساله فی اعتقاد الحکماء؛ 8- قصه الغربه الغریبه؛ 9- آواز پر جبرئیل؛ 10- رساله العشق؛ 11- لعنت موران؛ 12- صفیرسیمرغ؛ 13- ترجمه ی رساله الطیر ابن سینا؛

14- اللمحات؛ 15 - الهیاکل النوریه؛ 16- الالواح العمادیه؛ 17-المبدأ و المعاد 18- طوارق الانوار؛ 19- البارقات الالهیه؛ 20- لوامح الانوار؛ 21- روزی باجماعت صوفیان؛ 22- عقل سرخ؛ 22- پرتونامه.

از غالب کتب اونسخ متعدد در دست است و بخش مهمی از آنها به طبع رسیده است. سهروردی حکمت اشراق را احیاء کرد و به کمال رسانید. فلسفه ی او التقاطی است. در فلسفه ی سهروردی آثاری از اصول عقاید حکمای یونان بخصوص افلاطون و نو افلاطونیان و حکمای قدیم ایران (فهلوییین)و اصول دین زردشت آن به خوبی نمایان است. این فلسفه به «حکمت اشراق »مشهور است و پس از او شارحان وی (شهرزوری و قطب الدین شیرازی و هادی سبزواری) عقاید او را دنبال کردند و به تایید و توضیح آن پرداختند.

شیخ اشراق این گونه ازعلی علیه السّلام یاد می کند:

...فقیر ضمن اینکه لازم است کوشش کند که خود را از دام تنگدستی برهاند باید اهل صبر باشد و از فقیری شکایت نکند. البته وظیفه ی ثروتمندان وحکومتها نیز در امحای فقر بسیار سنگین است. امام المتقین و سید اولیاء علی مرتضی – کرم الله وجهه - گفته است: فقر یا سبب مثوبت و سعادت، یا سبب عقوبت و شقاوت است. نشان آن که

واسطه ی نیل نجات و اعلا درجات باشد آن است که فقیر به حلیت و زینت اخلاق حمیده متحلی باشد و در طاعات باری سبحانه و تعالی مسارعت نماید و از فقر شکایت نکند، بلکه در حل احوال شاکر حضرت عزت باشد. (1)

ص: 119

1- خلفاء راشدین در قلمر و نظم و نثر فارسی، ص130، منقول از عوارف المعارف، ص84

14 - خاقانی شروانی (ولادت 500 – وفات 595 هجری قمری)

حسان العجم، افضل الدین بدیل ابراهیم بن علی خاقانی حقایقی شروانی یکی از بزرگترین شعرای ایران است. پدرش نجار بود و خاقانی بارها در اشعارش به او و شغلش اشاره کرده است. وی به دربار منوچهر بن فریدون شروانشاه راه یافت و پاداش و صله ی بسیار دریافت کرد.

خاقانی از بزرگترین شاعران قصیده سرا و از ارکان شعر فارسی است.

شاعر در غالب علوم روزگار خود، همچون صرف و نحو، فلسفه، ریاضی، نجوم و شعر و ادب احاطه ی کامل داشت. مشهورترین اثراو «تحفه العراقین» می باشد. خاقانی در سال 595 هجری در تبریز در گذشت و در مقبره الشعرای محله ی سرخاب تبریز مدفون شد.

خاقانی اینچنین ابوالحسن، علی علیه السّلام را می ستاید:

علوی دوست باش خاقانی

که از عشیرت علی علیه السّلام است فاضل تر

هرکه بد بینی از نژاد علی

نیکتر دان ز خلق و عادلتر

بدشان نیکتر زمردم دان

نیکشان از فرشته کاملتر(1)

ص: 120

1- رخسار صبح، گزارش چامهای از خاقانی شروانی، میرجلال الدین کزازی، ص 63

15 - قاضی حمید الدین بلخی (قرن پنجم هجری- قمری)

قاضی حمید الدین عمرو بن محمود، شاعر و نویسنده مشهور قرن پنجم ه.-ق است. وی از برجسته ترین مترسلان و مقامه نویسان عصر خود به شمار می رود. کتاب وی مقامات حمیدی، گواه روشنی بر این مدعاست، که آن را به پیروی از مقامات بدیعی و مقامات حریری نوشته و مشتمل بر بیست و چهار مقاله در مطالب ادبی و مباحثات و مناظرات و لغزات است.

وی مقامات خود را این گونه با ذکر یاد علی علیه السّلام مزین میسازد:

و معنی آن است که چشمه ی سمع، چشمه طهارت است، تهمت و شبهت در وی نیابد و تو نشنیده ای که: «لا تتبع النظره النظره»، بر مخاطب چشم آمد نه بر مخاطب سمع. لا تتبع: نگاه پی نگاه مکن. تمام حدیث در کتاب الترغیب و الترهیب ج 4، ص107 چنین است: و عن علی ابن ابی طالب رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و سلم قال له: «یا علی ان لک کنزا فی الجنه و انک ذو قرنیها فلا تتبع النظره النظره.»(1)

1- گزیده ی مقامات حمیدی، المقامه فی التصوف، ص63، و ص70 توضیحات

16 - قطب الدین ابوالمظفر (قرن ششم هجری قمری)

قطب الدین ابوالمظفر منصور ابن اردشیر سنجی عبادی مروزی، از عارفان بلند آوازه ی قرن ششم هجری قمری است که کلام خویش را این گونه با ذکر نام مبارک مولی علی علیه السّلام آراسته می نماید:

...امیر المؤمنین علی رضی الله عنه چنین گفته است که برکت صدق مرد را بهتر از مال بسیار است، که مال خرج راست و به خرج نیست شود اما زبان راست گوی هر چند راست میگوید، درجه ی او در دین زیادت می شود.(1)

ص: 122

1- خلفاء راشدین درقلمرونظم ونثرفارسی ص104، منقول از مناقب الصوفیه، ص 102

شاعران و نویسندگان قرن هفتم هجری

اشاره

ص: 123

1 - عطار نیشابوری (ولادت 537 – وفات 627 هجری – قمری)

شیخ فرید الدین محمد عطار نیشابوری از بزرگان عرفان ایران در قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است. وی در سال 537 هجری – قمری در قریه کدکن نیشابور به دنیا آمد و چون در آن شهر به دارو فروشی و عطاری اشتغال داشت، بدین لقب معروف شد.

وی در دکان دارو فروشی به درمان بیماران میپرداخت و به کسب علوم و درک صحبت دانشمندان و بزرگان اهل عرفان مانند شیخ نجم الدین کبری و... روزگار میگذراند. عطار در سال 627 هجری – قمری در فتنه ی مغولان کشته شد. تألیف و تنصیفهای عطار را در نظم و نثر به عدد سورههای قرآن 114 دانسته اند.

آثار:

1 - دیوان قصیده ها و غزلهای او حدود ده هزار بیت است؛ 2 - الهی نامه؛ 3- پندارنامه؛ 4 - خسرو نامه؛ 5 - اسرار نامه 6 - مصیبت نامه و از آثار مثنوی بسیار مشهور او منطق الطیر است. از تألیفهای بسیار مشهور او تذکره الاولیاء است.(1)

1- شاعران بزرگ ایران، ص 244 – 240

عطار در تذکره الاولیاء میآورد: (ذکر فتح موصلی)

فتح گفت: امیر المؤمنین علی را به خواب دیدم. گفتم: مرا وصیتی کن گفت: ندیدم چیزی نیکوتر از تواضع که توانگر کند مرد درویش را بر امید شراب حق، گفتم بیفزای گفت:

نیکوتر از این کبر درویش است بر توانگران از غایت اعتماد که او دارد بر حق.(1)

عطار در فضیلت امیر المؤمنین علی رضی الله عنه میگوید:

خواجه حق پیشوای راستین

کوه حلم و باب علم و قطب دین

ساقی کوثر، امام رهنمای

ابن عم مصطفی، شیر خدای

مرتضای مجتبا، جفت بتول

خواجه معصوم، داماد رسول

در بیان رهنمونی آمده

صاحب اسرار «سَلونی» آمده(2)

1- تذکره الاولیاء عطار نیشابوری، ص406 – 405
2- شرح کامل منطق الطیر، اصغر برزی، ص 22

2 - سدید الدین محمد عوفی (ولادت 572 – وفات640 هجری - قمری)

مؤلف جوامع الحکایات، محمد بن محمد عوفی، ملقب به سدید الدین است. وی در بخارا، بین سالهای 567 – 572 ه-.ق چشم به جهان گشود و پس از شصت سال زندگی در حدود سالهای 630- 640 ه-.ق درگذشت. عوفی پس از تکمیل تحصیلات خود در بخارا، به سفر علمی پرداخت و غالب شهرهای ماوراء النهر و خراسان و هندوستان را به قدم سیاحت پیمود.

در دربار سلطان نصره الدین عثمان و ناصرالدین قباجه، از امرای غوری رسید و تذکره الالباب را به نام وزیر او، عین الملک فخر الدین حسینی تصنیف کرد و به فرمان همین پادشاه تالیف جوامع الحکایات را آغاز نمود.

عوفی میگوید:

...

در تفسیر آورده اند که نزول آن آیت که آفریدگار می فرماید در قرآن مجید که: {انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا} تا آنجا که می فرماید: {و یؤتون الزکوه و هم راکعون}، درشان امیر المؤمنین علی علیه السّلام، آمد و سبب آن بود که روزی

ص: 127

مصطفی صلوات الله علیه، نماز گزارده بود و صحابه به ادای نوافل مشغول بودند، سایلی در میان صف میگشت و سؤالی میکرد، امیرالمؤمنین علی علیه السّلام در رکوع بود، اشارت کرد به

انگشترین نقره که در انگشت داشت، آن را از انگشت بکشید و بر سایل انداخت تا آخر این آیت آفریدگار، از این حال ذکر فرمود که: {یؤتون الزکوه و هم راکعون }.(1)

1- جوامع الحکایات ولوامع الروایات، عوفی، سدید الدین، ص57

3 - خواجه نصیر الدین طوسی (ولادت 597 – فوت 672هجری – قمری)

ابو جعفر نصیر الدین محمد بن محمد بن حسن ملقب به استاد البشر یکی از بزرگترین دانشمندان و علما در سال 597 در جهرود قم پا به عرصه وجود گذاشت و چون در طوس مقیم شد معروف به طوسی گردید و چندی در خدمت علاء الدین محمد حسن اسمعیلی و ناصر الدین بن ابی منصور از اسماعیلیه قهسان میزیست، از کتب مشهور او اخلاق ناصری است که به اسم ناصرالدین مزبور تألیف کرده است. خواجه نصیر در کلیه علوم قدیم دست داشت ولی اشتهار او در حکمت و ریاضیات است.

وفات وی در سال 672 هجری اتفاق افتاد.(1)

خواجه نصیر این چنین از علی علیه السّلام یاد می کند:

و لواحق غضب که اعراض این مرض بود، هفت صنف باشد :اوّل ندامت، دوّم، توقع مجازات عاجل و اجل و سیّم، مقت دوستان و چهارم، استهزاء

1- تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران، عباس پرویز، جلد دوّم، ص 359-360

اراذل و پنج، شماتت اعداء و ششم، تغیّر مزاج و هفتم، تالّم بدان هم در حال، چه غضب جنون یک ساعته بود و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفته است: «الحدّه نوع من الجنون لانّ صاحبها یندم فان لم یندم فجنونه مستحکم» و گاه بود که به اختناق حرارت دل ادا کند و از آن امراضی عظیم که مؤدی باشد به تلف تولّد یابد.(1)

1- اخلاق ناصری، خواجه نصیر الدین طوسی، ص177

4 - مولانا جلال لدین محمد مشهور به مولوی (ولادت 604- وفات 672 ه-.ق)

«مولانا جلال لدین محمد بلخی رومی پسر محمد ابن حسین خطیبی بکری از اولاد ابو بکر خلیفه بود. از طرف مادر به سلطان محمد خوارزمشاه منتسب می شود. با طبقه ی علما و اهل عرفان میانه ای نداشت. بهاء الدین بکری در سال 609 ه-.ق. باتفاق پسرش جلال الدین از خراسان عازم بغداد و مکه شد و در آن تاریخ جلال الدین پنج سال داشت. بهاء الدین پس از نه سال که در عراق عرب ماند به اتفاق پسر نامی خود به روم رفت و به خدمت سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی در آمد. جلال الدین بعد از مرگ پدر به تحصیل علوم مختلف نزد برهان الدین ترمذی پرداخت. مثنوی وی که در شش دفتر تدوین شده و به «صیقل الارواح» نیز معروف است، یکی از بزرگترین و شیواترین منظومه های ادبیات فارسی است. مولوی این کتاب را در موقع بسط و وجد گفته است و یکی از شاگردان وی موسوم به حسام الدین چلبی آن را نوشته است. دیوان غزلیات

ص: 131

جلال الدین رومی که در آن شمس تخلص میکرد در غایت اشتهار است. تولد این شاعر در 604 ه-.ق و وفات وی در 672 ه-.ق اتفاق افتاد.»(1)

مولانا در فیه ما فیه این چنین از علی علیه السّلام یاد می نماید:

«اگر همه ی عالم نور گیرد تا در چشم نوری نباشد، هرگز آن نور را نبینند اکنون اصل قابلیت است که نقش دیگر است و روح دیگر نمی بینی که نفس در خواب کجاها می میرد و روح در تن است اما آن نفس می گیرد و چیزی دیگری می شود. گفت: پس آنچه علی گفت: «مَن عَرَفَ نَفسَه فَقَد عَرَفَ رَبه»، این نفس را گفت»(2)

همچنین مولانا در وصف شاه خیبر گفته است:

خدو انداختن خصم بر روی امیرالمؤمنین علی علیه السّلام و انداختن آن حضرت شمشیر از دست:

1- تاریخ در هزار و پانصد ساله ایران، عباس پرویز، ج2، ص 341-342
2- فیه ما فیه، مولانا جلال لدین مشهور به مولوی، صفحه 56

از علی آموز اخلاص عمل

شیر حق را دان منزه از دغل

در غزا بر پهلوانی دست یافت

زود شمشیر بر آورد و شتافت

او خدو انداخت بر روی علی

افتخار هرنبی و هر ولی(1)

1- مثنوی معنوی مولی، دفتر اول صفحه 205

5 - عطا ملک جوینی (ولادت 623 – وفات 681 هجری – قمری)

علاء الدین عطاملک جوینی پسر بهاء الدین محمّد و برادر خواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان است. عطاملک در سال 623 متولد شد و در 681 وفات یافت. تألیف ذی قیمت تاریخ جهانگشا از این مورخ عظیم الشأن است که یکی از مفصل ترین و بهترین تاریخ مغول محسوب میشود.(1)

عطا ملک در جلد سوم از تاریخ خود می نویسد:

«امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام در خطبه ذکر قومی از متمردان کرده است که وخامت عاقبت تدبیرهای فاسد دیده اند دو سه کلمه او در آن باب اینجا حسب حال آن طایفه مذکور و حکایت مسطور شد فرموده است که «زَرَعوا الفُجُور و سقوه الغُرورَ فحَصَدوا النُبُورَ»(2)

ص: 134

1- تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران، عباس پرویز، ج 2، ص 350

2- تاریخ جهانگشای جوینی، عطا ملک جوینی، ص 248

6 - خواجوی کرمانی (ولادت 689 – وفات 753 هجری قمری)

خواجوی کرمانی، کمال الدین ابوالعطا محمود ابن علی بن محمود شاعر معروف. وی پس از کسب علم و فضایل در کرمان به سفر پرداخت و از محضر شیخ امین الدین محمد کازرونی بهره برد. خواجو معاصر ابو سعید بهادر بود و در غزل از سعدی پیروی میکرد. علاوه بر دیوان، خمسه ای به سبک نظامی دارد: 1- همای و همایون؛ 2- گل و نوروز؛ 3- روضه الانوار؛ 4-کمال نامه؛ 5- گوهرنامه است. آرامگاه وی در «تنگ الله اکبر» شیراز است. بخشی از قصاید او در وصف امرای عصر و قسمت دیگرعرفانی بوده و حاکی از مشرب تصوف شاعر است. خواجو غزلیات شیوایی دارد و در این سبک (غزلیات) مقلد سنایی عطار، مولوی و سعدی است.

خواجو در وصف امیر المؤمنین علیه السّلام میگوید:

آن دسته بند بستان هل اتی.

و آن قلعه گیر عرصه ی میدان لافتی

کرار بی فرار و خداوند ذوالفقار

قتال عمرو و عنتر داماد مصطفی

شیر خدا و مخزن اسرار لوکشف

جفت بتول و نقطه ی پرگار اجتبا

سلطان تختگاه سلونی، شه نجف

سبط خلیل و صف شکن خلیل اصفیا

بیرون نهاده از ره کبر و ریا قدم

و آورده رخ به حضرت علیای کبریا

ص: 135

پشت هدی و بازوی ایمان بدو قوی

مقصود دین و حاجت ایمان از او روا

بحر محیط را به دل و دست او قسم

عرش مجید را به سر کویش التجا

چون او نشد پدید، شهی در جهان علم

او کان علم بود و حسن آسمان علم.(1)

1- سیمای علی علیه السّلام ازمنظراهل سنت، ص309، منقول ازدیوان اشعار خواجو، ص 130

7 - سعدی شیرازی (ولادت 606 – وفات 694هجری – قمری)

مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی در اوایل قرن هفتم هجری در حدود سال 606 هجری – قمری در شیراز پا به عرصه وجود نهاد و بعدها برای تکمیل معلوماتش به بغداد سفر کرد و در مدرسه نظامیه و سایر محافل علمی کسب علم کرد. او برای مدتی متجاوز از سی سال به نقاط مختلف جهان از جمله عراق و سوریه و عربستان و ممالک شمال آفریقا سفر کرد و با ملل گوناگون و مذاهب و فرق مختلف آشنا شد.

سعدی در گیر و دار حمله مغولها سفر طولانی خود را آغاز کرد و پس از بازگشت به شیراز سروده ها و گفته های خود را گردآوری کرد. او در حدود سال 655 هجری – قمری

بوستان (سعدی نامه) را به نظم در آورد و یک سال بعد «گلستان» را تصنیف کرد. سعدی علاوه بر اثر ذکر شده قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع بند و رباعیات و قصاید عربی نیز سروده است.(1)

شیخ الأجل، سعدی شیرازی در «بوستان»، باب چهارم، در باره ی تواضع می گوید:

1- دایره المعارف مشاهیر جهان، ص 671، سروش قربانی

کسی مشکلی برد پیش علی

مگر مشکلش را کند منجلی

امیر عدو بند کشور گشای

جوابش بگفت از سر علم و رای

شنیدم که شخصی درآن انجمن

بگفتا چنین نیست یا بالحسن

نرنجید از او حیدر نامجوی

بگفتا ار تو دانی از این به بگوی(1)

ص: 138

1- بوستان سعدی، باب چهارم، ص104.

8 - سعد الدین وراوینی (قرن هفتم هجری قمری)

سعد الدین وراوینی نویسنده و فاضل قرن هفتم ه-.ق است. وی کتاب مرزبان نامه را از اصل زبان طبری قدیم به زبان متعارف عراق، معمول عصر خود مزین به اشعار و امثال فارسی و عربی درآورد. سعد از نزدیکان و ملازمان خواجه ابوالقاسم ربیب الدین هارون بن علی بن ظفر دندان وزیر اتابک ازبک بن محمد بن الدیگز، از اتابکان آذربایجان (607-622ه-.ق) بود.

سعد الدین وراوینی، در ذکر علی علیه السّلام می گوید:

و چون از دو متحاکم، یکی به خدمت رفع ظلامه ای کند، دفع آن بر حضور خصم و جواب او موقوف داری و اقتدا به قدوه ی اصحاب رسول الله واجب دانی، چنان که قاضی به حق و خلیفه مطلق، امیر المؤمنین، علی میفرماید: «لاتفض لأحد الخصمین ما لم تسمع کلام الآخر»؛ و باید که زفان را به بد گفتن و خشونت تعود نفرمائی.(1)

ص: 139

1- مرزبان نامه، سعد الدین وراوینی، ج1؛ص265

شاعران و نویسندگان قرن هشتم هجری

اشاره

ص: 141

1- حمد الله مستوفی (ولادت 680 – وفات 750 ه-. ق)

خواجه حمد الله بن تاج الدین ابی بکر مستوفی قزوینی از خاندان مستوفیان قزوینی بود که در سال 680 ه-.ق در آن شهر تولد یافت. حمد الله مستوفی در خدمت خواجه رشید الدین به کتابت اشتغال داشت. و به حکومت بعضی از نقاط ایران رسید. وی در انشاء فارسی از منشیان زبر دست به شمار میآید و سه کتاب 1- تاریخ گزیده؛ 2- مظفرنامه؛ 3- نزهه القلوب از آثار اوست.

وفات وی در حدود 750 ه-. ق اتفاق افتاد.(1)

مستوفی می گوید:

در آن حالت مرتضی علی در آمد، پیغمبرصلی الله علیه وآله در روی او تبسم فرمود و گفت: خدای تعالی مرا فرمود: فاطمه را با تو نکاح کردن به چهار صد مثقال نقره تو بدین راضی هستی به علی گفت: بلی یا رسول الله. پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود: «جمع الله شملکما و اقرّ عینکما و اسعد جدکما و بارک علیکما و

ص: 143

1- تاریخ در هزارو پانصد ساله ایران، ج 2، عباس پرویز، ص 353

اخرج منکما کثیراً طیبا». و درماه صفر فاطمه علیهاالسّلام را با امیر المؤمنین علی کرم الله وجه سپرد.(1)

1- تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، صفحه 141

2 - ضیاء الدین نخشبی (وفات 750 هجری- قمری)

سید ضیاء الدین نخشبی یکی از چهره های مشهور سلسله ی چشتیه است که در آن روزگارمهمترین طریق عرفانی هند بوده است. وی از محضر شیخ فرید الدین ناگوری (متوفی 752) به سلک عرفان درآمده است. به استناد نوشته ها و آثارمحققان، عرفای مسلمان مانند امام هجویری و شیخ معین الدین چشتی در اشاعه ی فرهنگ اسلامی و تبلیغ قرآن مجید و مسلمان کردن هندوها نقش اساسی داشتهاند. ضیاء در نخشب یا نسف یکی از شهرهای تاریخی ایران کهن، در ماوراء النهر، دیده به جهان گشود. در جوانی رهسپار هندوستان شد و در شهر«بدایون» هند سکونت گزید.

آثار:

1- سلک السلوک؛ 2- عشره ی مبشره؛ 3- طوطی نامه؛ 4- کلیات و جزئیات؛

سید ضیاء در ذکر ابو الحسن، علی علیه السّلام، می آورد:

... امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه - که شیر بیشه ی دین بود - هر وقت که در مسجد آمدی، سر فرو افکنده و پشت دو تا کرده آمدی، وقتی یکی او را پرسید، تو که بر پشت هیچ بار نداری،

ص: 145

پشت دوتا کرده چرا می آیی؟ گفت: کدام بار از آن گرانتر که از حمل آن آسمان و زمین و جبال ابا کرده اند و ما تحمل کرده و قال الله تعالی: {وحملها الانسان}، آری تبختر نشان مخنثان راه دین است نه علامت مردان یقین.(1)

ص: 146

1- سلک السلوک، ضیاء الدین نخشبی، ص 154

3 - عبید زاکانی (وفات 772 هجری قمری)

نظام الدین عبد الله، شاعر و نویسنده ی قرن هشتم ه-.ق است. وی در اصل از مردم قزوین بود. در رسایل خود غالباً اهالی آن شهر را نکوهش کرده است. عبید چندی در شیراز میزیسته (در زمان شیخ ابو الإسحاق اینجو) و بدان شهر علاقه مند بود. طبع وی به هزل و مسخره تمایل داشته و این رشته را دنبال کرده تا نوشته ها را دنبال کرده و گفته های او با ذوق بزرگان زمان مناسب افتد. از اشعار او پیداست که غالبا به تهی دستی و دامداری روزگار میگذرانیده است. عبید مدتی تحت حمایت سلطان اویس جلایر در بغداد و تبریز به سر میبرد.

آثار:

1- دیوان اشعار که در تهران به طبع رسیده است؛ 2- اخلاق الأشراف (نثر)؛ 3- ریش نامه (نظم و نثر)؛ 4- رساله صد پند (نثر)؛ 5- تعریفات یا ده فصل (نثر)؛ 6- اشعار با انواع مختلف از هزل و تقلید از اساتید دیگر؛ 7- رساله ی دلگشا که قسمتی به عربی و قسمتی به فارسی مشتمل بر نوادر حکایات و لطایف؛

8- مثنوی فکاهی موش و گربه (که بسیار معروف است)؛ 9- فالنامه؛ 10- عشاق نامه.

ص: 147

وی در وصف علی علیه السّلام آورده است:

سلطان اولیا و شه اصفیا علی است

بگزیده محرم حرم کبریا علی است

مشعل فروز دو دین ذوالفقار است

چابک سوار معروف که لافتی علی است

آن کس که علم و حکم و سخا ختم شد بر او

عم زاده محمد و شیر خدا علی است

وان کو به تیغ فرو شست گرد کفر

از روی دین، مبارز خیبر گشا علی است

وان کو به تیغ فرو شست گرد کفر

از روی دین، مبارز خیبر گشا علی است

مسکین عبید خاک سگ کوی آن کس است

کو از سگان خاک در مرتضی علی است

حاشا که التجا به دیگر کس بود مرا

مهر حسین و حب حسین بس بود مرا(1)

1- سیمای علی علیه السّلام ازمنظراهل سنت، ص319-320، منقول ازکلیات عبید زاکانی، ص 3-5

4 - سلمان ساوجی (وفات 778 هجری- قمری)

خواجه ساوجی، جمال الدین بن علاءالدین محمد، شاعر معروف دهه ی اول قرن 8 هجری قمری است. وی از جوانی مداح خواجه غیاث الدین محمد وزیر بود و در تمام مدت وزارتش او را مدح گفته و پس از بر هم زده شدن اساس سلطنت ایلخانان واقعی و مرگ ابو سعید بخدمت امرای جلایر پیوست و مداح امیر شیخ حسن بزرگ و زوجه ی او دلشاد خاتون گردید. و در بغداد پایتخت ایلخانیان اقامت گزید. سلمان از حدود سال 740 ه-.ق تا اواخر عمر خود، امرای ایلخانی یعنی شیخ حسن بزرگ و پسرش سلطان اویس و پسر او سلطان حسین را مدح می گفته و در زمان اویس اغلب ایام را در تبریز می گذرانیده است. در سال 777 ه-.ق که شاه شجاع بر تبریز مستولی شد وی در آنجا بود و شاه را مدح گفت. وبدین مناسبت دیوان قصاید سلمان برای معرفت تاریخ و اوضاع و احوال درباره عمده ی دوره ی امارت ایلخانیان، دارای اشارات و نکات و دقایق تاریخی بسیار است. خواجه در اواخر عمر منزوی شد و به ساوه زادگاه خود آمد و در ملکی که داشت مقیم گشت و در همان جا درگذشت. سلمان آخرین شاعر قصیده سرای بزرگ پس از حمله ی مغول است و اگر چه قابل مقایسه با قدمای اساتید قصیده سرا نیست، ولی باز در مقام خود دارای اهمیتی بسزا است. وی در قصیده

سبک کمال الدین اسماعیل اصفهانی و ظهیر فاریابی و انوری را تتبع کرده است. غزلیات او نیز لطیف است و به واسطه ی شباهت بسیار به غزلیات حافظ قسمتی از آنها به غلط در دیوان حافظ گنجانیده شده است. سلمان علاوه بر دیوان قصاید وغزلیات و مقطعات دارای دو مثنوی است که هیچ کدام شهرت نیافته اند: یکی «جمشید و خورشید» بر وزن خسرو و شیرین نظامی که به سال 763 ه-.ق و در عهد سلطان اویس به انجام رسانیده و دیگر «فراقنامه» به وزن متقارب که سلمان در حدود سال 770 ه-.ق و به امر اویس به رشته ی نظم کشیده است.

وی اینگونه امیر المؤمنین علیه السّلام را می ستاید:

ای زمینت آسمان عالم بالا شده

در هوایت آسمان چون ذره اندر هوا شده

طاق محراب تو رشک قاب قوسین شده

نور ماه قبله ات بر قرب او ادنی شده

در فضای پیشگاهت عقل و دین یافته

در هوای بارگاهت جان و دل والا شده

باد صحنت خاک غیرت بر رخ جنت زده

گرد فرشت آبروی عنبر سارا شده

سده ات هر سالکان را بیت معمور آمده

حلقه ات فردوسیان را عروه الوثقی

شده هر کجا درباب فضلت عقل فصلی خوانده است

انس و جن گویای آمنا و صدقنا شده

گر تو دریائی چه داری ابر رحمت در کنار

ور تو کانی، کی بود کان معدن دریا شده

لطف حق و نور رحمت در دلت

جا یافته آفتاب و آسمانی در دلت پیدا شده

لطف حق و نور رحمت در دلت

جا یافته آفتاب و آسمانی در دلت پیدا شده

آفتاب کبریا، دریای دُر لا فتی

فخر آل مصطفی، منصوص نص هل اتی(1)

ص: 150

1- دیوان سلمان ساوجی، ص 323

5 - خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی

(ولادت اوایل قرن8 ه.-ق- وفات 792ه.-ق.)

شمس الدین محمد حافظ شیرازی، فرزند بها ءالدین، مشهورترین شاعرعارف ایرانی است که در قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) می زیسته است. یکی از بزرگترین شاعران ایران زمین میباشد، که در بین بیشتر افراد دنیا شناخته شده است. به سبب تبحر و شایستگی در تمامی علوم روزگار خویش، او را لسان الغیب و ترجمان الاسرار لقب دادهاند.

وی نزد دانشمندان عصر، از جمله قوام الدین عبدالله، به تحصیل علوم پرداخت و در تفسیر و حکمت و ادبیات عرب دست یافته و قرآن را با چهارده روایت از برداشت.

وبه همین مناسبت حافظ تخلص کرد. دوره ی زندگانی او با امرای اینجو جلال الدین مسعود شاه، شاه شیخ ابو اسحاق و سلاطین آل مظفر، امیر مبارزالدین محمد شاه شجاع، شاه محمود، شاه یحیی، سلطان زین العابدین، که در فارس حکومت داشتند، و سلطان اویس و سلطان احمد، از ملوک ایلخانی، که در آذربایجان و بغداد حکومت میکردند و در اواخر عمر با امیرتیمور معاصر بود.

ص: 151

استادی خواجه در غزل عارفانه است و در این باب تاکنون کسی به پای او، نرسیده است. مدفن خواجه در حافظیه ی شیراز است.

دیوان او شامل غزلیات، چند قصیده، چند مثنوی، قطعات و رباعیات است. (1)

خواجه حافظ این گونه اشعار پر نغز خود را با ذکر نام و یاد حضرت علی علیه السّلام، مزین میسازد:

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف

گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف

طرف کرم زکس نیست این دل پر امید من

گرچه سخن برد قصه ی من به هر طرف

از خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد

و به که در این خیال کج عمرعزیز شد تلف

ابروی دوست کی شود دستکش خیال من

کس نزدست ازین کمان تیرمراد برهدف

چند به ناز پرورم مهر بتان سنگدل

یاد پدر نمیکنند این پسران ناخلف

من به خیال زاهدی گوشه نشین و طرفه آنک

مغبچه ای ز هر طرف میزندم به چنگ و دف

بیخبرند زاهدان نقش بخوان و لا تقل

مست ریاست محتسب باده بده و لا تخف

صوفی شهر بین که چون لقمه ی شبه میخورد

پار دمش دراز باد آن حیوان خوش علف

حافظ اگر قدم زنی درره خاندان بصدق

بدرقه ی رهت شود همت شحنه ی نجف»(2)

ص: 152

1- فرهنگ فارسی دکترمحمد معین، ج5 (اعلام)، ص 450
2- دیوان حافظ، نسخه ی علامه ی قزوینی و دکتر قاسم غنی، ص 204

حافظ همچنین درجای دیگری می آورد:

مردی ز کننده ی در خیبر پرس

اسرار کرم ز خواجه ی قنبر پرس

گر طالب فیض حق بصدقی حافظ

سرچشمه ی آن ز ساقی کوثر پرس(1)

ص: 153

1- مرجع سابق، ص 363

6 - شمس الدین احمد افلاکی العارفی (قرن هشتم هجری – قمری)

شمس الدین احمد افلاکی العارفی، مؤلف کتاب ارزشمند مناقب العارفین است. وی تالیف این کتاب را در حدود سال 718 ه-.ق آغاز و در سال 754 هجری قمری به پایان رسانیده است.

افلاکی میگوید:

... و فرمود که روزی اسد الله الغالب علی بن ابی طالب کرم الله وجهه به نماز صبح به مسجد رسول میرفت. درمیانه ی راه دید که پیرمردی یهودی پیش می رود. امیر المؤمنین از آنجا که فتوت و مروت و حسن اخلاق بود، محافظت ادب پیرکرده پیش نگذشت و آهسته آهسته درپی او میرفت. چون به مسجد رسول رسید، حضرت مصطفی علیه السّلام به رکوع رکعت اول خمیده بود. در حال بامر جلیل جبرئیل در رسید، دست بر پشت مبارک رسول نهاد تا ساعتی توقف کند که علی مرتضی از ثواب رکعت اول نماز صبح محروم نشود که ثواب رکعت اول

بهتر ازصد ساله عبادت مقبول است. «والرکعه الاولی خیر من الدنیا و ما فیها»، فرموده ی رسول است و بعد از آنکه حضرت مصطفی صلوات الله و سلامه علیه از نماز و اوراد معهود فارغ شد و دعا کرد، از جبرئیل امین سؤال کرد که سرّ حالت امروزینه چه بود؟

جبرئیل گفت: سبب آن بود که علی در وقتی که به مسجد میآمد، با پیری یهودی همراه شد. او را معزز داشته تبجیل نمود و پیشتر از او قدم ننهاد و پادشاه قدیم سبحانه و تعالی روا ندید که علی مکی از نصاب ثواب نماز صبح بی نصیب ماند.(1)

1- مناقب العارفین، شمس الدین احمد الافلاکی العارفی، ج1؛ص 112

7 - نظام الدین شامی (قرن هشتم هجری – قمری)

«نظام الدین شامی از شاعران و فضلای قرن هشتم و اوائل قرن نهم هجری است. وی در تبریز متولد شده است. او را (شنب غازان) نیز میگویند، زیرا که وی برخلاف شهرتی که دارد اهل شام نیست، بلکه اهل«شنب غازان»، تبریز است. نظام الدین در بغداد میزیست. در سال 795 هجری – قمری که تیمور این ناحیه را تصرف کرد، نظام الدین را به نزد خود خواند و او را مکلف به تالیف تاریخ زندگی و فتوحات خود ساخت که حاصل آن کتاب ارزشمند «ظفرنامه» است.

آثار:

1- ریاض الملوک فی ریاضات السلوک 2- تلخیصی از کتاب بلوهر و بلو ذاسف»(1)

شامی این گونه از علی علیه السّلام یاد میکند:

... و آن امام با حشمت و وقار، صاحب دلدل و ذوالفقار، منشور دار هل اتی و مشهور دیار لافتی،

1- ظفر نامه، نظام الدین شامی، ص8 از مقدمه.

محرم راز درون و بیرون، تشریف یافته أنت منی بمنزله هارون، منصب امامتش به تاکید من کنت مولاه فهذا علی مولاه مقرر و مجلس خلافتش به شمع اللهم ادر الحق مع علی کیف ما دار منور، نامه ی نسبش از دیوان حضرت رسالت به لحمک لحمی معنون شده و جامه ی حسبش از کارگاه نبوت

به ادبت علیا فاحسنت تادیبه، مطرز گشته، کسی که ذات او را ستاید، خورشید را به روشنی صفت کرده باشد و سپهر را به بلندی ستوده(1)

ص: 157

1- همان، ص 6.

8 - احمد ابن عبدالله بن محمد ابی المکارم مشکانی (قرن هشتم هجری قمری)

این دانشمند کتاب مفصل «شرح تعرف» تالیف ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی بخاری متوفی(434ه-.ق) را که ترجمه ی فارسی و شرح کتاب «التصرف لمذهب اهل التصوف» ابوبکر ابن ابی اسحاق محمد ابن ابراهیم بن یعقوب کلا باذی (متوفی:380ه-.ق) است، در یک کتاب خلاصه کرده و در دسترس سالکان معرفت و رهروان وادی سلوک قرار داده است.

وی این گونه رساله ی خود را با ذکر ذات مقدس حضرت علی علیه السّلام مزین نموده است:

«...باز روی به ناصبیان آوردیم و گفتیم اهل بیت را بد میگویید خاصه علی را رضی الله عنه که پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرمود مر علی را: «انت منی بمنزله هارون من موسی الا انّه لا نبی بعدی.»

ونیز فرمود : «من کنت مولاه فعلی مولاه». صاحب ذوالفقار بود و شمشیر دین بود و زوج البتول بود و آن بود که مصطفی فرمود | : «یا علی لا یحبک الا مؤمن تقی و لا یبغضک الا منافق شقی»(1)

ص: 158

1- خلفاء راشدین در قلمرو نظم و نثر فارسی، ص 190، منقول از خلاصه شرح تعرف، ص 114 – 115.

شاعران و نویسندگان قرن نهم هجری

اشاره

ص: 159

1 - سیّد نعمت الله ولی (ولادت 730 – وفات 827-834 هجری -قمری)

سید نعمت الله ولی کرمانی در 22رجب 730ه- ق متولد شد. از شعرای عصر تیموری و از اولیاء مشایخ بزرگ متصوفه است. نام او امیر نور الدین نعمت الله فرزند میر عبدالله و نسب او به امام محمد باقر علیه السّلام می رسد. در قصبه ی (کوه بنان) کرمان متولد شد. تحصیل مقدمات علوم را نزد شیخ رکن الدین شیرازی فرا گرفت و علم بلاغت را از شیخ شمس الدین مکی و حکمت را از سید جلال خوارزمی و اصول فقه را از قاضی عضد الدین ایجی آموخت. چند سفر به مکه و مدینه مشرف شد و مدتها به ریاضت و تصفیه ی باطن پرداخت و در آخر در مکه از دست شیخ عبدالله یافعی - از مشاهیر نویسندگان و مورخین صوفیه و عارف عصر -

خرقه پوشید و به مراد خویش نائل آمد و بقیه عمر را در سمرقند، هرات و یزد به سر آورده و عاقبت در قصبه ی ماهان کرمان اقامت گزیده و به تربیت و ارشاد پرداخت. شاه نعمت الله سلطان دراویش است. بزرگان اطراف هدایا به درگاهش میفرستادند. شاهرخ میرزای تیموری در سفر سید نعمت الله به هرات او را تعظیم بسیار کرد.

بعضی از اولاد وی بعدها با خاندان سلطنتی صفویه مزاوجت و قرابت حاصل نمودند.

ص: 161

شهرت سید نعمت الله بیشتر از جنبه عرفان است. نه شعر و شاعری. غالب اشعار او در شرح مبادی (وحدت وجود) است و همچنین یک قسمت آن اشاره است به ذکر«نقطه» که محیط جلوه ای از مظاهر اوست.

دیوان اشعارش مشتمل است بر چهارده هزار بیت غزلیات و مثنویات به انضمام مقداری رباعیات که چند بار به طبع رسیده است. علاوه بر دیوان شعر رسالاتی در تصوف و عرفان از وی باقی مانده است. اما دیوان وی بهترین اثر اوست. مزارش در قصبه ی ماهان کرمان است.

وی در وصف شاه خیبر می گوید:

خانه ی دل زغیر خالی کن

ترک این خلوت خیالی کن

از علی ولی ولایت جو

هم ولایت فدای والی کن

بنده خادم علی می باشم

منصب خویش نیک عالی کن

خاک آن را ه و آستان درش

این یکی بالش آن نهالی کن

باش مولای حضرت مولی

فخر بر جمله مولا کن(1)

1- کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی، غزل شماره 1257

2 - ابن حسام خوسفی (738 -875 هجری قمری)

این شاعر شوریده دل درمقام ارادت و وصف علی علیه السّلام می گوید:

ما مقتدی به حیدر و اومقتدای ماست

خوشوقت آن کسی که علی مقتدای اوست

پیشی گرفته برهمه عالم به مهتری

هر مهتری که شیر خدا پیشوای اوست

اندر صفوف صفه نشینان کبریا اصفی الصفوف آنکه علی را صفای اوست(1)

ما مقتدی به حیدر و او مقتدای ما

با دولت آنکه هست و را مقتدی علی

او پیشوای رهبران شریعت

لعنت بر آنکه نیست و را پیشوا علی

کشاف مشکلات بد از بدو کائنات

زیرا که بود کاشف کشف الغطای علی

بیزارم از کسی که علی را مخالف است

ولیت فی الولایت عما سوی علی

خلقی بسوز و درد گرفتار درد و غم

ما بر امید آنکه نماید دوا علی

هستم امید اگر چه سیه شد مرا گلیم

خواند مرا به خدمت آل عبا علی

زیرا گلیم پنج تن الحق مجاورند

الخمسه العبا، دویم مصطفی، علی(2)

ص: 163

1- سیمای علی علیه السّلام ازمنظراهل سنت، ص329، منقول از دیوان بن حسام، ص 179

2- همان.

3 - جامی (ولادت 817 – وفات 898 هجری – قمری)

جامی نورالدین عبدالرحمان ابن نظام الدین احمد بن محمد شاعر و نویسنده معروف ایرانی در سال 87 در خرگرد جام (خراسان) به دنیا آمد.

وی به مناسبت مولد خویش (جام) و نیز به سبب ارادات باطنی به شیخ الاسلام احمد جامی (ف 536 ه-.ق) جامی تخلص کرد. او همراه پدر به هرات و سمرقند رفت. در آن دیار به کسب علم و ادب پرداخت و در علوم دینی و ادب و تاریخ کمال یافت و سپس به سیر و سلوک افتاد. وی پیرو سعدالدین محمد کاشغری و خواجه علی سمرقندی و قاضی زاهدی بود و به مرتبه ارشاد رسید. در سلک بزرگان طریقت نقش بندی در آمد. پس از وفات سعد الدین کاشغری که خلیفه نقشبندی بود، خلافت این طریقت بدو تعلق یافت و شهرت وی شایع شد و مورد احترام بزرگان عصر گردید.

جامی سفری به حج رفت و از راه دمشق و تبریز به هرات بازگشت. پادشاه معاصر وی ابولغازی سلطان حسین بایقرا و وزیر عصر امیر علی شیر بود. جامی بزرگترین شاعر و ادیب قرن نهم هجری محسوب می شد.

ص: 164

آثار:

1- دیوان اشعار (مشتمل بر قصاید و غزلیات و مراثی و ترجیع بند و ترکیب بند و مثنویات و رباعیات)؛ 2- هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید خمسه نظامی بنام سلسله الذهب، سلامان و آبسال، تحفه الاحرار، سبحه الأبرار، یوسف زلیخا، لیلی و مجنون، خردنامه اسکندری»

تألیفات او بنثر فارسی:

1- نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص؛ 2- نفحات الانس؛ 3- لوایح؛ 4- لوامح؛ 5 - شواهد النبوه؛ 6- اشعه اللمعات؛ 7- بهارستان.

جامی در قصیده ای علی علیه السّلام را چنین میستاید:

زنده ی عشق نمردست و نمیرد هرگز

لا یزالی بود این زندگی ولم یزلی

در جهان نیست متاعی که ندارد بدلی

خاصه ی عشق بود منقبت بی بدلی

دعوی عشق و تولا مکن ای سیرت تو

بغض ارباب دل از بی خردی و دغلی

مشک برجامه زدن سود ندارد چندان

چون تو در جامه گرفتار به گند بغلی

چون ترا چاشنی شهد محبت نرسید

از شه نحل چه حاصل ز لباس عسلی

جامی از قافله سالار ره عشق ترا

گر بپرسند که آن کیست؟علی گوی علی(1)

1- دیوان کامل جامی، ص 92

4 - تاج الدین حسین ابن حسن خوارزمی (قرن نهم هجری قمری)

تاج الدین حسین بن حسن خوارزمی کبروی، یکی از شارحان کتاب «فصوص الحکم» محی الدین ابن عربی عارف مشهور قرن ششم ه-.ق است. در این اثر عرفانی - که اصل آن به زبان عربی و ترجمه ی آن به زبان فارسی است – این چنین آن را با ذکر روایتی از شاه خیبر متبرک می نماید:

... خداوند ذات بی چون و بیمانند و دارای تمام صفات جمالیه و جلالیه است و انسان بر حسب مشیت الهی و قوانین هستی به تناسب معینی از این صفات بهره مند میشود. هرچه تعلق به لطف و رحمت دارد،جمالی است و آنچه تعلق به قهر و نقمت دارد، جلالی است، چنانکه امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه می فرماید:

«سبحان من اتسعت رحمته لأولیائه فی شده نقمته و اشتدّت نقمته لأعدائه فی سعه رحمته»(1)

1- خلفاء راشدین درقلمرونظم ونثرفارسی، ص208، منقول از شرح فصوص الحکم، ص22

5 - شجاع – مؤلف کتاب انیس الناس (قرن نهم هجری - قمری)

متاسفانه نه در کتب قدیم و نه در کتب معاصر، ذکری از شجاع، مؤلف کتاب انیس الناس، نیامده است. «ظاهرا اواخر زمان حیات خواجه حافظ شیرازی را درک کرده است. مؤلف این کتاب شعر هم می سروده است»(1)

وی اینچنین کتاب خویش را با ذکر نام گهربار مولای متقیان، علی علیه السّلام، میآراید:

... و باید که استعمال مزاح و اشتغال بر مطایبه بر طریق اعتدال و توسط حال باشد و حضرت علی مرتضی را نیز مطایبه بودی.

روزی سلمان فارسی نشسته بود و خرقه را پاره میزد و حضرت امیر المؤمنین، علی کرم الله وجهه در مقابل او با جمعی نشسته، استخوانی چند خرما در پیش داشت. و هر لحظه یکی ازآن بر می داشت و به سلمان می انداخت. چون سلمان نظر می کرد و

1- انیس الناس، ص 11- 16 از مقدمه.

تفحص می نمود، که فاعل این حرکت کیست، آن حضرت نظر به خود می کرد و تجاهل می فرمود، تا یک نوبت در اثنای این حرکت سلمان بدید که فاعل آن کیست. پس به طریق مطایبه و ندیمی گفت: «هذا ما اخرک من الثلاثه»(1)

1- همان، ص207

بخش دوم :متأخرین شاعران و نویسندگان پارسی گوی

اشاره

ص: 169

شاعران و نویسندگان قرن دهم هجری

اشاره

ص: 171

1 - معین الدین فراهی هروی (وفات 908 هجری – قمری)

نامش مولی معین و یا منلا معین الدین فراهی هروی عارف کامل و واعظ شهیر هرات است. وی بقول صاحب روضه الصفا از علما و عرفای زمان سلطان حسین بایقرا بود. وی مردی زاهد و پارسا بوده است. هم خود و هم پدرش مسکین تخلص میکردند. وی بنا بر قولی سال 908 هجری – قمری درگذشت و در مقبره خواجه عبدالله انصاری به نزد مقبره برادرش مدفون گردید.

آثار:

1- معارج النبوه در سیرت حضرت رسول صلی الله علیه وآله

2- قصص حضرت موسی علیه السّلام؛

3- اربعین در چهل حدیث نبوی صلی الله علیه وآله

4- حدائق الحقایق در تفسیر سوره یوسف. (1)

فراهی هروی می آورد:

آورده اند که عمر در ایام خلافت خویش به زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام آمد و گفت: ای علی! سه چیز

1- تفسیر حدائق الحقایق، ص 13 از مقدمه

مشکل افتاده از تو استسفار آن کنم تا جواب شافی بشنوم. اول آنکه: دو کس با یکدیگر دوستی می کنند و اظهار محبت می نمایند و هرگز از ایشان به نسب با یکدیگر سابقه احسانی نبوده و همچنین دو کس با یکدیگر دشمن اند و عداوت می نمایند و هرگز از ایشان نسبت به یکدیگر بدی نرسیده، سبب این چه تواندبود؟

امیر فرمود: از حضرت رسول چنین شنیده ام که در روز میثاق دڑّیات آدم را از متن متانت او بیرون گرفتند؛ بعضی پشت به پشت و بعضی در مقام مواجهه روی بر روی، آنها که روی بر روی بودند در دنیا یکدیگر را باز شناختند و با هم علقه محبت استوار کردند و آن طایفه دیگر چون سبقت معرفی نداشتند در مقام نکرت بانکار گرفتار گشتند.

سؤال دویم: این بود کسی سخنی می شنود و بی تکلف به خاطرش میماند و سخنی دیگر به خاطرش پوشیده می گردد، سبب این چیست؟

حضرت امیر فرمود: که هم ازرسول صلی الله علیه وآله شنیده ام که فرمود: دلها را غاشیه هاست؛ گاهی از روی دل

ص: 174

برمی دارند و گاهی فرو میگذارند، وقتی پوشش از روی دل برداشته باشند هر چه بشنود یاد گیرد و در وقت پوشش آنچه بشنود بر خاطرش پوشیده گردد.

سؤال سیم: گفت: ای امیر! مردم خوابها می بینند گاهی خواب ایشان موافق است و گاهی مخالف، حکمت در این چیست؟

امیر فرمود: از حضرت رسالت شنیدم که فرمود: هیچ کس نیست مگر آنکه در وقت خواب روح او را به آسمان می برند و در صعود و هبوط چیزها بوی می نمایند و هر چه در تحت آسمان می بیند چون شیطان رااو آن دخل ممکن است لاجرم خلاف واقع می افتد و هر چه در فوق آسمان می بیند چون شیطان را در آن مجال تصرف نیست لاجرم آن واقعه موافق واقع می شود. عمر زبان به تحسین علی بگشاده شکر خداوندی جل و علا بتفدیم و به تعلیم این سه مسئله ابتهاج تمام اظهار نمود.(1)

1- تفسیر حدائق الحقایق، ص 126 - 125

2 - واعظ کاشفی (وفات 906 ه-. ق)

حسین ابن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال الدین، دانشمند و واعظ معروف است وی درعلوم دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می کرد.

آثار:

1- آیینه اسکندری به فارسی در استخراج مطلوب (حاوی 8 جدول و 20 دا یره) و آن را جام جم نیز میگویند؛ 2- الاختیارات یا اختیارات نجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)؛ 3- اخلاق محسنی؛ 4- الاربعون حدیثا در مواعظ بنام الرساله العلیه فی الاحادیث النبویه (این کتا ب به فارسی و حاوی 40 حدیث است.)؛ 5- اسرار قاسمی 6- بدا ئع الافکار فی صناعه الا شعار، 7- تحفه الصلوات (بپارسی)؛ 8- جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره یوسف)؛ 9- روضه الشهداء؛ 10- سبعه کاشفیه (7 رساله در علم نجوم؛ 11- شرح مثنوی، 12- جوا هر التفسیر لتحفه الامیر با عروس (عروس)، 13- اللباب المعنوی فی انتخاب مثنوی، 14- مختصر الجواهر (مختصر جواهر

التفسیر یا عروس مذکور) 15- مخزن الانشاء بپارسی، 16- المرصاد الأسنی فی شرح اسماء الله الحسنی، 17- مطلع الانور، 18- المواهب العلیه.

کاشفی درباره حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام می نویسد:

«حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم، امیر المؤمنین علی را رضی الله عنه فرموده اند که راه چون خط مستقیم فرض باید کرد.»(1)

1- رشحات عین الحیاه، ج1، ص 12

3 - هلالی جغتائی (وفات 939 هجری – قمری)

مولانا نورالدین هلالی استرآبادی (جغتائی) از شاعران بزرگ قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. در استرآباد گرگان متولد شد و بعد از پرورش در آن دیار در جوانی به خراسان و سپس به هرات رفت و به دستگاه سلطان حسین بایقرا و وزیر دانش دوست او، امیر علی شیر نوایی راه یافت. وی بدست عبید الله خان(1) (939 هجری) کشته شد. وی درغزلهای عاشقانه بسیار توانا بود و یکی از بهترین غزل سرایان زبان فارسی به شمار میرود. دیوان قصاید و غزل ها و سه مثنوی به نام های «لیلی و مجنون»، «صفات العاشقین» و«شاه و درویش» از او به جا مانده است.(2)

ص: 178

1- عبید الله ازبک هرات را محاصره کرده بود. هلالی اشعاری توهین آمیز درباره او سرود. در سال 939 هجری وقتی که عبیدالله خان هرات را تسخیر کرد، هلالی قصیده ای در مدح او سرود اما چون عبیدالله خان مرد بدکینه ای بود، هلالی را نبخشید و در اثر آزار و اذیت و شکنجه، هلالی به دستور عبیدالله خان کشته شد.

2- شاعران بزرگ ایران، ص 380 - 379

وی در مدح علی علیه السّلام می گوید:

دریای سرمد است، علی

جانشین محمد است، علی

اسد الله سرور غالب است

شاه مردان علی ابوطالب

هر که با شیر حق زند پنجه

پنجه خویشتن کند رنجه(1)

1- دیوان هلالی جغتائی، ص 222

4 - خواند میر (فوت 941 هجری – قمری)

غیاث الدین بن همام الدین مورخ معروف، پدرش همام الدین شیرازی سالی چند وزارت سلطان محمود میرزا بن ابو سعید گورکانی را داشت. و مادرش دختر میرخواند صاحب روضه الصفاء است. خواند میر در دوره امیر علی شیرنوائی و تحت حمایت او میزیسته است. از آثار او خلاصه الاخبار، خلاصه روضه الصفاء و جبیب السیر(تاریخ مشهور) است. وی اوایل عهد صفوی را دریافته و احوال شاه اسماعیل را در کتاب اخیر آورده است.(1)

خواند میر در ذکرعلی علیه السّلام آورده است:

و جمیع اقوال آن دری برج ولایت اول کسی است که تصدیق رسالت آن حضرت کرد و در تقویت امور دین و تمشیت مهام شرع متین لوازم سعی و اهتمام به جای آورد نظم کمر بست در خدمت مصطفی، شد از سالکان طریق وفا باوصاف اشراف موصوف شد، برو سر کونین مکشوف شد در

1- فرهنگ فارسی دکتر معین، جلد پنجم، ص 490

اسلام کارش به جائی رسید که چشم فلک مثل او کس ندید و در تمامی مواقف کامله و معارک فاضله در ملازمت حضرت رسالت شرایط شجاعت و جهاد و مراسم هدایت و اجتهاد مرعی داشت، و بروایتی در نوروز مثنوی قدم بر سریر خلافت نهاد، در عدل بر روی امت گشاد. (1)

1- تاریخ حبیب السیر، خواند میر، ص 521

5 - وحشی بافقی (ولادت 939 – وفات 991 هجری – قمری)

کمال الدین وحشی بافقی درسال 939 هجری قمری در بافق - که آبادی بزرگیست در میان یزد و کرمان - چشم به جهان گشود و در سال 991 هجری قمری در یزد زندگی را بدرود گفت.

بیشتر اشعار وحشی حاوی پند و اندرز و تشویق مردم به خوبی و تواضع و عشق است. (1)

بجز دیوان قصاید، غزلیات، ترجیعات، ترکیبات، مسمطات، مقطعات و رباعیات شامل 1500 بیت، سه مثنوی نیز از او به جای مانده است.

نخست: خلدبرین و بر وزن مخزن الاسرار نظامی در 500 بیت؛

دوم: ناظر و منظور بر وزن خسرو و شیرین نظامی شامل 700بیت؛

سوم: شیرین و فرهاد در 800 بیت به همان وزن. (2)

1- زندگی نامه شاعران ایران، ص 183 – 181
2- شاعران بزرگ ایران، ص 385 – 383

وحشی بافقی در ستایش امام علی علیه السّلام میگوید:

هوا فسرده بحدی که وام کرده مگر

برودت از دم بد خواه شاه عرش جناب

علی سپهر معالی در معارج

شأن کنند کسب مراتب ز نام او القاب او

بفکر مدح تو وحشی ز شر حادثه است

توان ز حادثه رستن بلی به فکر صواب

بگاه مدح تو از کثرت ورود سخن

سزد اگر ز عطار نمایم است کتاب

مخالف تو چنان تلخ کام باد به دهر

که طعم زهر دهد در دهان او جلاب(1)

ص: 183

1- دیوان وحشی بافقی، ص 172 – 171

6 - محتشم کاشانی (وفات 996 – هجری قمری)

مولانا کمال الدین محتشم کاشانی، متخلص به محتشم، مشهور به شمس الشعراء، از شاعران بزرگ ایران در قرن دهم هجری است. شاعران معاصر او، وی را ملک الشعرا خطاب میکردند. بهترین و مشهورترین اشعار مراثی محتشم کاشانی، ترکیب بندی است که در رثای شهیدان کربلا، در 12 بند سروده است. مرگش به سال 996 ه-.ق در کاشان اتفاق افتاده است.

وی در مدح و منقبت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام می گوید:

حجت الله علی الخلق، علی متعال

که در آئینه ی شک شد به خدایی مدرک

هم ترازوی تو در عدل بود آنکه چو تو

سرنیارد به زر و سیم فرو چون عدلک

محتشم صبح ازل راه به دلت چو برد

لقد استعصم والله به و استمسک

محتشم صبح ازل راه به دلت چو برد

لقد استعصم والله به و استمسک

غیرازآن عروه وثقی و از آن حبل متین نیست

چیز دگرش در دو جهان مستمسک(1)

ص: 184

1- دیوان محتشم کاشانی، ص 354 – 356

7 - عرفی شیرازی (وفات 999 هجری – قمری)

سید جمال الدین محمد عرفی شیرازی از بزرگترین شاعران قرن دهم هجری است. ولادت عرفی در شیراز اتفاق افتاده و در جوانی به هندوستان رفته است. سپس به دربار جلال الدین اکبر شاه رفت و در سال 999 هجری زندگی را بدرود گفت و در لاهور به خاک سپره شد.

وی یکی از مبتکران سبک معروف به سبک هندی است. نزدیک پنج هزار بیت قصیده و غزل دارد. در پایان عمر به تقلید از خمسه نظامی پرداخته است اما مرگ مجالش نداده است. تنها پنج مثنوی ناتمام یکی به تقلید از مخزن الاسرار به نام مجمع الابکار و دیگری فرهاد و شیرین به تقلید از خسرو و شیرین از خود به جای گذارده است.(1)

عرفی درقصیده ای در منقبت علی بن ابی طالب کرّم الله وجهه میگوید:

همان که شوق اطرافش مرا به طوفان داد

به نیم جذبه گشاید ز ورطه ام بکنار

شه سریر ولایت، علی عالی قدر

محیط عالم دانش جهان علم وقار

لغت نویس صحاح همت او

به معنی لغتی اندک آورد بسیار(2)

ص: 185

1- شاعران بزرگ ایران، ص 387 – 386
2- کلیات عرفی، ص 146 – 119

شاعران و نویسندگان قرن یازدهم هجری

اشاره

ص: 187

1 - اسکندر بیگ ترکمان (1052 – 1038 – 994 هجری – قمری)

اسکندر بیگ ترکمان، نویسنده و مورخ ایرانی است. وی منشی و ندیم شاه عباس بزرگ و مورد اعتماد او بود.

تاریخ عالم آرای عباسی در احوال شاه عباس اول و حوادث پادشاهی و اصل و نسب صفویان به قلم او است. (1)

میرزا در سکه لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله که در یک طرف نقش میشود، تأمل داشت و می گفت: درم و دینار در سودا و معاملات به دست یهود و ارامنه و مجوس و هندوو سایر کفار در می آید و عوام در حالت خبابت مس اسم الله که به مقتضای کلام قدسی انجام« لایمسه الا المطهرون» منهی و مذموم است، می نمایند، متردد خاطر بود که عوض آن چه عبارت نقش نماید که در نظر خلایق ناپسند نیاید روزی در میان مردم

1- فرهنگ فارسی دکتر معین، جلد پنجم، ص 145

گفت: چون یاران ما را بد نام کرده‌اند در این قضیه نیز خواهند گفت که غرض از بر طرف کردن این عبارت آن بود که لفظ: «علیاً ولی الله» در سکه نباشد بعد از تامل بسیار در آخر قرار یافت که در یک طرف سکه این بیت نقش نمایند :

زمشرق تا به مغرب گر امام است

علی و آل او ما را تمام است(1)

ص: 190

1- تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ ترکمان، جلد اول ص 217

2 - نظیری نیشابوری (وفات 1021 هجری – قمری)

حاج ملا محمد حسین نظیری نیشابوری یکی از معروفترین غزل سرایان قرن دهم هجری است. وی به دربار اکبر شاه هندی راه یافت و در آنجا بسیار معزز زیست. وی مردی وارسته و عارف مسلک بود و در اخر عمر در احمد آباد گجرات به حال انزوا و گوشه نشینی سرگرم تفکرات عارفانه بود و سرانجام به سال 1021 هجری قمری در همان شهر زندگی را بدرود گفت.

دیوان وی مشتمل بر شش هزار بیت است که در هندوستان و ایران به چاپ رسیده است. (1)

نظیری در مدح علی علیه السّلام چنین آورده است :

نبی که معجزه ماه دو پیکر آورده

مثل نور خود و نور حیدر آورده

فراز منبر یوم الغدیر این رمز است

که سر ز حبیب محمد، علی برآورده است

حدیث لحمک لحمی بیان این معنی

که بر لسان مبارک پیغمبر آورده(2)

1- شاعران بزرگ ایران، ص 393
2- دیوان نظیری نیشابوری، صص 493 – 491

3 - رضی الدین آرتیمانی (وفات 1037 هجری)

سید رضی الدین آرتیمانی متخلص به «رضی» از شاعران توانا و عارف پراحساس قرن یازدهم هجری است. وی از سادات آرتیمان یکی از دهکده های تابع شهرستان تویسرکان همدان بود. اعتضاد السلطنه مرگ رضی آرتیمانی را ذیل وقایع 1037 هجری ثبت کرده است.

تعداد اشعار او را یک هزار تا یکهزار و پانصد بیت نوشتهاند. ساقی نامه و سوگند نامه این شاعر شور انگیز موحد در ادبیات پارسی نهایت شهرت را دارد.

آرامگاه وی در نزدیکی تویسرکان واقع است. (1)

قصیده ای از او در مدح مولای متقیان علی علیه السّلام :

علی عالی امیر کل امیر

وصی احمد مرسل قسیم جنت و نار

تو همچون من به ثنای علی زبان بگشا

که مرحبا شنوی هر دم از در و دیوار

من از عقیده خود بر نمی توانم گشت

نصیر وار هلاکم کنند اگر صد بار(2)

ص: 192

1- شاعران بزرگ ایران، ص 415 – 414

2- دیوان رضی الدین آرتیمانی، ص 115 – 110

4 - فیاض لاهیجی (وفات 1052 ه-. ق)

عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (1052 ف)، وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام دست داشت.

آثار:

1 - شوارق در 2 جلد؛ 2- سرمایه ایمان؛ 3- شرح فصوص الحکم به عربی؛ 4- شرح فصوص الحکم به فارسی؛ 5- دیوان شعر اشاره نمود.

وی در وصف حضرت امیر علیه السّلام می گوید:

سزای امامت به صورت به معنی

علی ولی آن شاهست و مولی جهان

جهان همچو چشم است و او همچو مردم

جهان همچو لفظ است و او همچو معنی

وفی است و اوفی، ولی است و اولی

علیم است و اعلم، علی است و اعلی

ولی ولایت، وصی وصایت

هدی هدایت، هم اعلی هم ادنی(1)

1- دیوان فیاض لاهیجی، ص 23

5 - کلیم کاشانی «همدانی» (وفات سال 1061 هجری)

ابوطالب کلیم کاشانی از شاعران بسیار نامی قرن یازدهم هجری است. وی در همدان متولد شده ولی به علت اقامت طولانی در کاشان به کاشانی مشهور شده است. مدتی در شیراز به کسب دانش پرداخته و سپس به اقتضای زمان محدود ادبی از ایران به هندوستان سفر کرد و به دربار جهانگیر راه یافت. در هندوستان مقام ملک الشعرائی دربار شهاب الدین شاه جهان (1037 -- 1068 هجری) یافت. وی سالهای آخر عمر خویش را در کشمیر به انزوا گذرانده و به سال 1061 هجری زندگی را به درود گفته است. (1)

کلیم در مدح و منقبت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام گفته است:

با همه آلودگی دارم امید مغفرت

از ولای سرور پاکان علی المرتضی

با همه آلودگی دارم امید مغفرت

از ولای سرور پاکان علی المرتضی

آنکه او را جز خدا و مصطفی نشناخته و

مدح ما او را نباشد هیچ کم از ناسزا

مصطفی را جز به ارشاد علی نتوان شناخت

گر به سوی خانه می آیی ز راه در درآ

عالم غیب و شهادت را ز رأْی او فروغ

نازم آن شمعی کز و روشن بود هر دو سرا(2)

1- شاعران بزرگ ایران، ص 420 -- 418
2- دیوان ابوطالب کلیم کاشانی، ص 3 -- 1

6 - صائب تبریزی (ولادت 1010 وفات 1087- هجری قمری)

میرزا محمد علی بن میرزا عبدالرحیم تبریزی، معروف به صائب و صائبا، وی از اعقاب شمس الدین محمد شیرین مغربی تبریزی است. محمد علی در اصفهان متولد شد.

وی پس از معرفی به حضور شاه جهان پادشاه هند، به لقب مستعد خان و به منصب هزاره سرفراز گردید. شاه عباس دوم او را به لقب ملک الشعرایی مفتخر کرد. مجموعه ی آثار صائب قریب یکصد و بیست هزار بیت است.

کلیات وی عبارت است از سفینه ای مملو از مواعظ و آداب که جُنگی پر از حکمت و امثال است. مهارت وی در غزل است.

صائب در وصف علی علیه السّلام میگوید:

هیچ تعریفی تو را زین به نمی دانم که شد

در تو پیدا گوهر پاک امیر المؤمنین

هیچ تعریفی تو را زین به نمی دانم که شد

در تو پیدا گوهر پاک امیر المؤمنین

بهترین خلق بعد از بهترین انبیاء

ابن عم مصطفی، داماد خیر المر سلین

تا نگرداند نظر نگردد آسمان

تا نگوید یا علی گردون نخیزد از زمین (1)

1- کلیات صائب تبریزی، ص804- 805

7 - فیض کاشانی (ولادت 1007 – وفات 1091 هجری- قمری)

محمد محسن پسر شاه مرتضی محمود کاشانی مشهور به ملا محسن فیض کاشانی و متخلص به «فیض» از نویسندگان و شاعران مشهور قرن یازدهم هجری است. وی شاگرد و داماد دیگر ملا صدرا بوده است. تولدش به سال 1007 هجری در کاشان اتفاق افتاد. وی در سال 1091 در کاشان بدرود حیات گفت.

فیض میآورد:

چو حشر هر کسی با دوستانش میکنی یا رب

مرا نزد علی جا ده که او را از محبانم(1)

در جای دیگر میگوید:

عرفان ولی را ز ره وصی گرفتیم

فرمان نبی را به دل و جان گرویدیم

رفتند محبان نخستین ره دوزخ

ما حب علی و ره فردوس گزیدیم(2)

1- دیوان علامه محمد محسن فیض کاشانی، ج 3، صص 906 - 905

2- همان، ص 919

8- لامع (قرن یازدهم هجری- قمری)

این شاعر برجسته درمقام وصف علی مرتضی علیه السّلام می گوید:

آن شه که از نص جلی شد وصف ذاتش منجلی

خوانده خداوندش ولی، بُد با نبی چون جسم وجان

در وجودش را صدف گه کعبه آمد گه نجف

عارف به سر من بر نص فرقان ترجمان

مهر سپهر هل اتی بدر منیر لافتی

مصداق نص انما، مفتاح کنز قدر و شان

اژدر خیبر گشا بر خصم دین برهان نما

کفش به هنگام دعا بر انس و جان راحت رسان

نطق و خرد را کی رسد کاندر حد وصفش رسد

گر در ره عرفان نهد پا بر سر کف بیان

هارون بزم اصطفا، قانون رسم ارتضا

برهان حق عز و علا، هادی راه انس وجان

ساطع از او نور یقین لامع از او دنیا و دین

ذاتش بود قطب زمین نامش بود حرز امان

سرپنجه اش درروز کین باشد کلید قفل دین

برخاتم دولت نگین نامش بود بی شک روان(1)

1- سیمای علی علیه السّلام ازمنظراهل سنت، ص354، منقول ازدیوان لامع، ص 46

شاعران و نویسندگان قرن دوازدهم هجری

اشاره

ص: 199

1 - بیدل دهلوی (ولادت 1054 وفات 1133 هجری- قمری)

ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بن عبدالخالق شاعر (ف 1133ه-1720م) وی اصلا از ترکان جغتای برتاس بود. در هندوستان متولد و تربیت شد و بیشتر عمر خود را در شاه جهان آباد به عزلت وآزادی می گذراند و سرگرم تفکرات عارفانه و ایجاد آثار فراوان منظوم و منثور خود بود.

آثار:

1- عرفات؛2- طلسم حیرت؛ 3- طور معرفت؛ 4- محیط اعظم؛ 5- تنبیه المهوسین و دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و ترجیعات و ترکیبات و مقطعات و مستزاد و تواریخ و مربع و مخمس و هزلیات. وی در نظم و نثر سبک خاص داشت و آثار و افکار عرفانی بامضامین پیچیده و استعارات و کنایات درهم آمیخته. بیدل در خیال بندی و ایراد مضامین باریک مصر بود.

وی این چنین امیر المؤمنین علیه السّلام را ستایش میکند:

علی گشت سرشار صهبای علم

که یک جرعه ی اوست دریای علم

نبوت بطون و ولایت ظهور

جمال وجلال دو عالم حضور

شرابی که بیرون ز ادراک بود

به جامش عیان در دل تاک بود

جمال حقیقت به چندین نقاب

شهود یقینش چو آب از حباب

ص: 201

ز بس صافی جام اندیشه اش

رگ تاک شد گردن شیشه اش

خیالات هنگامه ی هست وبود

به اندازه ی علم دارد نمود

به افزونی نشوه ی علم کوش

که این بحر را نیست جز علم جوش

محیطی است بی انتها ذات علم

دو عالم همان نفی واثبات علم

مئی را که شخص نبوت چشید

درآخربه شاه ولایت رسید(1)

1- سیمای علی علیه السّلام از منظر اهل سنت، ص359، منقول ازمثنوی محیط اعظم، ص 52

2 - محمد کاظم مروی، وزیر مرو (ولادت 1133هجری قمری)

محمد کاظم از قزلباشهای مرو است. وی در سال 1133، در مرو از مادری تاتار بدنیا آمده است. در سال 1143 در مشهد در مدرسه ی «دودر» مشغول به تحصیل بود.

در سال 1149، به همراه پدرش به تبریز رفته و به دستگاه ابراهیم خان ظهیر الدوله پیوسته است. کتاب «عالم آرای نادری» نوشته ی محمد کاظم مروی - که مفصل ترین زندگینامهی نادر شاه افشار و تاریخ حوادث روزگار اوست - از تالیفات وی به شمار می رود.

صاحب کتاب عالم آرای نادری در مدح حضرت علی علیه السّلام می نویسد:

و درود نامحدود بر آزاد سروریاض امامت و نقد کامل عیارگنجینه ی شجاعت و شهامت، یکه تازمضمار عرصه ی فصیح الارجای لافتی، خلوت گزین بیت المعمور «انا مدینه العلم وعلی بابها»، جوهر تیغ خصم افکنی و عدو گذاری، مهر سپهر وصایت و نامداری، گوهر قیمتی دریای بی منتهای وجود، عالم اسرار خفایای شهود، امیری که حدیث صحیح

«من کنت مولاه فعلی مولاه»، از دفتر خلافتش آیتی و خبر صحیح «انت منی بمنزله هرون من موسی»، از داستان قدر و منزلتش حکایتی مضمون صداقت مشحون «ید الله فوق ایدیهم» را تفسیر و پادشاه

بی سهم ملک رسالت را مشیر و وزیر، قاتل المشرکین و قامع الجاحدین، اسد الله الغالب، علی بن ابی طالب و بر اولاد اطهارش که پیشوایان طریق معانی عرفان و راهنمایان سبیل هدایت و ایقانند و پادشاهان کشور معنی، خسروان ممالک عقبی، صلوات الله علیهم اجمعین(1)

ص: 204

1- عالم آرای نادری، محمد کاظم مروی وزیر مرو، ج 1، ص2

3 - حزین لاهیجی اصفهانی (ولادت 1103، وفات 1180 ه-.ق)

شیخ محمد علی حزین لاهیجی اصفهانی به سال 1103 هجری قمری در اصفهان به دنیا آمد. در سال 1180 هجری قمری در 77 سالگی در بنارس زندگی را بدرود میگوید. دوران زندگی حزین لاهیجی دوران پایان حکومت صفوی بود.

وی از شاعران درجه اول سبک هندی است. علاوه بر دیوان اشعار، رسالاتی در فلسفه، علم کلام، احوال رجال و سفرنامه و تاریخ حزین در دست است. (1)

حزین در مدح حیدر کرار علی بن ابی طالب علیه السّلام چنین میگوید:

نفس نبی، علی ولی، حجت جلیّ

صاحب لوای هر دو سرا شاه اولیا

تبلیغ بلغ است ز شأن تو آیتی

توقیع کبریای تو تنزیل هل اتی

بیگانه نیست در نظر رهروان عشق

گر نام این قصیده نهم منهج الولا(2)

1- زندگی نامه شاعران ایران، ص 196 – 195
2- دیوان حزین لاهیجی، ص 135 – 130

4 - فتحعلی خان صبا (ولادت 1179- وفات 1238 هجری- قمری)

فتحعلی خان صبا کاشانی متخلص به «صبا» نامی ترین شاعر دوره قاجاریه است. فتحعلی خان به سال 1179 در کاشان به دنیا آمد. و در آن جا نشو و نمو یافت. فتحعلی شاه قاجار به او لقب ملک الشعرائی داد و عنوان «خان» و منصب«احتساب الممالکی» به او تفویض شد. در سال 1238 هجری در 57 سالگی در تهران زندگی را بدرود گفت.

مهمترین و بزرگترین اثر فتحعلی خان صبا شاهنامه ی او است که در چهل هزار بیت و به سبک شاهنامه فردوسی سروده شده است که مشتمل بر حوادث زندگانی فتحعلی شاه قاجار، جنگ ها و فتح ها و شکست ها و عشرت طلبیهای او است.

آثار:

1- عبرت نامه؛ 2- گلشن صبا؛ 3- خداوند نامه؛ 4- خلاصه الاحکام؛ 5- تحفه العراقیین.

فتحعلی خان صبا وصف و مدح فتحعلی شاه قاجار را با وصف حیدر کرار، علی مرتضی علیه السّلام مزین می کند:

ص: 206

پیکر طاغوت جبار از جلوه ی احمد افتاد

لشکر بدر و حنین از حمله حیدر شکست

خصم را لشکر شکست از تیغ برق افشان او

همچنان از تیغ حیدر لشکر خیبر شکست(1)

همچنین در نعت اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه السّلام می گوید:

علی اعلا ولی والا

وصّی سید بطحی سمّی خالق اکبر

سزاوار از نشستن بر فراز مسند احمد

کسی باشد که جان کردش فدا وخفت بربستر(2)

ص: 207

1- شاعران بزرگ ایران، ص 471 – 465

2- دیوان ملک الشعرا فتحعلی خان صبا، ص 133 – 129

5 - خالد نقشبندی (ولادت 1197 – وفات 1242 هجری – قمری)

فحول فضلا و اعاظم ادباء قرن سیزدهم به شمار میرود. در سال 1197 قمری متولد و در چهارم ذی القعده سال 1243 ه-.ق دار فانی را وداع گفت.

میجر آدموندس انگلیسی تولد او را در قریه قره داغ نزدیک سلیمانیه عراق به سال 1779 میلادی ثبت نموده است.

او بیشتر اوقاتش به تدریس علوم دینیه می گذشت. به یکباره هوای هند کرد و جاذبه شاه عبدالله دهلوی وی را به سوی هند کشانید. نقشبندی در بازگشت از هند به مشهد مقدس وارد و به زیارت حضرت امام علی بن موسی

الرضا علیه السّلام میشتابد و مقام معنوی آن بزرگوار قلب عاشق و شیفته او را متأثر ساخته و احساسات عارفانه اش را چنین بروز می دهد:

این بارگاه کیست که از عرش برتر است

و زنور گنبدش همه عالم منور است

و ز شرم شمشهای زرش کعبتین شمس

درتخته نرد چرخ چهارم به ششدر است

این روضه رضاست که فرزند کاظم است

سیراب نوگلی از گلستان جفعر است

سرو سهی ز گلشن سلطان انبیاء است

نو باوه خدیجه و زهرا و حیدرعلیه السّلام است(1)

ص: 208

1- پارسی گویان کرد، بخش دوم، ص 106 و 105

6 - حسینعلی بیگ شرر بیگدلی آذری قمی (وفات 1248 ه-.ق)

حسینعلی فرزند حاجی لطفعلی بیگ آذر است. این شاعر برجسته افتخار سکونت در جوار کریمه ی اهل بیت، حضرت معصومه علیهاالسّلام در قم مقدسه، را داشته است. وی غزل می سرود.

شاعر در هفتاد سالگی و در سال 1248 هجری، دار فانی را وداع گفت.

شرر در وصف علی علیه السّلام، می گوید:

دستی به داد خواهی ما زآستین برآر

در انتقام خون شهیدان تشنه کام

چشم امید ما نبود جز به ذوالفقار

دل را تهی زشکوه چو بو تراب کرد

با جده اش خدیجه ی کبری خطاب کرد(1)

1- فغان دل، حسینعلی بیگ شرر بیگدلی آذری قمی، ص358

7 - وصال شیرازی (ولادت 1197 – وفات 1262 هجری- قمری)

میرزا محمد شفیع شیرازی، فرزند محمد اسماعیل، متخلص به وصال، معروف به میرزا کوچک از شاعران نامی دوره ی قاجاریه زمان فتحعلی شاه و محمد شاه است.

وصال درزمان سلطنت کریمخان زند به سال 1197 ه-.ق در یک خانواده ی محترم شیرازی پا به عرصه ی وجود نهاد. علوم متداول زمان خود را نزد دانشمندان آن عصر مانند؛ میرزا ابوالقاسم سکوت از عارفان نامی فرا گرفت. در اواخر عمر نابینا شد و سرانجام در سال 1262 هجری در زمان سلطنت محمد شاه قاجار در سن 69 سالگی زندگی را به درود حیات گفت.

دیوان اشعار او در حدود سی هزار بیت شامل :قصیده، غزل، و... است.

وصال شیرازی در مدح شیر یزدان، علی بن ابی طالب علیه السّلام می گوید:

داماد مصطفی و ولی علی علیهاالسّلام

که اسلام شد زنصرت تیغش قوی اساس

در جنگ خندق ار نشد حامل لوا

تا حشر داشت رایت اسلام انتکاس(1)

1- مناقب علوی، ص67 - 68

شاعران ونویسندگان قرن سیزدهم هجری

اشاره

ص: 211

1 - مستوره ی کردستانی (ولادت 1220 – وفات 1264هجری- قمری)

ماه شرف، متخلص به مستوره، شاعر سنندجی، در سال 1220 ه-.ق، در شهر سنندج پا به عرصه ی وجود نهاد. وی دختر ابوالحسن بیگ، فرزند محمد آقا ناظر کردستانی و برادرزاده ی میرزا عبد الله رونق، مؤلف (تذکره ی حدیقه ی امان اللهی) و زوجه ی خسرو خان ناکام، والی اردلانی است. وی در سال 1263 بر اثر اختلال اوضاع جلای وطن کرده و به همراه عمویش رونق و پسر عمه اش حسینقلی خان، حاوی اردلان به سلیمانیه ی عراق - که مقر حکمفرمائی بابانیها بود - رفت ویک سال بعد، در سال 1264، پس از 44 سال زندگی درآن شهر دار فانی را وداع گفت.

آثار:

1- دیوان اشعار؛2- تاریخ اردلان به فارسی؛ 3- ومجمع الادباء(1)

مستوره در مدح حضرت علی علیه السّلام میگوید:

ابروی تو یا هلال یا قوس

یا در کف شاه ذوالفقار است

شاهی که مدام جبرئیلش

بر درگه عالم پرده دار است

ص: 213

1- تاریخ مشاهیر کرد، بابا مردوخ روحانی، ج1، ص 379 -384

ضرغام الحق علی علیه السّلام که وصفش

بیرون ز حساب و از شمار است

هر کس که ز صدق بنده اش شد

بر جمله شهنشاهش افتخار است

«مستوره» زغم منال زیرا مولای توشیر

کردگار است(1)

مستوره درجای دیگری می گوید:

ای سرو خوبان جهان دست تظلم

بر کشور جان چند گشائی به تطاول

اکنون ببرم شکوه ی جورت بر شاهی

صهر نبی است و شه دین صاحب دلدل

«مستوره» من از خلق جهان پای کشیدم

در دامن مولاعلیه السّلام زده ام دست توسل(2)

1- تولای علی علیه السّلام در ادب وفرهنگ شعراء وعرفای کرد اهل سنت، هادی درویشی،ص107

2- همان، ص 109

2 - قاآنی شیرازی (ولادت 1223 - وفات 1270 ه.-ق.)

میرزا حبیب قاآنی، فرزند میرزا محمد علی گلشن شیرازی، از شاعران نامی و توانای دوره ی قاجاریه محسوب میشود.

وی در سال 1223هجری در شیراز تولد یافت و در سال 1251هجری - که محمد شاه بر تخت نشست - به تهران آمد و به حلقه ی شاعران دربار پیوست و از شاه لقب حسان العجم یافت.

این شاعر توانا در سال 1270 هجری به بیماری مالیخولیا و پریشان گوئی مبتلا شد و در همان سال و در 47 سالگی زندگی را بدرود گفت.

هنر بزرگ قاآنی در پرداختن مسمط های روان و زیبا است. وی نخستین شاعر پارسی گوی است که زبان فرانسه را هم میدانست. (1)

وی در منقبت هزالسالب، لیث الغالب، علی بن ابی طالب علیه السّلام، می گوید:

بجز لب تو کز او گفت شکرین خیزد

که دیده لعل کز وی جوی انگبین خیزد

عجب ز سادگی سرو بوستان دارم

که پیش قامت موزونت از زمین خیزد

قد تو سرو بود، طره ی تو مشک اگر

ز سرو ماه بروید، زمشک چین خیزد(2)

ص: 215

1- شاعران بزرگ ایران، ص 490- 495

2- دیوان کامل حکیم قا آنی شیرازی، ص 163 - 162

3 - فروغی بسطامی (ولادت 1213 – وفات 1274 هجری قمری)

فروغی بسطامی، در آسمان پر جلوه و جلال ادبیات پارسی جاویدان از نبوغ شاعری و هیجان انگیزغزلسرائی است. تولد وی نزدیک به یک هزار سال بعد از بایزید بسطامی است. فروغی معیر الممالک دولت نادرشاه، در سال 1213ه-.ق در عتبات، بدنیا آمده و در 25 محرم سال 1274 ه-.ق پس از یک کسالت شدید، و در شصت و یک سالگی، در تهران زندگی را بدرود گفت.

ظاهرا فروغی بیست هزار بیت شعر داشته است.

وی در وصف شاه خیبر، علی علیه السّلام می گوید:

عید مولود امیر المؤمنین شد

عالم بالا و پائین عنبرین شد

از برای مژده ی این عید حیدر

جبرئیل از آسمان اندر زمین شد

از برای مژده ی این عید حیدر

جبرئیل از آسمان اندر زمین شد

پنج عنصر، حیدر کرار دارد

قدرت حق زانکه با خاکش عجین شد

کس علی را جز خدا نشناخت

آری، قابل این نکته خیر المرسلین شد(1)

ص: 216

1- دیوان کامل فروغی بسطامی، ص77- 78

4 - خالص کرکوکی (ولادت 1212 – وفات 1275 هجری – قمری)

شیخ عبدالرحمان خالص پسر شیخ احمد پسر شیخ ملا محمود قادری طالبانی کرکوکی - که در عرفان به عبدالقادر گیلانی می رسد - در سال 1212 هجری - قمری در کرکوک به دنیا آمد و در سال 1275 از دنیا رفت. در سال 1250 جمعی از یاران از وی خواستند تا مثنوی معنوی را شرحی کند تا معنی ابیات بیشتر فهم شود، بدین مناسبت «نوای نی مولانا» بوسیله او شرح شده است. شاعر به زبان عربی هم شعر سروده است. (1)

خالص در وصف شاه نجف علیه السّلام میگوید:

کی بود یا رب که رو آرم به صحرای نجف

و آیه ی خود یابم ازدرگاه مولای نجف

کی بود یا رب که رو آرم به صحرای نجف

و آیه ی خود یابم ازدرگاه مولای نجف

سر برون آوردن از ظلمات هستی مشکل است

بی طلوع آفتاب عالم آرای نجف

کی شود محروم از مطلب کسی کو سر نهد

بر تراب خاک درگاه معلای نجف

خرم آن ساعت که خالص با تولای علی

واله و شیدا شود در پای صحرای نجف(2)

1- پارسی گویان کرد، بخش دوم، ص 110
2- همان، ص 111

5 - سروش اصفهانی (ولادت 1228- وفات 1285 هجری -- قمری)

میرزا محمد علی فرزند قنبر علی سدهی اصفهانی از شاعران نامی دوره قاجاریه است.

وی در سال 1228 هجری در سده اصفهان به دنیا آمد. پس از مرگ قاآنی، شاعر مقدم دربار ناصرالدین شاه شد و از شاه خطاب «خان» و « لقب شمس الشعراء گرفت. سالها با سمت شاعر رسمی دربار به آسایش گذرانید تا به سال 1285 هجری – قمری در 57 سالگی در تهران زندگی را بدرود گفت.

آثار:

قصاید و فتحنامه ها و مثنویهای اردیبهشت نامه و ساقی نامه، الهی نامه و کتابی به نام شمس المناقب حاوی قصاید در مدح و منقبت حضرت محمد صلی الله علیه وآله و ائمه اطهار وشصت بند مرثیه و نیز مثنوی به نام روضه الانوار در ذکر واقعه کربلا و دیوانی به نام زینه المدیح.(1)

ص: 218

1- شاعران بزرگ ایران، ص 526 – 525

سروش درمدح ومنقبت علی علیه السّلام می آورد:

علی و عترتش اسماء دادارند و قائم دان

برایشان عرش و فرش و آنچه در پشتی ودر باد

سروش مایه آمرزش تو مدح حیدر بس

با سودا که خواهی کرد فردا از چنین سودا(1)

وی در جای دیکر با همین مضمون میگوید :

دی دیدم آن شکر لب زیبا را

کز رخ شکسته قیمت دیبا را

آراسته ز خیمه بیرون آمد

خوشبوی کرد که دو خرّم صحرا را

دست خدا علی، وصی احمد

کافراشت هفت گنبد خضراء را(2)

1- دیوان شمس الشعراء سروش اصفهانی، ص 6 – 5
2- همان، ص 17

6 - میرزا محمد تقی لسان الملک (وفات 1297 هجری – قمری)

میرزا محمد تقی بن ملا محمد علی کاشانی ملقب به لسان الملک و متخلص به سپهر، نویسنده و مورخ عهد قاجاری است. وی پس از تحصیل مقدماتی علوم به شعر و عروض پرداخت. او در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا ملک الشعرای فتحعلی شاه رسید و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان او شد و به نوشتن کتاب « ناسخ التواریخ (که دوره ی تاریخ جهان از زمان آدم علیه السّلام تا عهد مؤلف است) پرداخت. (1)

سپهر ناسخ التواریخ را - که مجموعاً پانزده جلد است - تا جلد یازدهم نوشت و بقیه مجلدات این تاریخ را عباس قلی خان سپهر که در دربار ناصرالدین شاه مقرب بود به رشته تحریر در آورد.(2)

لسان الملک می گوید:

مع الحدیث روز دیگر هم در حراء جبرئیل بر رسول

1- فرهنگ فارسی دکتر معین، ج 5، ص 731
2- تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران، عباس پرویزی، ج3، ص 336

خدای آشکار شد، آن حضرت فرمود: کیستی؟ گفتا: من جبرئیلم و تو رسول خدائی، پس جبرئیل پای خود بر زمین کوفت و چشمه ی خوشگوار بجوشید و بدان آب وضو ساخت و آن حضرت وضوبساخت. پس نماز را با پیغمبر | تعلیم کرد و آن حضرت نماز ظهر را با علی علیه السّلام بگذاشت و چون به خانه آمد نماز عصر را خدیجه علیهاالسّلام با ایشان ادا کرد و از پس روزی چند ابوطالب و جفعر در آمدند بدان حضرت وقتی که علی علیه السّلام و خدیجه علیهاالسّلام نماز می گذاشت.(1)

ص: 221

1- ناسخ التواریخ، ج 2، میرزا محمد تقی لسان الملک، ص 469

7 - ملا احمد نراقی (قرن سیزدهم هجری قمری)

احمد ابن حاج مهدی یا محمد مهدی معروف به نراقی از اکابر دانشمندان و فقهای امامیه قرن سیزدهم ه-.ق است. وی اشعار عرفانی فراوانی سروده است و در شعر صفا تخلص میکرد.

آثار:

1 - اجتماع الأمر و النهی؛ 2- اساس الأحکام؛ 3- اسرار حج؛ 4-حجیه المظنه؛ 5- خزائن؛ 6- دیوان شعر فارسی؛ 7- سیف الأمه؛ 8- معراج السعاده.

ملا احمد با این عبارات کمال ارادت خود را نسبت به اسد الله الغالب علی علیه السّلام، ابراز می دارد:

جناب مستطاب، امیر المؤمنین علیه السّلام، می فرماید: از ملوک و

فرمانده هان هر کس که به عدل و داد عمل کند، خدای تعالی دولت او را در حصار امن خود نگهدارد و هر که جور و ستم نماید، بزودی او را هلاک گرداند.(1)

1- معراج السعاده، ملا احمد نراقی، ص373

8 - طرب بن همای شیرازی (قرن سیزدهم)

اسمش ابوالقاسم و فرزند مرحوم هما است (همای شیرازی). وی از شاعرانی است که از منزلت خاصی برخوردار است. وی علاوه بر تبحر ویژه در سرودن شعر و خصوصاً غزل، در هنرهای دیگر همچون خطاطی، مهارت تام داشت. بویژه که خط نستعلیق را بسیار نیکو می نوشت. او نیز همچون دیگر هم قطاران خویش از فضل ذکر نام پر برکت علی علیه السّلام، محروم نمانده است، جایی که آورده است:

کعبه ی دین با صفا شد از وجود مرتضی

از وجود مرتضی شد کعبه ی دین با صفا

پر بها شد کعبه ی دین از ظهور بو الحسن

با صفا شد خان حق از قدوم مرتضی(1)

1- دیوان طرب بن همای شیرازی، ص11 – 19

شاعران و نویسندگان قرن چهاردهم هجری

اشاره

ص: 225

1 - حکیم صبوری (ولادت 1265 – وفات 1313 هجری – قمری)

میرزا باقرخان، حکیم بن سید محمد، متخلص به صبوری و ملقب به مدیر الأطباء، عالم و شاعر، از سادات جلیل و نجبای گیلان بود. وی مقدمات ادبی و عربی را در رشت فرا گرفت و به تهران رفت و به تحصیل حکمت، کلام و طب پرداخت و از آنجا به مصر و بیروت رفت و پس ازچند سال به موطن خود بازگشت. قسمت عمده ی اشعار او غزلیاتی است که به پیروی از سعدی و حافظ سروده است.

حکیم صبوری در وصف علی علیه السّلام میگوید:

تو نازی از شه و شه از که نازد؟ از حیدر

محمد عربی را کائنات سرور

علی وصی نبی، ممکنات را سرور

نبی نشانده شهنشاه را بر این اورنگ

نبی نهاده شهنشاه را بر این افسر

علی شهی است که آمد رسول را داماد

نبی نهاده شهنشاه را بر این افسر

علی شهی است که آمد رسول را داماد

نبی کسی است که باشد خدا را مطهر(1)

ص: 227

1- دیوان حکیم صبوری، ص 64.

2 - ناصر الدین شاه قاجار (ولادت 1247 – وفات 1313 هجری – قمری)

ناصر الدین شاه قاجار، پس از مرگ پدرش، محمد شاه، در سال 1264 هجری – قمری به سلطنت رسید. وی بلا فاصله میرزا تقی خان امیر نظام (امیرکبیر) را به عنوان صدر اعظم خود برگزید. او سرانجام در اثر تحریک مادرش مهدعلیا و درباریان قاجار در سال 1268 ه-.ق امیر کبیر را عزل و در همان سال فرمان قتل آن مرد بزرگ را صادر کرد.

سرانجام ناصر الدین شاه در سال 1313 هجری قمری به ضرب گلوله ی میرزا رضا کرمانی در حین زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام به قتل رسید. وی در سرودن شعر و نویسندگی دستی داشته است. علاوه بر دیوان شعر، چندین سفرنامه از وی به یادگار مانده است.

ناصر الدین شاه در آستان مبارک حضرت امیرالمؤمنین گفته است:

اسکندر و من ای شه معبود صفات

بر گرد جهات صرف نموده ایم اوقات

برهمت من کجا رسد همت او

من خاک در تو جستم او آب حیات(1)

ص: 228

1- دیوان ناصر الدین شاه قا جار، ص 75

3 - حاج میرزا حسن حسینی فسائی (ولادت 1237 – وفات 1316 هجری قمری)

میرزا حسن حسینی فسائی در سال 1237 در شهر فسا متولد شد. تا ده سالگی تحت سر پرستی مادر بزرگ و سپس برادر ارشد خویش بالید و کسب علم و ادب کرد. و از محضر ابو الحسن خان مجتهد - مشهور به فسائی - مقدمات علوم را فرا گرفت. علوم شرعیه و مقاصد کتابهای ریاضیه، مانند: فارسی، هیأت، و شرح چقمینی را از محضر حاج شیخ مهدی مجتهد کجوری آموخت. وی در طب نیز دست داشت. میرزا حسن در سال 1316 ه-.ق، در شیراز و در هفتاد و نه سالگی در گذشت.

آثار:

1 - فارسنامه؛ 2- تفسیر حسن 3- تحفه ی احشامی 4- نقشه ی مملکت فارس

وی می نویسد:

...وعید سعید حضرت ولایت مآب،امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام، که احترام آن از خواص شاهنشاه اسلامیان پناه است و عید مبارک نوروز سلطانی سنه ی لوی ئیل مقارنه نموده، در روز سیزدهم ماه رجب سال 1272، اتفاق افتاد.(1)

ص: 229

1- فارسنامه ی ناصری، جلد اول، ص 805.

4 - شیخ رضا طالبانی (ولادت 1253- وفات 1318هجری – قمری)

شیخ رضا فرزند شیخ عبد الرحمن طالبانی در سال 1253 هجری در دهکده قرخ که در نزدیکی های شهر کرکوک واقع شده، متولد گردید. تحصیلات مقدماتی و صرف و نحو عربی و ادبیات فارسی را نزد پدرش شیخ عبدالرحمان طالبانی فرا گرفت و برای تکمیل علوم متداول زمان به سفر پرداخت. وی در سال 1318 هجری در 65 سالگی چشم از جهان فرو پوشید. تخلص شعریش «لامع» است. وی در فنون سخنوری مقتدر و در زبان فارسی و عربی و ترکی و کردی دست داشته است.

شیخ رضا به اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه وآله عشق میورزیده و او درباره اهل بیت و مخصوصاً در عشق حضرت حسین و حضرت علی علیه السّلام اشعار زیادی سروده است.

این شاعر دلسوخته در مدح حضرت امیر علیه السّلام می گوید:

اگر هوا خواه حسینی ترک سر کن چون حسین

شرط این میدان به خون خویشتن باز کردن است

از حریم کعبه کمتر نیست دشت کربلا

صد شرف دارد بر آن وادی که گویند ایمن است

ایمن و ای من فدای خاک پاکی کاندران

نور چشم مصطفی و مرتضی را مسکن است

زهره ی زهر انگبین خاتم خیر الوری

زور و زهره ی مرتضی و حیدر خیبر کن است

ص: 230

شیعه و سنی ندانم، دوستم با هر که او

دوست باشد دشمنم آنرا که با او دشمن است

در ماتم آل علی خون همچو دریا بالا می رود

تیغ است وبرسرمیزند دست است وبالا می رود

کوتاه کن انکار را بدعت مگو این کار را

این سوگ آل حیدر است این خون نه بی جا می رود

من سنّیم نامم رضا کلب امام مرتضی

درویش عبدالقادرم، راهم به مولا می رود(1)

ص: 231

1- پارسی گویان کرد، بخش اوّل، ص 76 – 69

5 - مرحوم حاج شیخ عباس قمی«قدس سره»-(ولادت 1254 -وفات 1319 ه.ق)

عباس بن محمد رضا القمی، عالم و دانشمند مشهور، مؤلف اثر سودمند «منتهی الآمال» است. وی به خاطر شدت محبت و علاقه به خاندان نبوت به ویژه حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی | و نیز علی بن ابی طالب علیه السّلام، اقدام به تالیف کتابی در ذکر ولادت و مصائب حضرت سید المرسلین و عترت طیبینش «صلوات الله علیهم اجمعین» و نیز فضایل و مناقب آنان، نموده و آن را «منتهی الآمال» نامید که چهارده باب دارد.

او در ذکر فضایل حضرت علی علیه السّلام می نویسد:

... بدانکه فضایل یا نفسانیه است یا بدنیه و امیرالمؤمنین

صلوات الله علیه اکمل و افضل تمام مردم بود بعد از رسول خدا | در این دو نوع بوجوه عدیده و ما در اینجا بذکر چهارده وجه از آن اکتفا میکنیم و به این عدد شریف تبرک می جوئیم.

ص: 232

وجه اول: اول آن که آن جناب جهادش در راه خدا زیادتر و بلایش عظیم تر بود از تمامی مردم.

وجه دوم: آنکه امیرالمؤمنین علیه السّلام اعلم و داناترین مردم بود؛

وجه سوم: از وجوهیکه دلالت بر فضیلت و برتری آن حضرت میکند؛ چیزی است که از آیه ی تطهیر و آیه ی وافی هدایه ی مباهله استفاده شده است؛

وجه چهارم: کثرت جود و سخاوت آن جناب است؛

وجه پنجم: کثرت زهد امیرالمؤمنین علیه السّلام است و شکی نیست که ازهد مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله آن حضرت بود و تمام زاهدین روی اخلاص به او دارند؛

وجه ششم: آنکه آن حضرت اعبد مردم و سید عابدین و مصباح متهجدین بود؛.

وجه هفتم: آنکه آن حضرت صلی الله علیه وآله حلم مردم وعفوکننده ترین مردمان بود؛

وجه هشتم: حُسن خلق وشکوفه روئی آن حضرت است؛

وجه نهم: آنکه آن حضرت اسبق ناس بود در ایمان به خدا ورسول خداصلی الله علیه وآله

وجه دهم: آنکه آن حضرت افصح فصحاء بود؛

وجه یازدهم: معجزات باهرات آن جناب است:

1 – شجاعت؛ 2- قوت؛ 3- کشتن پانصد و به قولی نهصد کس در لیله الهریر؛ 4- فصاحت؛ 5- انقیاد حیوانات و جنیان و...

وجه دوازدهم: اخبار آن حضرت از اخبار غیبیه؛

وجه سیزدهم: استجابت دعوات آن حضرت؛

وجه چهاردهم: اختصاص آن حضرت است به فضیلت نصرت و یاری کردن حضرت رسول | چنانچه حق تعالی فرمود: {فانّ الله هو مولاه و جبریل و صالح المؤمنین }(1)

1- منتهی الآمال، ثقه المحدثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی، ج 1، ص 278- 319

6 - صفای اصفهانی (ولادت بین 1252 و 1263، فوت 1322 هجری – قمری)

محمد حسین شاعر و عارف ایرانی است. وی در آغاز جوانی از زادگاه خویش اصفهان به تهران رهسپار گردید و پس از چندی همراه مؤتمن السلطنه وزیر خراسان به مشهد رفت. صفا تا پایان عمر تأهل اختیار نکرد و مجرد میزیست. در اواخر عمر مدتی رنجور بود و به مرض ذات الریه درگذشت. پس از مرگ جنازه او را در مدرسه ملا تاج مشهد به خاک سپردند. وی در حکمت و عرفان دست داشت. غزلهای او حاکی از افکار عالی فلسفی و عرفانی است. (1)

صفا در وصف شاه خیبر علیه السّلام می گوید:

ماند به راستی خم ابرویش

تیغ کج مبارز صفین را

دست خدا که با علی مکان زد

امر و ولایش خیمه تکوین را

جز مکب و جز حقیقت مثمر

عرش برین و عقل نخستین را(2)

ص: 235

1- فرهنگ فارسی دکتر معین، ج 5، ص 1000.
2- دیوان اشعار حکیم صفای اصفهانی، ص 12 -- 9.

7 - ملا معروف کوکه ای (ولادت 1253 – وفات 1324هجری – قمری)

ملا معروف کوکه ای متخلص به شاعر مکی از علماء و مدرسین و ادیبی فرزانه و شاعری نام آور بوده و به فارسی و کردی و عربی شعر سروده است.

ملا معروف در سال 1253 قمری در یکی از قراء حومه مهاباد متولد شد و در مدرسه ذریه ترجان و سردار آباد به تحصیل مشغول شد و پس از طی هفتاد و یک سال عمر در شهر مهاباد در نوزدهم رمضان 1324 بدرود حیات گفت.(1)

ملا معروف در تعریف عید غدیر و معنی لافتی الا علی میگوید:

رفتم به گلزار ادب وقت سحر دیدم گلی

میخواند با شوق و طرب بر شاخه آن بلبلی

که کرده گوش ساکنان گنبد سبع الطباق

آواز من کنت مولاه فمولاه علی

یا ایها الناس اذکرو ما قیل فی تعریفهم

لاسیف الا ذوالفقار لافتی الا علی(2)

ص: 236

1- پارسی گویان کرد، گلزار شاعران کردستان، ص 248
2- پارسی گویان کرد، بخش سوم، ص 37 و 36

8 - میرزا حبیب خراسانی (ولادت 1266 – وفات1327هجری – قمری)

حبیب خراسانی بن حاج میرزا هاشم بن میرزا هدایت الله بن میرزا مهدی خراسانی شهید، عالم و شاعر خراسانی است وی پس از طی دوره کودکی در دامان علم و ادب و فضل تربیت یافت و سرآمد اقران گردید و صاحب ملکات فاضله بود و از عرفان وقوفی تام داشت.

دیوان کامل اشعارش به طبع رسیده، و غزلیات وی شور و حالی مخصوص دارد.

میرزا حبیب در ستایش شاه دین امیر المؤمنین علی علیه السّلام می گوید:

می از شعاع برآورده چون امیر شجاع

بکین دشمن ناهل دشنه خونخوار

تهمتنی که بیک شعله برق خنجر او

برآرد از دل صد خرمن نفاق شرار

تمهتنی که کشد نوک خنجر دو سرش

چو ذوالفقار دو سر کیفر از دل کفار(1)

ص: 237

1- دیوان حاج میرزا حبیب خراسانی، ص 271 – 264

9 - محمد تقی بهار (ولادت 1266 ه-.ق – وفات1330 هجری- شمسی)

محمد تقی بهار، شاعر معاصر، در سال 1266 ه-.ق در مشهد به دنیا آمد. او نزد پدر، شعر و فنون ادب را آموخت و پس از مرگ پدرش محمد کاظم صبوری، به فرمان مظفر الدین شاه، عنوان ملک الشعرائی به او واگذار شد. وی در عین حال شاعر، محقق، نویسنده و استاد دانشگاه، روزنامه نگار و مرد سیاست بود. پس از کودتای 1299، زبان پهلوی آموخت و در کتب نظم و نثر فارسی به تحقیق و تتبع پرداخت. بهار همواره در ستایش آزادی و مبارزه با جهل و فساد قلم زد، تا اینکه در اردیبهشت ماه 1330 بر اثر بیماری دار فانی را وداع گفت.

آثار:

1- تاریخ احزاب سیاسی؛ 2- سبک شناسی یا تاریخ تطور نظم فارسی؛ 3- مقالات و نوشتههای پراکنده ی بهار؛ 4- تصحیح تاریخ بلعمی، تاریخ سیستان، مجمل و القصص و جوامع التواریخ الحکایات عوفی؛ 5- دیوان اشعاردر دو جلد.

این شاعر علامه در ذکر واقعه ی غدیر خم، چنین میگوید:

آن که اندر نیمه شب به جای پیغمبربخفت

تا تن خود را به

تیر خصم اسپر کند

جز صفات داوری در وی نیابد یک صفت

آنکه عقل خویش را بر خویشتن داور کند

داورش خوانده ولی واحمدش خوانده وصی

هم وصایت، هم ولایت زاحمد و داورکند

ص: 238

در غدیر خم خطاب آمد زحق بر مصطفی

تا علی را او ولی بر مهتر و کهتر کند

تا رساند بر خلایق مصطفی امر خدای

از جهاز اشتران از بهر خود منبر کند(1)

1- دیوان اشعار محمد تقی بهار، ج1؛ ص92- 93

10 - ادیب الممالک فراهانی (ولادت 1277 – وفات 1336هجری قمری)

میرزا محمد صادق امیری مشهور به ادیب الممالک فراهانی، صاحب دیوان ومنشآت از شاعران و نویسندگان نامی اواخر دوره قاجاریه یا دوره بیداری و استقرار مشروطیت در ایران است. وی در سال 1277 هجری قمری در قریه کارزان از توابع شهرستان اراک متولد شد. پس از مدتی لقب امیر الشعرائی گرفت و در اواخر سال 1313 هجری از طرف مظفرالدین شاه قاجار لقب ادیب الممالک گرفت. در سال 1336 هجری در پنجاه و هشت سالگی در تهران زندگی را بدرود گفت.(1)

ادیب الممالک در یکی از اشعار خود آورده است:

علی نمود مصفا جمال علم یقین را

پرده ز رخسار ناز شاهد دین را

علی ز تیغ شرر بار و منطق گهرآگین

گسست عروه کفر و بیت و حبل متین را

نمود نصرت پیشینیان ز غیب و لیکن

رفیق شد بعلن پیشوای باز پسین را

اگر نه ساقی کوثر علی شدی نچشیدی

خیش از دم شمشیر خصم ماء معین را(2)

ص: 240

1- شاعران بزرگ ایران، ص 536 – 531
2- دیوان کامل ادیب الممالک فراهانی قائم مقامی، ص 29 – 28

11 - ایرج میرزا (ولادت 1291- وفات 1342 هجری قمری)

ایرج میرزا، جلال الممالک، فرزند غلامحسین میرزا، در سال 1291 ه-.ق در تبریز بدنیا آمد.

در همان شهر ادبیات فارسی و عربی را آموخت و به مقدمات زبان فرانسه آشنا شده و مورد تشویق حسن علیخان امیر نظام گروسی قرار گرفت. وی در آغاز جوانی ملقب به صدر الشعرا گردید و چندی در خدمت حاج میرزا علی خان امین الدوله به شغل ترسل اشتغال داشت.

وی در سال 1342ه-.ق چشم از جهان فرو بست. طبع این شاعر موفق متمایل به هزل بود.

ایرج میرزا در مدح حضرت علی علیه السّلام می گوید:

خوش آنکه او را در دل بود، ولای علی

که هست باعث رحمت به دنیی و عقبی

خوش آنکه او را در دل بود، ولای علی

که هست باعث رحمت به دنیی و عقبی

پناه شاه وگدا، ملجا وضیع وشریف

ملاذ پیرو جوان، مهرب فقیر وغنی(1)

1- رایحهی لطف، ص 20 – 21.

12 - عارف قزوینی (ولادت 1300- وفات 1352 ه.ق)

عارف، شهرت و تخلص ابوالقاسم قزوینی شاعرآزادیخواه ایرانی است که به دلیل غزلیات و تصنیف های سیاسی حوادث زمان خود معروف است. وی در قزوین متولد شده و در همانجا نشو و نمو یافت. اواخر عمر را در تنگدستی در همدان گذرانید و در همان جا درگذشت و در جوار مقبره ی ابو علی سینا مدفون شده است. آواز خوشی داشت و خط نیکو می نوشت. (1)

عارف در مدح علی علیه السّلام میگوید:

سلام اول ما به رسول خالق اکبر

دوم به ساقی کوثر(2)سوم شفیعه ی محشر

سلام چارم و پنجم به مجتبی و شه دین

یکی شهید به زهر دگر زنیزه و خنجر(3)

ص: 242

1- آثار منتشر نشده عارف قزوینی، دکتر عبد الحسین زرین کوب، ص26
2- ساقی کوثر علی علیه السّلام است.
3- همان، ص 26.

13 - علامه اقبال لاهوری (ولادت 1289 – وفات 1357 هجری قمری)

محمد اقبال لاهوری، شاعر متفکر و سیاستمدار معاصر پاکستانی، آخرین شاعر بزرگ فارسی گوی در شبه قاره ی هندوستان است.

وی بر همه ی استادان مقدم بر خود در آن سامان سبقت گرفته است. تحصیلات وی در آلمان و انگلستان انجام گرفت و بعد با سرمایه ی علمی که از غرب بدست آورده، سرمایه ی فرهنگ اسلامی خود را به میزان بسیار افزود و به این سبب از آثارش نشانههای ایمان خالص به وضوح آشکار است. اقبال از پیشروان و اصلاح طلبان بزرگ مسلمان هند و از بانیان کشور پاکستان شمرده می شود. علاوه بر این وی از منادیان بزرگ وحدت امت اسلامی در روزگار معاصر ما به شمار میآید.عمق اندیشه های

او بسیار و قدرتش برای بیان افکارعمیق، شایسته ی تحسین است.آثار او در مجموعه هایی به نام های «پیام مشرق»، «زبور عجم»، «اسرار و رموز بیخوری»، «ارمغان حجاز» و «جاوید نامه» و... مکرر به چاپ رسیده است.

وی در وصف شاه ولایت می گوید:

مسلم اول شه مردان علی

عشق را سرمایه ی ایمان علی

از ولای دودمانش زنده ام

در جهان مثل گهر تابنده ام

نرگسم وارفته ی نظاره ام

خیابانش چو بوم آواره ام

ص: 243

زمزم جوشیده زخاک من از اوست

می اگر ریزد زتاک من از اوست

خاکم و از مهر او آئینه ام

میتوان دیدن نوا در سینه ام

از رخ او فال پیغمبر گرفت

ملت حق از شکوهش فر گرفت

قوت دین مبین فرموده اش

کائنات آئین پذیر از دوده اش

مرسل حق کرد نامش بو تراب

حق یدالله خواند در ام الکتاب

هر که دانای رموز زندگیست

سر اسمای علی داند که چیست؟(1)

1- کلیات اقبال لاهوری، ص 114- 117

14 - علامه سید جعفر مرتضی عاملی (1365 هجری- قمری)

استاد علامه سید جعفر مرتضی عاملی نیز همچون دیگر همقطاران نویسنده و شاعر خود کلام با ارزش خویش را با آوردن نام و صفات بی همتای حضرت علی علیه السّلام مزین نموده و میآورد:

مشهور و معروف است که امام علی علیه السّلام روز جمعه سیزدهم رجب در درون خانهی کعبه بدنیا آمد و خداوند متعال این فضیلت را به او اختصاص داد، نه پیش از او کسی در داخل کعبه بدنیا آمد و نه پس از او. شمار انبوهی از دانشمندان، راویان، ومحدثان بر این نکته تاکید کرده اند، ادیبان و شاعران درباره ی آن شعر سروده اند. این مطلب در کتابهای شیعه وسنی به صورت مستفیض آمده است. چنان که حاکم نیشابوری و گروهی دیگر گفتهاند: اخبار متواتر است که فاطمه بنت اسد، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب - کرم الله وجهه- را در درون خانه ی کعبه بدنیا آورد.(1)

1- الصحیح من سیره النبی الاعظم، ترجمه دکترمهدی سپهری، ج1، ص235

15 - ملا محمود متخلص به بیخود (ولادت 1296 – وفات 1376 ه.-ق)

شاعر عاشق ودلسوخته ی رسول اکرم| و خاندان مطهر او، ملا محمود فرزند مفتی حاج ملا امین از عارفان مشهور کرد است، وی در سال 1296 ه.-ق در شهر سلیمانیه عراق متولد شد. در سال 1900 میلادی حاکم شهر حلبچه سپس درکسوت مفتی سلیمانیه سالها مشغول انجام

خدمت به مسلمانان بوده است. وی دارای اشعاری به زبانهای فارسی، عربی و کردی است.

ماموستا بیخود در سال 1376 ه.-ق دعوت حق را لبیک گفته است.(1)

بیخود در مدح و منقبت علی علیه السّلام می گوید:

هان برآمد نائب چارم مه پرتوفشان

از افق یعنی ز برج خاطر خضرای من

افسر آرای خلافت آنکه تخم مهراو

کاشت دهقان ازل در سینه ی بیداری من

شیر یزدان فاتح خیبرهژبر صف شکن

یکه تاز عرصه ی دین عترت طاهای من

ذوالفقار شیر او نازم که در روز وغی

می نگردد سیر ازخون خوردن اعدای من

نام سبطین شهیدانت چوآرم برزبان

می چکد خون خموشی از لب گویای من(2)

1- تولای علی علیه السّلام درادب وفرهنگ شعراء وعرفای کرد اهل سنت، هادی درویشی، ص 182- 183
2- همان، ص 184 - 185

16 - مهدی الهی قمشه ای (ولادت 1320- وفات1392 هجری قمری)

مهدی الهی قمشه ای متخلص به الهی فرزند ابوالحسن، در قمشه ی شهرضا پا به عرصه ی وجود نهاد. علوم مقدماتی را در آن شهر فرا گرفت.

الهی برای تکمیل تحصیل به اصفهان رفت و علوم متداوله از فقه و اصول و منطق و کلام را نزد اساتید آن سامان آموخت، آنگاه برای تکمیل فلسفه و حکمت به خراسان شتافت. و از محضر آقا بزرگ مشهدی و آقا شیخ اسد الله کسب فیض کرد. الهی سالها در تهران به سمت استاد عربی در دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران و نیز استاد فلسفه در دانشکده ی معقول و منقول به تدریس اشتغال ورزید و در دوازدهم ربیع الثانی سال 1392 برابر با بیست و پنجم اردیبهشت سال 1352 ه-.ش بدرود حیات گفت.

آثار او:

1- رساله ای درفلسفه ی کلی؛ 2- شرح رساله ی حکیم فارابی؛ 3- رساله ای در سیروسلوک؛ 4- حاشیه ای بر مبدأ و معاد؛ 5- ترجمه ی قرآن مجید؛

ص: 247

6- حکمت الهی در 2 جلد؛ 7- تصحیح و تحشیه ی تفسیر ابوالفتح رازی؛ 8- دیوان اشعار؛ 9- نغمهی عشاق؛ 10- نغمه ی حسینی؛ 11- نغمه ی الهی

حکیم الهی قمشه ای در وصف علی علیه السّلام چنین می سراید:

صبحدم به طرف باغ ای صبا چو بگذری

بگذر از دیار دل سوی زلف چنبری

حال مرغ دل بگو در کمند آرزو

تا گشاید آن نکو چین ز زلف چنبری

شیرحق، امیر دین، شاه بی نظیردین

خسرو وسریردین، ماه مهرومهتری (1)

1- دیوان حکیم الهی قمشه ای، ص 349

17 - عالم آرای صفوی

صاحب عالم آرای صفوی مشخص نیست، اما آنچه بر ما معلوم است، این است که این کتاب ارزشمند درباره ی عهد صفویه و احوال آن دوران و تنی چند از پادشاهان و حکمرانان عصر صفویه بوده و مؤلف آن در آن عصر روزگار میگذرانیده است.

مصنف عالم آرای صفوی می آورد:

... شاهزاده گفت: با حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام در سخن بودم و آنچه شنیده بود بگفت. او گفت: قربانت شوم حضرت در نزد من بود در عالم روحانی و سفارش شما را به من کرد. و آمدم پای شما را بوسه دهم تامرا حلال کنی.(1)

1- عالم آرای صفوی، ص 43

18 - مختاری همدانی

مختاری همدانی در وصف علی علیه السّلام میگوید:

علی گویم، علی جویم ز جانم

سرایم داستانها با توانم

علی دین نبی را ره ز ایمان

یگانه مسلم و اول بیانم

علی سردار نامی پیمبر

دلاور با خرد، یاور گمانم

علی مرد سخن، بحر حقیقت

زدل مستانه گویم که دانم

علی سلطان و با درایت

جوانمرد وسخی جان کلامم

علی صاحب کمال وعقل و منطق

ثنای او بود ورد زبانم

علی اعلا، علی صاحب کلام است که مختار از علی

شیرین زبانم(1)

ص: 250

1- کلیات دیوان مختاری همدانی، ص 93

19 - مسیح کاشانی – عصر صفویه

رکن الدین، مسعود ابن نظام الدین علی، از شاعران بنام دوران صفویه است.

از تاریخ ولادت و وفات این شاعر اطلاعات زیادی در دست نیست، امّا از قرار معلوم اجدادش شیرازی الاصل بوده و سپس از آنجا به کاشان رفته اند.(1)

مسیح کاشانی در مدح حضرت علی علیه السّلام می گوید:

کجا خیال رخ یار در نظر گنجد

کجا به دید ه ی خفاش مهر در گنجد

شه سریر ولایت، علی که نور رخش

عجب که در نظرآفتاب در گنجد(2)

1- لغت نامه ی دهخدا، ج 12، ص 18468
2- شرح احوال، بررسی آثار و گزیده ی اشعار مسیح کاشانی، ص 48

20 - «جیمز داون »

جیمز داون محقق و مستشرق برجسته و مؤلف کتاب «عارف دیهیم دار» کتاب گرانسنگ خود را با ذکر نام ابولحسن، علی علیه السّلام آراسته کرده و میگوید:

یک روز بعد از این که شاه اسماعیل وارد تبریز گردید واقعه ای در آن شهر اتفاق افتاد که امروز شاید بدون اهمیت جلوه کند ولی در آن تاریخ با توجه به طرز فکر و روحیه مردم خیلی اهمیت داشت. واقعه مذکور این بود که در آن روز چند مؤذن هنگام نماز ظهر در مساجد اذان می گفتند

و نام علی بن ابیطالب علیه السّلام امام اول شیعیان را بر زبان می آوردند. از پانصد و بیست و هشت سال قبل از آن تاریخ تا آن روز هیچ کس در تبریز نام علی علیه السّلام را در اذان نشنیده بود.(1)

1- عارف دیهیم دار، جیمز داون، ج1، ص 166

21 - رینولد نیکلسون-Reynold-Nicholson (ولادت 1868 – وفات 1945میلادی)

رینولد نیکلسون، دانشمند و مستشرق انگلیسی است. پدر و اجدادش از علماء بودند. وی بیشتر زبان های شرقی را نزد جدش فرا گرفت. تحصیلات خود را در ادبیات یونانی تکمیل کرد و از ابتدای کار نظرش این بود که در مورد ادبیات و تمدن اسلامی تحقیق نماید. وی در این باره از ادوارد براون اطلاعات جامعی بدست آورد و او را به افکار و نوشته های عارفان آشنا ساخت و دیری نپائید که نیکلسون نخستین اثر خود را به نام «منتخب اشعارشمس تبریزی» منتشر ساخت. نیکلسون ابتدا در دانشگاه لندن به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. وی درسال 1093 به استادی زبان در کمبریج انتخاب و مشغول تدریس گردید.

پس از مرگ ادوارد براون کرسی وی را بدست آورد. بزرگترین شاهکار و خدمت این دانشمند به ادبیات ایران زمین، تصحیح و ترجمه ی مثنوی مولانا جلال الدین رومی است که متعاقب آن کتاب دیگری به نام «شرح مثنوی» انتشار داد.

آثار:

1- تذکره الاولیاء شیخ عطار؛ 2- تحقیقات درباره ی تصوف اسلامی؛ 3- تحقیقات درباره ی شعر اسلامی؛ 4- معنی شخصیت درتصوف؛5 - عرفای

ص: 253

اسلام؛ 6- تاریخ ادبیات عرب؛ 7- شعر و نثر شرقی که حاوی ترجمه ی اشعار ابوسعید ابوالخیر، انوری، عطار، فردوسی، جلال الدین رومی، سعدی، عنصری، حافظ، دقیقی و رودکی.

رینولد نیکلسون در کتاب خود تاریخ ادبیات عرب این گونه از علی علیه السّلام یاد می کند:

علی علیه السّلام تمام فضایل را داشت: با انرژی بودن، قدرت تصمیم گیری و آینده نگری و سلحشوری دلاور، مشاوری دانا، دشمنی کریم، ودوستی حقیقی بود. او در شعر و فصاحت مهارت داشت. روح لطیف و عالی او با «مونتروز»(1) و «بایارد»(2) قابل مقایسه است.(3)

ص: 254

1- مونتروز از پهلوانان و شجاعان اسکاتلندی است.
2- بایارد از قهرمانان و پهلوانان فرانسوی است.
3- تاریخ ادبیات عرب، رینولد نیکلسون، ترجمه ی؛ کیوان دخت کیوانی، ص204

22 - الهامی کرمانشاهی (ولادت 1264 – وفات 1325ه-. ش)

مرحوم میرزا احمد کرمانشاهی فرزند آقا رستم در سال 1264 ه-.ش در خانواده معتقد و مذهبی در تویسرکان (همدان) چشم به جهان می گشود. در پنج سالگی به همراه خانواده خود به کرمانشاه مهاجرت کرد.

ابتدا ملول تخلص میکرده سپس به سفارش استادش حسین قلی خان سلطانی کلهر مبدل به «الهام» می شود.

الهام سرودن مثنوی عظیم و با شکوه «باغ فردوس» را در سال 1295 ه-.ش آغاز و به مدت هفت سال مثنوی را از آغاز حرکت ابا عبدالله علیه السّلام تا شهادت مختار در قالب سی هزار بیت و به سال 1302 ه-.. ق به پایان میبرد و پس از

آن خود مثنوی را به شانزده هزار بیت تقلیل میدهد.

فردوسی شاه کربلا یعنی الهامی کرمانشاهی در سال 1325 ه-. ش جان به جان آفرین تسلیم کرد.(1)

1- شاهد نامه در وزن شاهنامه، الهام کرمانشاهی صفحه 7-8

کرمانشاهی در منقبت شاه ولایت امیرالمؤمنین علیه السّلام می گوید:

مرا داد یزدان از آن رو شرف

که گردم ثنا سنج شاه نجف

علی آن شهنشاه یزدان پرست

که باشد پرستنده اش هرچه هست

قوی دست حق پاک نفس رسول

شه دین و فرخنده شوی بتول

همین بس خدای جهان را سپاس

که او را علی بنده ی حق شناس

همین بس رسول خدا را درود

که حیدرش فرخنده داماد بود (1)

همین بس رسول خدا را درود که حیدرش فرخنده داماد بود (2)

ص: 256

1- همان، صفحه 13
2- همان، صفحه 13

بخش سوم :شاعران و نویسندگان معاصر

اشاره

ص: 257

1 - نیما یوشیج (ولادت 1276 – وفات 1338ه-.ش)

علی اسفندیاری در سال 1276 ه-.ش در یوش مازندران به دنیا آمد. خواندن و نوشتن را نزد آخوند ده آموخت. زبان فرانسه را در مدرسه «سن لوئی» یاد گرفت و این باعث آشنایی بیشتر او با ادبیات اروپا شد. در سال 1309 به آستارا عزیمت کرد و در آنجا مشغول تدریس شد. در سال 1311 به تهران آمد و در 1318 به عضو هیئت تحریریه مجلهی «موسیقی» انتخاب شد. وی در دی ماه سال1338 در تهران بدرود حیات گفت.

آثار:

1- قصه ی رنگ پریده؛ 2- افسانه؛ 3- خانواده سرباز؛ 4- دو نامه ی مانلی؛

5- ارزش احساسات؛ 6- ناقوس؛ 7- شهر شب؛ 8- قلم انداز؛ 9 - دنیا خانه ی من است.(1)

1- شعر معاصر ایران، از بهار تا شهریار، ج 2، حسنعلی محمدی، ص383 – 385

وی در سال 1316 موفق به کشف شکل تازه ای در شعر فارسی میشود که این شیوه به کلی با شعر قدیم فرق دارد و با نگرشی که در شیوه و شکل آن پدید آورد به پدر «شعر نو» ملقب گردید.(1)

نیما در منقبت اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب علیه السّلام می گوید:

گفتی ثنای شاه ولایت نکرده ام

بیرون زهر ستایش و حد ثنا علی است

چونش ثنا کنم که ثنا کرده خداست

هر چند چون غلات نگویم خدا علیست

شاهان بسی به حوصله دارند متبت

گر بگذری ز مرتبه کبر یای حق

گر بیخودم و گر به خودانیم شناس بس در هر مقام برلبم آوای یا علی است(2)

ص: 260

1- زندگینامه ی شاعران ایران، لیلا صوفی، ص217

2- آیینه آفتاب، آوای یا علی، ص 401

2 - عباس اقبال آشتیانی (ولادت 1277 – وفات 1334هجری – شمسی)

عباس اقبال آشتیانی، فرزند محمد علی در سال 1277 هجری – شمسی در آشتیان به دنیا آمد.

در سال 1328 برای ادامه تحصیل به تهران آمد. پس از فراغت از تحصیل در کتابخانه عمومی معارف به کار مشغول شد و همزمان در مدرسه دارالفنون زبان فارسی تدریس میکرد. در سال 1304 شمسی به پاریس رفت و موفق به اخذ لیسانس ادبیات از دانشگاه سوربن شد. پس از بازگشت به وطن به سمت استادی دانشکده ادبیات انتخاب شد. وی از اعضاء دائمی فرهنگستان ایران بود. وی در سال 1334 در 57 سالگی در فقر و تنگدستی بدرود حیات گفت.

آثار:

1- تاریخ اکتشافات جغرافیائی؛ 2- تاریخ ایران؛ 3- خدمات ایرانیان به تمدن عالم. (1)

ص: 261

1- زندگینامه ی مشهورترین نوبسندگان و شاعران، زهرا رضائی، ص 16 و 15

عباس اقبال در تاریخ خود می نویسد:

یاقوت (حموی) در سال 612 در دمشق مقام کرد و چون میلی با آراء خوارج داشت و مثل ایشان از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب بخوبی نام نمیبرد، مردم آنجا بدو شوریدند و می خواستند او را به قتل برسانند.(1)

1- تاریخ مغول، عباس آشتیانی، ص 480

3 - رهی معیری (ولادت 1288- وفات 1347 هجری شمسی)

محمد حسین رهی معیری، متخلص به رهی از غزل سرایان نامی معاصر ایران است.

وی در سال 1288ه-.ش در تهران متولد شد. در وزارت اقتصاد مشغول به کار شد و پس از بازنشستگی به خدمت کتابخانه ی سلطنتی درآمد. از شعرای بزرگ که بر طبع و ذوق رهی اثری محسوس بر جای گذاشتهاند، میتوان از سعدی، مولوی و حافظ نام برد.

در ادبیات انتقادی معاصر، فکاهیات رهی که با امضای زاغچه و شاه پریون منتشر شده اند، قابل تعمق و ارزشمند هستند. رهی در نقاشی و موسیقی نیز مهارت و تبحر خاصی داشت.

دیوان اشعارش به نام: «سایه ی عمر» منتشر شده است.

رهی درسال 1347ه-.ش در 59 سالگی، در تهران در گذشت.

رهی در مدح علی بن ابی طالب علیه السّلام می گوید:

به مجلس اندر خلیفه ی دادار

امیر خندق و صفین علی، که چرخ بلند

میان به طاعت او تنگ بسته جوزا وار

شهی که ماه به فرمان او بود تابان

مهی که چرخ به تایید او بود دوار(1)

ص: 263

1- آزاده، مجموعه ی شعر، رهی معیری، ص4- 8

4 - مجید اوحدی (ولادت 1290 – وفات 1354 خورشیدی)

یکتا در اسفند 1290 خورشیدی برابر با 28 صفر 1330 هجری – قمری در خانه ای که همه اهل شعر و ادب بودند در اصفهان زاده شد. وی به فن موسیقی عشق و علاقه ای فراوان داشت.

عبدالمجید اوحدی یکتا بامداد روز دوازدهم شهریور ماه 1354 خورشیدی چشم از جهان فروبست. پیکر او در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

آثار:

1- رساله ای در فن موسیقی با نام گنج عروس؛ 2- شرح احوال و آثار صائب؛ 3 - تذکره شعرای قرن چهاردهم هجری؛ 4 - رساله انجمنهای ادبی اصفهان؛ 5- تاریخ آل سلجوق» (1)

یکتا در تهنیت مولود شاه سریرلافتی علی مرتضی علیه السّلام می گوید:

مژده ای دل که طلوع آمده و ماه رجب است

موسم شادی و هنگام سرور و طرب است

از شهور دگر این ماه از آن شد ممتاز

که مزّین به قدوم شه والانسب است

علی علیه السّلام عالی اعلی شه

اقلیم وجود آنکه بر خلقت کونین وجودش سبب است

خسرو کشور اسلامی، ولی بر حق

که بر حق از همه افراد بشر منتخب است

در مقامی که علی علیه السّلام معرفت آموز بود

عیسی مریم سرگرم صلیب و سلب است(2)

1- برگزیده دیوان مجید اوحدی (یکتا)، ص 17- 11
2- همان، ص 50

5 – دکتر علی شریعتی (تولد 1312 – وفات 1356ه-.ش)

دکتر علی شریعتی اندیشمند و نویسنده انقلاب در روستای مزینان نزدیک مشهد متولد شد. پدرش محمد تقی از اولین معلمان او بود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در مشهد به پایان رسانید، سپس وارد دانشسرای تربیت معلم شد. در 18 سالگی در یکی از روستاها به معلمی مشغول شد. وی چندی بعد وارد دانشگاه مشهد شد. در سال 1332 در رشته ی زبان و ادبیات فارسی لیسانس گرفت.

دکتر شریعتی در سال 1338 با استفاده از بورس تحصیلی از دانشگاه مشهد به دانشگاه سوربن فرانسه رفت و در سال 1343 در رشته ی زبان شناسی تطبیقی به درجه ی دکترا نائل آمد. وی در فرانسه مطالعات خود را در زمینه ی تاریخ، ادبیات، جامعه شناسی و فلسفه گسترش داد و صاحب اندیشه های نوین شد. او در مدت پنج سال - که در فرانسه بود - با اندیشمندان بزرگی چون: ژان پل سارتر، ژان برگ ولوئی ماسینیون آشنا شد. شریعتی با آمیزش اندیشه های اسلامی-ایرانی خود با اندیشههای نوین دارای طرز تفکر خاصی شد که از آثارش هویدا است. وی از اعضای فعال نهضت آزادی ایران بود که در سال 1342 به آن پیوست. در سال 1344 در جریان کنگره ی جبهه ی ملی در شهر (ویس بادن)، آلمان به عنوان سردبیر روزنامه «ایران آزاد» انتخاب شد. پس از بازگشت به ایران در دبیرستانهای مشهد وبعد از مدتی در دانشگاه مشهد به تدریس پرداخت. در

سال 1344 به سبب سخنرانیهایش در حسینیهی ارشاد، درباره ی تاریخ اسلام، جامعه شناسی و اسلام شناسی با استقبال بی نظیری مواجه گردید. وی به مدت 18 ماه و تا سال 1354 در زندان ساواک بود و بعد از آزادی، دو سال تحت نظر بود. سر انجام در 26 اردیبهشت 1356 با گذر نامه ی معمولی به نام علی مزینانی از ایران گریخت و در صبح روز 29 خرداد، در اثر حمله ی قلبی در شهر لندن به طرز مشکوکی درگذشت.

دکترشریعتی در کتاب علی علیه السّلام، حقیقتی بر گونه ی اساطیر، مینویسد:

... اما این امامی است از آن گونه که باید باشد و نیست ولی در تاریخ یک نمونه هست و علی نه تنها، علی امام است و در طول تاریخ هیچ شخصیتی باز این امتیاز را نداشته که یک خانواده امام است! یک خانواده امام است! یعنی خانواده ی اساطیری است. خانواده ای که پدر علی علیه السّلام است، مادر زهرا علیهاالسّلام است، پسر آن خانواده حسین علیه السّلام و دختر آن خانواده زینب علیهاالسّلام است.(1)

ص: 266

1- علی علیه السّلام، حقیقتی برگونه ی اساطیر، ص 63

6 – استاد شهید مرتضی مطهری (ولادت 1299 – شهادت 1358 هجری شمسی)

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در فریمان واقع در خراسان چشم به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات مقدماتی در سال 1311 به قصد ادامه ی تحصیل و فراگیری علوم اسلامی به مشهد رفت.

او در سال 1316 به حوزه ی علمیه قم رفت و از محضراساتیدی چون: حضرت آیت الله بروجردی، علامه طباطبائی، حضرت امام خمینی و آیت الله محقق بهره ها برد.

ایشان از سال 1334 تا سال 1356 در دانشکده ی الهیات به تدریس پرداخت. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسؤلیت شورای انقلاب را برعهده داشت. استاد در سال 1358 توسط گروه فرقان شهید شد.

آثار:

1- عدل الهی؛ 2- تماشاگه راز؛ 3- جاذبه ودافعه ی علی علیه السّلام؛ 4 - انسان و سرنوشت.

استاد شهید مطهری درباره ی علی علیه السّلام می گوید:

علی از آن نظر محبوب است که پیوند الهی دارد، با حق سر و سرّ و پیوستگی دارد و چون علی را

آیت بزرگ حق و مظهر صفات حق مییابند، به او عشق میورزند، در حقیقت پشتوانه ی عشق علی، پیوند جانها با حضرت حق است که برای همیشه در فطرتها نهاده شده و چون فطرتها جاودانی است، مهرعلی نیز جاودان است. نقطه های روشن در وجود علی بسیار است،اما آنچه برای همیشه او را درخشنده و تابان قرار داده است، ایمان و اخلاص اوست و آن است که به وی جذبه ی الهی داده است.(1)

ص: 268

1- جاذبه و دافعه ی علی علیه السّلام، استاد مرتضی مطهری، ص100-101

7 - جلال الدین همائی (ولادت 1278- وفات 1359هجری – خورشیدی)

جلال الدین همائی متخلص به سنا، فرزند میرزا ابوالقاسم، متخلص به «طرب» و نواده ی همای شیرازی، از محققین و شاعران بزرگ معاصر است. وی در سال 1278 خورشیدی، در اصفهان متولد شد. علوم مقدماتی را نزد عموی خود، میرزا محمد« سها»، فرا گرفت و علوم منقول و معقول و ادبیات عرب و هیات ونجوم را نزد استادان فن مانند: آقا سید محمد باقر درچه ای و آخوند عبد الکریم گزی و... آموخته و به درجه ی اجتهاد رسید.

وی در دوره ی پایانی عمر خود در تهران در مقطع فوق لیسانس و دکترا در دانشکده ی ادبیات و حقوق دانشگاه تهران، به تدریس پرداخت و سپس بازنشسته شد. سرانجام در سال 1359 خورشیدی در تهران زندگی را بدرود گفت.

آثار:

1 - تاریخ ادبیات ایران در پنج مجلد؛ 2- غزالی نامه؛ 3- ولد نامه؛ 4 – رساله ی شعوبیه؛ 5- تاریخ علوم اسلامی؛ 6 – تصحیح کتاب التفهیم؛ 7- تصحیح دیوان عثمان مختاری؛ 8- مولوی چه می گوید.

ص: 269

استاد همائی در مدح ومنقبت مولی الموالی، حضرت مولانا و مقتدانا امیر المؤمنین علی علیه السّلام میگوید:

تا به کی افسانه از دارا و اسکندر کنی

قصه باید از امیر المؤمنین، حیدر کنی

گر حدیث راست می خواهی و گفتار درست

مدح باید از شه دین، حیدر صفدر کنی(1)

ص: 270

1- دیوان سنا، جلد اول، ص163

8 - ریاضی یزدی (وفات 1362 هجری شمسی)

سید محمد علی ریاضی یزدی، فرزند سید ابراهیم یزدی در یزد ولادت یافت. تحصیلات ابتدائی و مقدمات ادبیات را در یزد و علوم دینی را در اصفهان و تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران به پایان رسانید. وی در انواع شعر طبع آزمائی کرده است. منظومه ی: «سلام بر استان یزد»، ازسرودههای شادروان ریاضی یزدی است. ریاضی یزدی در نوروز سال 1362، بر اثر بیماری یرقان بدرود حیات گفت.

ریاضی یزدی در منقبت علی عالی اعلی علیه السّلام، می گوید:

ای ما ورای حد تصور مقام تو

مریم کنیز و عیسی مریم غلام تو

نام خدای جل جلاله علی بود

زین رو علی عالی اعلا است نام تو

در ذوق جان حلاوت وحی خدا دهد

شیوایی خطابه وشهد پیام تو

دون کلام خالق وفوق کلام مخلوق

نهج البلاغه آن ملکوتی کلام تو(1)

ص: 271

1- مناقب علوی در شعر فارسی، احمد احمدی بیرجندی، ص 116 - 117

9 - علی نقی بهروزی (ولادت 1281- وفات 1362 ه-.ش)

علی نقی بهروزی، متخلص به بهروزی فرزند بهروز، در کازرون دیده به جهان گشود. پس از اخذ دیپلم در بوشهر، در شیراز و بوشهر به سمت معلمی انتخاب شد. وی دارای گواهینامه ی زبان انگلیسی ازدانشگاه کمبریج بود. علاوه بر زبان انگلیسی به زبان عربی هم آشنایی داشت. در سال 1305 با روزنامه ی تخت جمشید همکاری کرد و به عضویت هیئت تحریریه ی روزنامه های: «عصر آزادی»، «پیغام» و «پاریس» درآمد. وی عضو انجمن قلم و عضو مشورتی روزنامه ی اطلاعات در استان فارس بود. از سال 1350 تا 1358 درسمت سرپرست کتابخانه ی حافظیه مشغول کار بود.

آثار:

1 - جشن های ایزدی؛ 2-تاریخ اعیاد ملی؛ 3 - سده ی وفات قاآنی؛ 4- شهر شیراز یا خیال هفت رخ کشور؛ 5- لطایف و طرایف ادبی؛ 6- تاریخچه ی شهر شیراز و اماکن تاریخی و .... . ایشان در 14 فروردین 1362 در شیراز درگذشت.

ص: 272

بهروزی کتاب (نوادر تاریخی)، خود را این گونه با ذکر نام مولا علی علیه السّلام می آراید:

... راجع به سحر خیزی و فواید آن چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی و چه از نظر بهداشت و حفظ صحت و چه از لحاظ پیشرفت کارها، سخنان بسیار گفتهاند و موفقیت را

در سحر خیزی دانستهاند و بس. حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرموده است: «باکر تسعد»؛ یعنی سحر خیز باش تا سعادتمند گردی.(1)

1- نوادر تاریخی، علی نقی بهروزی، ص 57

10 - عباس پرویز (تولد 1286 – وفات 1366 هجری شمسی)

عباس پرویز فرزند حسین پرویز، چندی در فرانسه تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در سمت معلمی دبیرستان سالهای زیادی تدریس کرد. وی ازسال 1351 به مدت یک سال در مؤسسه ی انتشارات دانشگاه تهران به ویراستاری مشغول بود.

آثار:

1- تاریخ اروپا در قرون وسطی؛ 2- تاریخ اروپا در قرون هفدهم و هجدهم؛ 3- تاریخ ایران در قرن نوزدهم و بیستم؛ 4- تاریخ دو هزار و پانصد ساله ی ایران؛ 5 - جغرافیای اقتصادی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان؛ 6- فهرست تاریخ ایران.

استاد عباس پرویز می گوید:

چون محمدصلی الله علیه وآله به پیغمبری مبعوث شد، حضرت علی علیه السّلام به روایتی هشت سال و به روایات دیگر ده ویازده سال داشت اما در این مورد هیچ شک و تردیدی نیست که علی علیه السّلام، اول کس بود که تصدیق رسالت حضرت محمد را کرد و در قوام آئین بلیغ اسلام، سعی بلیغ از خود ابراز داشت(1)

1- تاریخ دوهزاروپانصد ساله ی ایران، عباس پرویز، ج1؛ص 306

11 - شهریار (ولادت 1285- وفات 1367هجری شمسی)

سید محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به «شهریار» فرزند سید اسماعیل موسوی معروف به حاج میرزا خشگنابی از وکلای درجه اوّل تبریز و از دانشمندان اهل ادب، در سال 1285 هجری – شمسی در تبریز متولد شد.

ایام کودکی خود را در قراء «سنگول آباد»، «قیش قرشاق» و «خشگناب» به سر برد.

تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خویش شروع کرد و دوره متوسطه را در مدارس «متحده و فیوضات » به پایان برد. در سال 1300 به تهران آمد و دنباله ی تحصیلات خود را در الفنون ادامه داد و در سال 1303 وارد مدرسه طب شد و یک سال قبل از درجه دکترا به خراسان رفت و از ادامه تحصل دست کشید. پس از بازگشت به تهران وارد بانک کشاورزی شد. به موسیقی آشنایی داشت و سه تار مینواخت. وی در شامگاه شنبه 26 شهریور ماه سال 1367 در 73 سالگی دار فانی را وداع گفت. (1)

آثار:

کلیه آثار شهریار در یک مجموعه چهار جلدی به چاپ رسیده است، دیوانهای مختلف او شامل بیست هزار و شصت بیت شعر سنتی و حدود 15 منظومه و شعر آزاد در قالبهای تازه است.

ص: 275

1- شعر معاصر ایران، ص 701 – 700

استاد شهریار در غزلی مشهور و زیبا این گونه زبان به وصف علی علیه السّلام و فضائل او میگشاید:

«علی ای همای رحمت»

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را

که به ما سوا فکندی همه سایه هما را

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین

به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

مگر ای سحاب رحمت تو بباری ار نه دوزخ

به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن

که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من

چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب

که عَلَم کند به عالم شهدای کربلا را

بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب

که عَلَم کند به عالم شهدای کربلا را

چو به دوست عهد بندد زمیان پاکبازان

چو علی که میتواند که به سر بَرَد وفا را؟

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

متحیّرم چه نامم شه ملک لافتی را؟

به دو چشم خونفشانم هِله ای نسیم رحمت

که زکوی او غباری به من آر توتیا را

به امید آن که شاید برسد به خاک پایت

چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را

چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان

که زجان من بگردان رَه آفت قضا را

چه زنم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم؟

که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

زنوای مرغ یا حق، بشنو که در دل شب

غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا(1)

1- زندگینامه شاعران و نویسندگان ایران زمین، ص 203 – 205.

شهریار علاوه بر شعر مشهور «همای رحمت»، این گونه از علی علیه السّلام یاد می کند:

گواه فضل تو آن به که دشمنان باشند

مثل خوش و به مصداق خوشتری هم وصل

گواه فضل تو آن به که دشمنان باشند

مثل خوش و به مصداق خوشتری هم وصل

یکی بگفته شبل الشمّیل بد زندیق

ببین که گفته به وصف علی خطایی فصل

علی است نسخه خردی که شرق و غرب جهان

دگر ندید سوادی از او مطابق اصل(1)

شهریار درجای دیگری میگوید:

طلب کرد او را علی علیه السّلام شاه

مردان نگاهی بدو کرد چو شیر غضبان

کجائی که عمرت بپرد چون بادی

در آن خانه آید غلافاً شدادی

نه حجت پذیرد نه چندین گواهی

به گورت کشاند بخواهی نخواهی(2)

ص: 277

1- کلیات دیوان شهریار، جلد دوم، ص 1050

2- منبع سابق ص 1065

12 - حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سّره (ولادت 1320 - وفات 1368 ه. ش)

سید روح الله، با شهرت ها ی موسو ی خمینی و مصطفو ی، فرزند سیدمصطفی موسو ی و بانو هاجر احمد ی، در 20 جماد ی الثا نی سال 1279 ه .ش درخمین متولد شد و در 14 ماه خرداد سال 1368 ه ش در گذشت . در تهران درجوار بهشت زهراء ؛ در آرامگاه مشقل به خاک سپرده شد . ایشان از فلاسفه ی بزرگ، پیشوایان سیاسی، شعراء و ادباء ، اصو لیون، فقها و مراجع تقلید کم نظیرتاریخ معاصر و نیز جهان اسلام می باشد.

در خمین، حوزه ی علمیه ی اراک و حوزه علمیه ی قم از محضر اسا تیدی همچون میرزا محمود برادرش سید مرتضی پسندیده و حضرات آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائر ی یزدی، ش یخ محمد علی شاه آباد ی، سید حسن بروجرد ی، شیخ علی اکبر یزدی حکمی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و شیخ محمد رضا اصفهانی

به تحص یل علم پرداخت . آن حضرت دار ای اجتهاد مطلق در زم ینه ی فقه و اصول،فلسفه و معارف اسلام ی بوده و در فقاهت، تفس یر قرآن، تدر یس فلسفه و فقه ،

شعر و ادب، و رهبر ی سیاس ی و انقلاب ی مهارت خاصی داشت . از بزرگتر ین کارهای ایشان می توان به رهبری انقلاب اسلامی در ایران به جای نظام شاهنشاهی

اشاره کرد.

آثار

آثار آن حضرت عبارتند از:

1. کشف الاسرار؛

2. کتاب البیع (5جلد)؛

3. ولایت فقیه؛

٤. دیوان اشعار؛

٥. تحریر الوسیله 2 جلد؛

٦. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس؛

7. تعلیقه بر عروه؛

8. توضیح المسائل؛

9. حاشیه بر کفایه؛

10 . تفسیر سوره حمد؛

11 . تقلیقه بر کتاب های فصوص الحکم و مصباح الأنس؛

12 . دوره 21 جلدی صحیفه نور؛

13 . چهل حدیث؛

1٤ . حاشیه بر رساله ارث ملا محمد هاشم خراسانی، تهذیب الاصول.

آن حضرت در مدح امیر المؤمنین علی علیه السّلام می گوید:

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی

از خم دوست جوانم به خم موی علی

طی کنم عرصه ی ملک و ملکوت از پی دوست

یاد آرم به خرابات چو ابروی علی (1)

حضرت امام خمینی در جای دیگری می فرماید:

حضرت امیرعلیه السلام وقت که حکومت یک مملکتی بود که چند ین مقابل ایران بوده، مصر بوده، حجاز بوده، عراق بوده، سور یه بود . عرض کنم یمن بوده همه ی اینها تحت س یطره ی او بود ، م ثل سا یر مردم م ی آمد با مردم می نشست ومعاشرت می کرد. برای اینکه از مردم نمی ترسید. ظلم نکرده بود به مردم تا بترسد

از آنها خدامی نکرده بود که از مردم (بترسد) برای مردم بود؛ مردم او را حامی حکومت قانون است . یعنی قا نون خودشان می دانستند. حکومت امیرالمومنین علیه السلام

آنها را سرکار آورده است:

{أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم }؛

1- دیوان حضرت امام خمینی رحمه الله، ص 311

حکم خداست.

آنها به حکم قانون واجب الاطاعت هستند پس حکم مال قانون است؛ قانون حکومت می کند مملکت اسلامی، غیر قانون هیچ حکومتی ندارد. (1)

ایشان در جای دیگر می گوید:

این بزرگوار ... مظهر اسم جمع اله ی است که دار ای تمام اسماء و صفاتاست؛ تمام اسماء و صفات اله ی در ظهور و بروز ، در د نیا و در عالم، با واسطه یرسول اکرم| در این شخصیت ظهور کرده است. (2)

ص: 281

1- امام علی علیه السّلام از دیدگاه امام خمینی، ص.139- 140
2- سیمای اهل بیت علیه السّلام در عرفان امام خمینی، ص 330

13 - مهرداد اوستا (ولادت 1308- وفات 1370 هجری- شمسی)

محمد رضا رحمانی، مشهور به مهرداد اوستا از شعرای معاصر در سال 1308 در بروجرد متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه به تهران رفت و فعالیتهای ادبی خود را آغازکرد. از دهه ی بیست به انجمنهای ادبی تهران راه یافت و سپس به طبع آزمانی در قلمرو شعر نیمایی پرداخت. منظومه ی «آرش کمانگیر» وی از موفق ترین آثار ادبی او در این زمینه به شمار می رود. در سرایش قصیده شیوه ای استادانه و مستقل داشت که آن را سبک «خراسانی نو» میخوانند. اوستا در هفدهم اردیبهشت ماه 1370 بر اثر سکته ی قلبی درگذشت.

آثار:

1- مقالات ادبی؛ 2- امام حماسه ای دیگر؛ 3- تیرانا؛ 4 – پالیزبان؛ 5- روش تحقیق در دستور زبان فارسی.

اوستا در مدح شیر خدا چنین میگوید:

«افسر ولایت»

چون دل، در معنی از خرد سفت

عشق آمد و مدحت علی گفت

ای گوهر گوهر ولایت

خورشید منور ولایت

ای مهرفروغ بخش اسلام

وی مشعل انور ولایت

ص: 282

ای آیت حق و روح قرآن

وی رایت و افسر ولایت

سلطان سریر عقل و ایمان

وی روح مصور ولایت

مقصود نبی به لافتائی

ممدوح خدا به هل اتائی.(1)

1- درحوالی آفتاب، عزیزالله زیادی، ص 63

14 - دکتر محمد جواد مشکور (قرن سیزدهم هجری شمسی)

دکتر محمد جواد مشکور، پژوهشگر معاصر ایرانی، سال تولدش به درستی معلوم نیست.

دوران تحصیلات خود را در محضر اساتیدی چون: میرزا یدالله نظر پاک، الهی قمشه ای و شیخ محمود شهابی آغاز کرد. وی مقدمات زبانهای سامی را آموخت. در سال 1318 اولین کتاب خود را به نام «کلمات حضرت محمد|» منتشر ساخت. از سال 1324 به همکاری با لغت نامه ی دهخدا دعوت شد. همچنین دانشگاه تبریز از سال 1327، از او دعوت به عمل آورد.

در سال 1336، موفق به اخذ درجه ی دکتری در زمینه ی تاریخ اسلام از دانشگاه «سوربن» شد. پس از بازگشت به تهران، استاد دانشگاه تهران و دانشسرای عالی شد. دکتر مشکور بیش از 48 کتاب و صدها مقاله به زبانهای مختلف، به یادگار گذاشته است.

آثار:

1- ایران در عهد باستان؛ 2- تاریخ شیعه و فرقههای اسلامی؛ 3- تاریخ سیاسی ساسانیان.

ص: 284

استاد مشکور می نویسد:

حکومت علی ابن ابی طالب علیه السّلام وتعلیمات ائمه ی اطهار علیه السّلام، بر مبنای عدالت و مساوات و برابری استوار بود.(1)

1- تاریخ سیاسی ساسانیان، محمد جواد مشکور، ج2، ص1457

15 - ابو القاسم حالت

استاد ابوالقاسم حالت از شاعران برجسته و بلا معارض معاصر کشورمان در وصف مولای متقین حضرت اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه السّلام چنین میگوید:

«جانم فدای علی»

تا زنده ام به جهان گویم ثنای علی

جانم فدای علی، جانم فدای علی

شور و نشاط درون ز اندازه گشته فزون

کافتد زپرده برون امشب لقای علی

برآسمان به یقین نازد، ز فخرزمین

زیرا که چیده چنین بزمی برای علی

گر در علی نگری، بینی به جلوه گری

در قالب بشری، ذات خدای علی

او برتر از بشر است، از طنینی دگر است

پوشیده از نظر است، قدر و بهای علی

ایمان ثمر ندهد، طاعت اثر ندهد

جان از بلا نرهد، جز با ولای علی

سلطان هر دو سراست، صهر رسول خداست

سرمشق اهل وفاست، مهر و وفای علی

من تر زبان شده ام، شیرین بیان شده ام

تا این میان شده ام، مدحت سرای علی

من تر زبان شده ام، شیرین بیان شده ام

تا این میان شده ام، مدحت سرای علی

تا جان روشن من، باقی است در تن من

باشد به گردن من طوق ولای علی

نزدیک شد به خدا، بیگانه شد زخطا

«حالت» هر آنکه چو ما، شد آشنای علی(1)

1- درحوالی آفتاب، ص 140- 141

16 - احمد رضا احمدی «ناصح» (معاصر)

احمد رضا احمدی از شاعران توانا و نیز دلسوختگان و عاشقان خاندان وحی و رسالت به ویژه حضرت علی علیه السّلام است. وی دارای اقسام گوناگون شعرشامل: قصیده، غزل، رباعی و دوبیتیهای زیبا و غرا در وصف شاه سریر ولایت، علی علیه السّلام است.

از آثار او میتوان به کتاب «عشق شیعه» اشاره نمود.

ناصح در نعت امام المتقین علی علیه السّلام آورده است:

«سال علی علیه السّلام»

زنده شد هستی به اقبال علی

آفرین برقرعه ی فال علی علیه السّلام

از ازل پرگار هستی می رود

تا ابد بر محورخال علی علیه السّلام

شور بلبل هیچ میدانی زچیست

زآنکه دارد وصف احوال علی علیه السّلام

می ستایم عاشقانه روز و شب

عترت پیغمبر و آل علی علیه السّلام

عرش و فرش و کرسی و لوح و قلم

مات و مبهوتند از حال علی علیه السّلام

عهد باید بست با «سید علی»

رهبر فرزانه در سال علی علیه السّلام

کافرم گر از ولی دل بر کنم

تا ابد هستم بدنبال علی علیه السّلام

«ناصحا» بار دگر اقرار کن

زنده شد هستی به اقبال علی علیه السّلام»(1)

1- عشق شیعه، احمد رضا احمدی، ص 4

17 - اردلان سنندجی (ولادت 1302 هجری – شمسی)

نامش حسینعلی، شهرتش اردلان، فرزند مرحوم غلامحسین اردلان نوه مرتضی خان (شجاع لشکر) در سال 1302 شمسی در سنندج متولد شد. از سال اول تحصیلش عشق و علاقه فراوان به ادبیات به ویژه شعر پیدا کرد و به طوری که خودش میگوید: در کلاس ششم ابتدائی بیست هزار بیت از شاهنامه را حفظ داشت. در سال 1331 که به تهران رفت، از نزدیک با اساتید زمان تماس پیدا کرد. در این میان به استاد دکتر حمیدی شیرازی بیش از همه ارادت دارد.

وی در مدح مولای متقیان علی علیه السّلام میگوید :

مرغ دل از عشق دوست بار دگر پر گرفت

نوحه گر نغمه خوان عاشقی از سر گرفت

مرغک افسرده حال نام علی چون شنید

رنگ دگر یافت و جلوه ای دگر گرفت

زمزمه آغاز کرد مدح علی ساز کرد

بانگ علی یا علی درهمه جا جان گرفت

زمزمه آغاز کرد مدح علی ساز کرد

بانگ علی یا علی درهمه جا جان گرفت

چشم تمنا گشود، چهره حیدر بدید

دست تولا زد و دامن حیدر گرفت

یا علی مرتضی جان و دل از تو رضا

در دل و جان من عشق تو یکسر گرفت

زندگی اردلان اول و آخر نداشت

در دل من عشق تو اول و اخر گرفت»(1)

1- پارسی گویان کرد، بخش دوّم، ص 26 و 25

18 - افشین علاء (معاصر)

افشین علاء در وصف فاتح خیبر، علی علیه السّلام چنین می گوید:

«مِثل حضرت علیعلیه السّلام»

ماه، ماه روزه است

روز، روز ضربت است

از مصیبت علی در دلم قیامت است

روزهای ماه را گرچه روزه بوده ایم

ما به لقمه های چرب

روزه را گشوده ایم ما به لقمه های

چرب روزه را گشوده ایم هیچ شب نگشته ایم

با یکی دو رنگ، سیر

در کنار نان، علی لب نزد به ظرف

شیر توی سفره اش علی

شربت خنک نداشت

در کنار نان جو او به جز نمک نداشت

زرق و برق سفره ها

کم نمی شود، ولی

کاش زندگی کنیم

مثل حضرت علی...»(1)

ص: 289

1- پنجره های آسمان، بابک نیک طلب، ص 40

19 - باذل مشهدی (ولادت 1124 هجری – شمسی)

یکی ازحماسههای مصنوع و سنتی حمله ی حیدری از باذل مشهدی است.

شاعر در این منظومه به شرح زندگی و جنگهای پیامبر| و علی علیه السّلام تا شهادت آن حضرت در محراب کوفه پرداخته است. شاعر تحت تاثیر حماسههای ملی، این حماسه ی دینی را با دخل و تصرف در اصل موضوع و آرایش صحنه ی نبرد به شیوه ی شاهنامه سروده است.

باذل اینگونه نبرد حضرت علی علیه السّلام با عمرو بن عبدود را توصیف می کند:

دلیران میدان گشوده نظر

که برکینه اول که بندد کمر

که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد

برانگیخت ابرش بر افشاند گرد

بیامد به دشت و نفس کرد راست

پس آنگه باستاد، همرزم خواست

همه برده سر در گریبان فرو

نشد هیچکس را هوس رزم او

همه برده سر در گریبان فرو

نشد هیچکس را هوس رزم او

به جز بازوی دین و شیرخدا

که شد طالب رزم آن اژدها

غضنفر بزد تیغ برگردنش

درآورد از پای، بی سر تنش

دم تیغ بر گردنش چون رسید

سرعمرو صد گام از تن پرید

چو غلتید در خاک آن ژنده پیل

بزد بوسه بر دست او جبرئیل(1)

ص: 290

1- ادبیات فارسی(3)و(4)، ص 12 - 14

20 - جرج جرداق (ولادت جدیده، مرجعیون، لبنان، 1926 میلادی)

جرج جرداق از کبار مستشرقین معاصر است. وی در سال 1926میلادی، در لبنان دیده به جهان گشود. او به حرفه های تدریس ادبیات عرب، تحقیق و بررسی ادبیات اروپائی، روزنامه نگاری و نقد هنری اشتغال داشته است.

از مهمترین و ماندگارترین تالیفات او میتوان به کتاب گرانسنگ «الامام علی علیه السّلام صوت العداله الانسانیه» اشاره نمود.

درباره ی شخصیت ملکوتی امام علی علیه السّلام، نویسندگان زیادی هم در میان مسلمانان و هم در بین غربیان و مستشرقین، دست به تالیف و تدوین زدهاند اما اگر بخواهیم به این اثر جرداق با دیده ی انصاف بنگریم، باید بگوئیم که هیچکدام از آثار آنان نتوانسته است حق مطلب را نسبت به علی علیه السّلام ادا نماید.(1)

جرج جرداق این کتاب نفیس را در3 مجلد به چاپ رسانیده است.

آثار:

«1- فاغنروا المرأه؛ 2- المشردون؛ 3- قصور و اکواخ؛ 4- فنانون احبوا

5- صلاح الدین و قلب الأسد؛ 6- وجوه من کرتون؛ 7- غرام الالهیه؛ 8- اساطیر العربی؛ 9- بوهیمیه؛ 10- فینوس و 11-الشاعر؛»

1- الامام علی علیه السّلام، صوت العداله الانسانیه، جرج جرداق؛ مترجم: سید هادی خسروشاهی، ج1، ص 7-9

جرج جرداق درباره ی حضرت علی علیه السّلام مینویسد:

«اخلاق بزرگ»

«- عبادت و پرستش امام علیه السّلام: بعقیده ی من پارسائی و تقوای علی، چیزی از قماش پارسایان دیگر نیست که ناشی از شرایط اوضاع یا هوای نفسانی باشد.

- زهد: او دیگر به خاطرمتاع دنیوی و لذت زود گذر زندگی نمیکند. بلکه زندگی را به خاطر هدف های بزرگی میخواهد که با خواستهای بزرگ درون او هماهنگ باشند.

- گذشت: مروت و گذشت امام کمیاب تر از آن است که در تاریخ نظیری داشته باشد.

- صدق: راستی و صدق علی به مرحله ای رسید که خلافت را از دست او خارج ساخت.

- دوری از ظلم و ستم: خصلت دوری از ظلم اصلی از اصول روح علی و خلقی از اخلاق او است.

- عدالت: و هیچ جای شگفت نیست که علی دادگرترین مردم باشد، بلکه اگرچنین نبود جای تعجب بود.

- سادگی: از اصول اخلاقی امام سادگی در هر موردی بود.»(1)

1- مرجع سابق، ص 99- 122

21 - جعفر ابراهیمی «شاهد» (معاصر)

استاد جعفر ابراهیمی از برجسته ترین شاعران معاصر کشورمان است. وی در باب امام رحمت، علی × میآورد:

«بازهم او آمد»

«بازدر چاه گریست

باز هم آه کشید

با نمازش خنجر

بر دل خواب کشید

باز هم خرما، نان

در دل کیسه گذاشت

و قدمهائی نرم

در دل شب برداشت

باز در کوچه ی شب

حلقه بر درها زد

کودکی گفت: «ببین باز هم او آمد»

کودکان را یک یک

نان وخرما بخشید

بر دل آنها باز

نور وگرما بخشید

بر لبانش خنده

خون به دل داشت ولی

ناگهان ماه شنید

یک نفر گفت: «علی»(1)

1- پنجره های آسمان، بابک نیک طلب، ص 38

22 - جعفر رسول زاده (معاصر)

آقای جعفر رسول زاده از شاعران به نام معاصر این گونه کلام خویش را با ذکر توصیفاتی دلنشین از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام مزین میسازد:

«جلوه ی معرفت»

تو نورخدائی رخ عیان کرده ای

کعبه را قبله ی عاشقان کرده ای

آمدی شد جهان با صفا یا علی

یا علی یا علی یا مولا یا علی

میلادت مبارک ای عزیز عالم

خنده زد به رویت رسول مکرم

میریزد بپایت اشک شوق زمزم

کعبه دارد به لب این ندا یا علی

یا علی یا علی یا مولا یا علی

تودست خدائی بازوی احمدی

خورشید خلقتی تو سر سرمدی

تا تماشا کند حق ترا آمدی

جلوه ی معرفت در تو پیدا علی

یا علی یا علی یا مولا یا علی

دین حق زنده از عدل و شمشیر تو

شد نماز آفرین بانگ تکبیر تو

دین حق زنده از عدل و شمشیر تو

شد نماز آفرین بانگ تکبیر تو

قرآن ناطق است حُسن تفسیر تو

اسرار هدایت از تو معنی علی

یا علی یا علی یا مولا یا علی(1)

ص: 295

1- سروش ولایت، جعفررسول زاد ه، ص 52

23 - جواد فرخی (ولادت 1296 هجری شمسی)

جواد رشید فرخی، در سال 1296 ه-.ش، در کرمان زاده شد. شاعر مدتی کارمند دولت، شرکت نفت انگلیس و ایران بوده و مدتی نیز در بازار تهران فرش فروش بوده است. سپس به شغل کشاورزی در کرمان روی میآورد. وی از پانزده سالگی به انجمن ادب خواجوی کرمان میرفته و از محضر اساتید نامدار فضل و ادب همچون سید محمد هاشمی، فؤاد کرمانی، لسانی و بقائی بهره ها برده است. فرخی کرمانی بمناسبت میلاد با سعادت مولای متقیان، علی بن ابی طالب، شعری را به این مضمون سروده است:

طراح ازل ریخت چو بنیاد جهان را

امروز عطا کرد به ما جان جهان را

در سیزده ماه رجب، بدر کمالی

روشن، دل و جان کرد و شبستان جهان را

از برکت مولود علی، کعبه شرف یافت

در وی بنگر پرتو یزدان جهان را

در دایره ی کون و مکان غیرعلی کیست

شایسته بود، مرکز امکان جهان را

در دایره ی کون و مکان غیرعلی کیست

شایسته بود، مرکز امکان جهان را

او باب حسین و حسن، آنان که نهادند

بنیان فداکاری و ایمان جهان را

لیکن علی آن سدره نشین زبرعرش

کی داشت نظر جانب زندان جهان را

زینت، به خدا داده ای امروز تو فرخ

با نام علی دفتر و دیوان جهان را.(1)

ص: 296

1- مینای محبت، جواد رشید فرخی؛ص 12

24 - حزین سقزی (ولادت 1292 هجری – شمسی)

سلیم فرجی «حزین» تخلص میکرد. وی درسال 1292 ه-.ش در سقز متولد شد.

تحصیلات خود را از زادگاهش آغاز می کند و در فقه، عرفان، تصوف و شعر تبحر می یابد. از عاشقان و شیفتگان خاندان وحی و نبوت بوده و در مدح و منقبت آنان اشعار غرائی دارد.

حزین سقزی می گوید:

آن شهنشاهی که باشد اسم او را لافتی

خواهم از مدحش نمایم روح و جان و دل فدا

آن علی گویم که او چشم و چراغ مؤمن است

تا قیامت روشن است و شعله دارد همچو ماه

آن علی علیه السّلام گویم مقبول شد در بارگاه کبریا،

آن علی علیه السّلام گویم که شد داماد حق مصطفی

قابل او شد که جان خود به او تسلیم کرد

آن زمان شد اسم او را مرتضی و مقتدا

اولش باشد حسن، آن شهید بی گناه

ثانیش گویم حسین، آن شهید کربلا

ص: 397

من فدای ذوالفقارش فرق دشمن قطع کرد

خاک پای مرکب او توتیای چشم ما

این کلام را گفته زیبا خاتم پیمبران

من که شهر علم هستم و علیٌ بابها(1)

1- تولای علی علیه السّلامدرادب وفرهنگ شعراء وعرفای کرد اهل سنت، ص 287- 288

25 - حسین یاری (معاصر)

حسین یاری از شاعران معاصر ایران زمین در وصف حیدر کرار، علی مرتضی علیه السّلام چنین می گوید:

«چشم خدا»

میلاد مرتضی شد مسرور مصطفی شد

بشری که آمد امیر المؤمنین

رشک جنان گردیده روی زمین

صبح سعادت رسید مهر ولایت دمید

روشن دل ودیده ی مؤمنان شد

روز نشاط صاحب الزمان شد

علی عالی آمد مولی الموالی آمد

روح وروان خاتم الانبیاست

چشم خدا و چراغ اولیا ست

ماه اینچنین خوش کلام

سرو اینچنین خوش خرام

ندیده چشمی در سما و زمین

تبارک الله احسن الخالقین

او حیدر کرار است صاحب ذوالفقار است

علمدار لشکر پیغمبر است

فاتح بدر و خندق و خیبر است(1)

1- سروش ولایت، جعفررسول زاده، ص 78

26 - حمید سبزواری (ولادت 1304 ه.-ش)

استاد حمید سبزواری در سال 1304. ه- ش در سبزوار متولد شد. وی تا میانسالی در آنجا زندگی کرد. بعدها به تهران منتقل شد و با یاران حضرت امام (ره) آشنا شد. در جریان سیاست و مبارزه علیه دستگاه طاغوت وارد شد و چون مبارزه در آن دوران شکل مخفی داشت، استاد نیز به تبع آن در مجالس و محافل به صورت مخفی شعر می گفت. بعدها که کم کم انقلاب شروع شد، همگام و همراه ملت و امام امت بود.

آثار:

دو جلد کتاب و چند جزوه، از کتابهای وی «سرود درد» که شامل اشعاری است که قبل از انقلاب سروده است و کتاب دیگر او «سرود سپید» است که اشعار او را از پیروزی انقلاب تا ارتحال حضرت امام خمینی(ره) در برمیگیرد.

سبزواری در وصف حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام میگوید:

(با یاد علی)

با یاد علی به موج آتش زده ام

از نجد زبانه تا مراکش زده ام

با یاد علی به موج آتش زده ام

از نجد زبانه تا مراکش زده ام

در مکتب او چو قامت افروخته ایم

سیلی به حرامیان سرکش زده ایم

ای تیغ کجت قبله نمای دل ما

سر پنجه تو گره گشای دل ما

تو شیر حقی، دست حقی، مرد حق

ای نام بلند ت آشنای دل ما»(1)

ص: 300

1- دیوان اشعار حمید سبزواری؛ با مقدمه حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای(دام ظله)، ص 459

27 - حمید هنرجو (معاصر)

حمید هنرجو از شعرای برجسته ی معاصر کشور در ذکر مولا، علی علیه السّلام می گوید:

«اولین آینه»

پوپک لبخند، بال وپر زنان

روی لبهای «ابی طالب» نشست

خوب یادم هست که قنداقه ای

داشت غرق بوسه میشد روی دست

بر زمین بال فرشته پهن بود

آسمان شعر امامت می سرود

غنچه ای در قاب کعبه می شکفت

عطر گل در کوچه ها پیچیده بود

با صدایش زنده شد عطر بهار

در رگ گل بوته های مخملی

اولین آئینه ی باغ خدا

آمد و مادر صدایش زد: علی(1)

1- پنجره های آسمان، بابک نیک طلب، ص26.

28 - دکترقاسم رسا (ولادت1290 هجری – شمسی)

دکتر قاسم رسا در سال 1290 ه-.ش در تهران ولادت یافت. در جوانی به مشهد رفت و تا آخر عمر در آنجا بزیست. پدرش شیخ محمد حسن رسا مردی خوش مشرب و مؤمن بود. رسا در سال 1315 از طب فارغ التحصیل شد و به سمت ملک الشعرائی آستان قدس رضوی علیه السّلام در آمد.

بیشتر آثار رسا در مدایح اهل بیت و پند و اندرز است.

دکتر رسا در وصف امام علی علیه السّلام می گوید:

در حریم کعبه نور

آفتاب افتاده است

یا فروغی در جمال بوتراب افتاده است

تاج کرمنا سزد او را که در وصفش زعرش

هل اتی در دامن ام الکتاب افتاده است

واصف ذات علی کس نیست جز ذات علی

آفتاب آری دلیل آفتاب افتاده است

مستم از جام تولای علی کزجام او

هر که نوشد تا ابد مست و خراب افتاده است

مستم از جام تولای علی کزجام او

هر که نوشد تا ابد مست و خراب افتاده است

گه یتیمان را نوازد گه مساکین را ز مهر

لا فتی علی او را خطاب افتاده است

آنکه زیر پرچم شاه ولایت آرمید

چون «رسا» در آستانش کامیاب افتاده است[1]

1- در حوالی آفتاب، عزیزالله زیادی، ص 226- 228

29 - استاد دکتر مجتبی رحماندوست (تولد 1333ه-.ش)

استاد فرزانه دکتر مجتبی رحماندوست در سال 1333 ه-. ش در همدان دیده به جهان گشود.

تحصیلات ابتدائی و دبیرستان را به جز سال آخر دبیرستان در همدان گذراند. استاد به سبب هوش سرشار و استعداد فراوان در سال 1352 در رشته ی مهندسی عمران دانشگاه تهران پذیرفته شد.

از سال 1361 وارد حوزه ی علمیه ی قم شد و در دروس حوزوی: فقه، اصول، علوم حدیث، تفسیر، فلسفه ومنطق، کلام، صرف و نحو عربی و دیگرعلوم تحصیل کرد. استاد از همان دوران تحصیل در دانشگاه تهران، به دلیل عمق اطلاعاتش در زمینه ی علوم و معارف دینی واسلامی از یک سو و نیز ارادت مضاعف و همیشگی به اهل بیت نبوت علیه السّلام از سوی دیگر، به تدریس معارف دینی و اسلامی همچون قرآن و نهج البلاغه و تفسیرآن و علوم عربی در محافل دانشگاهی و غیره پرداخت. وی در سال 1372 موفق به اخذ دانشنامه ی دکتری در رشته ی زبان و ادبیات عربی از واحد تحقیقات تهران و با درجه ی بسیار عالی شد. هم اکنون سالهای متمادی است که دوستداران و علاقه مندان به علوم و معارف اسلامی، ادبی و عربی هم در دانشگاه و هم در خارج از آن با شور و اشتیاق

ص: 303

فراوان در دانشگاه تهران و دیگر قطبهای علمی کشور از محضر این استاد فرزانه تلمذ میکنند.

استاد علاوه بر سمت استادی دانشگاه تهران، در زمینه های مختلف سیاسی نیز فعالیت داشته و هم اکنون مناصب خطیر دیگری همچون: «مشاوره ریئس محترم جمهوری در امور ایثارگران و دبیرکل جمعیت دفاع از ملت فلسطین» را بر عهده دارد.

استاد مجتبی رحماندوست به زبانهای عربی و انگلیسی تسلط داشته و در این زمینه چندین تالیف، ترجمه، و مقاله دارد. وی علاوه بر تبحر در زمینه های مختلف زبان و ادبیات عربی و انگلیسی در حوزههای گوناگون زبان و ادبیات فارسی نیز همچون شعر و داستان نویسی تخصص فراوان داشته و دارای تالیفاتی است.

ما در اینجا هم به دلیل تناسب موضوع و نیز برای متبرک نمودن این اثر، گزیده ای از شعر استاد فاضل دکتر مجتبی رحماندوست را با عنوان: «ذکر مظلومیت غریب نخلستانهای کوفه، اول مظلوم عالم، علی علیه السّلام»، میآوریم،سروده ای که تجلی تمام نمای محبت و ارادت این استاد فرزانه به خاندان وحی علیه السّلام، است:

ص: 304

استاد دکتر مجتبی رحماندوست در مدح حضرت علی علیه السّلام می آورد:

سائل در گاه توام یا علی

محو رخ ماه توام یا علی علیه السّلام

چاه شده محرم اسرار تو

ماه خجل گشته ز رخسار تو

ناله ی تو سینه ی شب را درید

مه به توشد خیره ودستش برید

پای تو بردوش نبی جا گرفت

بعد محمدصلی الله علیه وآله به تو دین پا گرفت

چشمم و خاک حرمت یا علی علیه السّلام

سر نهم اندر قدمت یا علی علیه السّلام(1)

ص: 305

1- این اشعار طی مصاحبه با وی و از روی نسخهی اصلی دفتر اشعار ایشان گرفته شده است. (مؤلف)

30 - ذبیح الله صفا (ولادت 1290 ه-.ش)

دکتر ذبیح الله صفا بزرگترین مورخ تاریخ ادبیات معاصر است. استاد صفا فرزند سید علی اصغر میر صفی، در سال 1290 هجری شمسی در شهمیرزاد سمنان پا به هستی نهاد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهمیرزاد و بابل به پایان رسانید و در سال 1304 برای ادامه ی تحصیل به تهران آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت و لیسانس ادبیات گرفت. صفا به اتفاق سه تن از اولین دانشجویان دور ه ی دکتری ادبیات دکتر محمد معین، دکتر پرویز خانلری و دکتر حسین خطیبی دوره ی دکتری را گذراند. از حدود سالهای 1312 همکاری خود را با مجلات مهر، ایران، امروز، تعلیم وتربیت، جلوه و...

آغاز نمود و به اتفاق دکتر خانلری، مجله ی سخن را تاسیس کرد. از سال 1322استاد دانشگاه تهران شد. استاد صفا به زبانهای عربی، آلمانی، فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت و در شعر هم طبع لطیفی دارد. دفتر شعری از وی به نام «نشئه ی جام»، چاپ شده است.

آثار:

1- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواخر قرن پنجم هجری؛ 2- تاریخ ادبیات ایران در پنج مجلد؛ 3- گنج سخن در4 مجلد؛ 4- تاریخ نظم و نثر در ایران و چند اثر ارزشمند دیگر.

ص: 306

دکتر صفا این گونه کلام خویش را با نام مبارک حضرت علی علیه السّلام مزین می نماید:

...واضع حقیقی علم نحو را علی ابن ابی طالب می دانند و می گویند: او برخی از قواعدنحو را به ابی الأسود الدؤلی آموخت.(1)

1- تاریخ ادبیات ایران، دکترذبیح الله صفا، ص 125

31 - رباب تمدن (ولادت 1307 – هجری – شمسی)

خانم رباب تمدن در سال 1307 ه-.ش در جهرم متولد شده است. وی دارای مدرک دیپلم بوده و کار شاعری را از سال 1322 ه-.ش شروع کرده است. سبک شعری وی کلاسیک (کهن) و تعداد تقریبی اشعارش 250 قطعه شعر است. شاعر در سال 1370 مجموعه ی شعریش را به چاپ رسانیده و با مطبوعات نیز همکاری داشته است.

خانم تمدن می گوید:

بگذار به جای لکه ی ذلت و ننگ

دامان کفن شود زخونت گلرنگ

پیکار نما به محو بیدادگری

مگذار شود عرصه به مظلومان تنگ.(1)

ص: 308

1- زنان شاعر معاصر، مهری شاه حسینی، ص 254

32 - استاد رسول جعفریان (ولادت 1343 هجری – قمری)

استاد رسول جعفریان از محققان و مورخان چیره دست معاصراست که بیشتر تلاش خود را صرف تحقیق و تتبع و نگارش تاریخ، خصوصا تاریخ اسلامی و تاریخ تشیع نموده است.

وی از محضر اساتیدی همچون استاد علامه سید جعفر مرتضی عاملی و آیت الله سید محسن خرازی بهره ها برده است.

آثار:

1- تاریخ سیاسی تشیع؛ 2- پیش در آمدی بر شناخت تاریخ اسلام؛ 3- تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهلم هجری؛ 4- تاریخ سیاسی اسلام از سال چهلم تا سال صدم.

استاد در مورد مولا علی علیه السّلام می گوید:

غزوه ی خیبر صحنه ای دیگر از دلیری های امام علی علیه السّلام است. این بار ابزار این دلیری به گونه ای بود، تا در قیاس با دیگر صحابه، فضیلت و برتری امام و سهم بالای او در تحولات صدر اسلام در اذهان باقی بماند. در فتح یکی از قلعه ها - که به

دلیل اشاره ی خبر مزبور به اسارت صفیه دختر حی بن اخطب باید قلعه ی نزار باشد- رسول خداصلی الله علیه وآله صبحگاهان فرماندهی را به ابوبکر سپرد اما حصن مزبور تا شب گشوده نشد. فردای آن روز رایت در دستان عمر قرار گرفت و باز گشوده نشد. شب روز سوم رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«لأعطین الرایه غدا رجلاً یحب الله ورسوله ویحبه الله و رسوله».

صبح روز سوم امام علی علیه السّلام با سپاه حرکت کرده و قلعه ی یهودیان گشوده شد.(1)

ص: 310

1- تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان، ص 607

33 - رفعت سمنانی- (وفات 1310 هجری – شمسی)

نامش حاجی محمد صادق بوده و رفعت تخلص می کرده است. رفعت تا زنده بود مجرد زیست و هرگز تاهل اختیار نکرد. وی در سال 1310 ه-.ش چهره در نقاب خاک کشید.

رفعت سمنانی در باب ذکر علی علیه السّلام می گوید:

آن علی ذو الاعلا، آن وجود ذوالموجود

بیشتر ز خلق و امر بود و هست و خواهد بود

ساجد جناب او، جان، آدم سجود

روح عیسی مریم، رهنمای شیث و هود(1)

1- دیوان رفعت سمنانی، ص 272

34 - رودابه حمزه ای (معاصر)

رودابه ی حمزه ای از شاعران توانای معاصر، در ذکر اسد الله الغالب علی بن ابی طالب می گوید:

«زیباتر از لبخند خورشید»

کبوترهای مکه تشنه بودند

اسیر دام و دیو و دشنه بودند

بیابان بود و خار و خاک و خاشاک

علی جوشید مثل چشمه از خاک

علی جاری ترین رود خدا شد

همه جا با محمد هم صدا شد

علی زیباتر از لبخند خورشد

نگین نور بود و میدرخشید

امید تشنگان، مشک علی بود

خدا هم صحبت اشک علی بود

چنان سرشار اشک و آه می شد

که گاهی هم صدا با چاه می شد

سلامش، نغمه در گوش فلک بود

غذای خوب او نان ونمک بود

نماز او به رنگ آسمان بود

دعای او برای کودکان بود

نماز او به رنگ آسمان بود

دعای او برای کودکان بود

علی می کاشت بذر مهربانی

درون قلبهای آسمانی

علی رزمنده ی راه خدا بود

علی روشنترین ماه

خدا بود.(1)

ص: 312

1- پنجره های آسمان، بابک نیک طلب، ص 29

35 - سهیل محمودی (تولد 1339 - هجری- شمسی)

سهیل محمودی، تهرانی است. «فصلی از عاشقانه ها»، «اولین روز بهار»، «شادی ستاره ها»؛ «ترانه ها»؛ «عشق ناتمام» و «عاشقانه در پائیز» عناوین بخشی از آثار او است. وی اخیرا دو دفتر از عاشقانه هایش را به اسم «عاشقانه در پائیز» و«میخواهم عاشقانه تر بخوانم»، منتشر کرد.

سهیل در توصیف علی علیه السّلام میگوید:

شب رفت و صبح دید که فرداست

پلکی زد و زخواب به پا خواست

از شرق آبهای کف آلود

خورشید بر دمیده و پیداست

مثل علی به لحظه ی پیکار

مثل علی به نیمه ی شبها است

مردی که روح نوح و خلیل است

رودی که روح بخش مسیحاست

مردی که روح نوح و خلیل است

رودی که روح بخش مسیحاست

روحی که ناشناخته مانده

روحی که همیشه معما است

بی تو هنوز کعبه ی حرمت

با جامه ی سیاه معزا است

بی تو مدینه ساکت و خاموش

بی تو هوای کوفه غم افزا است

روح تو چون قصیده بلند است

دیگر چه جای وصف تو ما راست[1]

ص: 313

1- فصلی از عاشقانه ها، سهیل محمودی، دریا در غدیر

36 - سید تقی قریشی (معاصر)

سید تقی قریشی از شعرای معاصر کشور ما در مدح حضرت امیر علیه السّلام می آورد:

«هو یا علی»

علی

ولی خدا شه زمین وسما

همو که از کرمش جهان گرفته صفا

جان علی جانان علی

مهر جاویدان علی

دشمن بیداد وکین

یارمحرومان علی

هو علی یا هو علی

بروز عید غدیر میان جمع کثیر

بخلق عالمیان شد آن یگانه امیر

جان علی جانان علی

مهر جاویدان علی

دشمن بیداد و کین

یار محرومان علی

هو علی یا هو علی

بروی دوش نبی چو مه به جلوه گری

نوید صبح دهد ستاره ی سحری

جان علی جانان علی

مهر جاویدان علی

جان علی جانان علی

مهر جاویدان علی

دشمن بیداد و کین

یار محرومان علی

هو علی یا هو علی(1)

البته (هو علی یا هو علی) به همان معنا که حضرت علی علیه السّلام خدا نیست ولی از خدا نیز جدا نیست و بنده اوست، آمده است.

1- سروش ولایت، جعفر رسول زاده، ص 76

37 - سید هاشم رسولی محلاتی (ولادت 1308 هجری شمسی)

استاد دانشمند و محقق برجسته معاصر، سید هاشم رسولی محلاتی مؤلف کتاب گرانسنگ «زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه وآله» است. این کتاب ارزشمند مفصل ترین و جامع ترین تالیف در ذکر اخبار پیامبر|، از ولادت تا رحلت آن حضرت است. نخستین بار اثر مذکور حدود سی ویک سال قبل یعنی در سال 1355 ه-.ش به چاپ رسیده است. لیکن از آن زمان تا کنون بسبب جامع بودن آن و نیز نیاز مبرم تمامی توده های جامعه و بالاخص جامعه ی دانشگاهی و حوزوی بارها تجدید چاپ شده است.

استاد محلاتی می نویسد:

«هنگامی که علی بن ابی طالب از طرف رسول خداصلی الله علیه وآله ماموریت یافت به یمن برود، بدان حضرت عرض کرد:

ای رسول خدا! مرا که فرد جوانی هستم برای قضاوت در میان مردم میفرستی، با اینکه من تا کنون داوری نکرده ام؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله دست به سینه ی علی علیه السّلام زد وگفت: «اللهم اهد قلبه و ثبت

لسانه». (خدایا قلبش را هدایت فرما و زبانش را از خطا و لغزش مصون بدار).

علی علیه السّلام گوید: سوگند بدانکه جانم به دست اوست از آن پس هیچ گاه در قضاوت میان دو نفر تردید برای من پیدا نشد.(1)

ص: 316

1- زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه وآله، سید هاشم رسولی محلاتی، ص 641- 642

38 - سیمین بهبهانی (معاصر)

سرکار خانم سیمین بهبهانی، از برجسته ترین زنان شاعر معاصر ایران درباره ی علی علیه السّلام می آورد:

«خورشید درخشان»

فلک امشب، مگر ماهی دگر زاد

زماه خویش، ماهی خوبتر زاد

غلط گفتم که خورشید درخشان

که مه یابد ز نورش، زیب و فر زاد

شهنشاهی، بزرگی، نامداری

که شاهان بر رهش سایند سر، زاد

صف آرای جهان آفرینش

درخشان گوهری، والا گهر زاد

ز بعد قرنها، گیتی هنر کرد

که این سان قهرمانی با هنر زاد

پدرها بعد از این هرگزنبینند

که دیگر مادری اینسان پسر زاد

فری بر مادر نیکو سرشتش

غزال ماده گوئی، شیر نر زاد

بشر بود و به خُلق و خو خدا بود

خدا بود و به صورت چون بشر زاد(1)

1- درحوالی آفتاب، عزیزالله زیادی، ص 97

39 - شکوه قاسم نیا (معاصر)

شکوه قاسم نیا درباره ی حضرت علی علیه السّلام می گوید:

«گفتم علی علیه السّلام»

گفتم: «علی»

از جای خود برخاستم

از او مدد

در راه حق می خواستم

گفتم: «علی»

تا آفتاب از نو دمید

با یاد او

غم از دل من پر کشید

گفتم: «علی»

چون روز نو آغاز شد

از یاد او

«هی» زد دلم بر اسب خود

گفتم: «علی»

با اسب دل برتاختم

من راه را

با یادش، آخر یافتم.»(1)

ص: 318

1- پنجره های آسمان، بابک نیک طلب، ص 33

40 - عبدالحسین زرین کوب (ولادت 1301 ه-.ش)

عبد الحسین زرین کوب، در اواخر اسفند، 1301 ه-.ش در بروجرد چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه ی غیر دولتی اعتضاد به پایان رسانید. از طریق بعضی از صاحب منصبان آلمانی و ایتالیائی، قدری زبان ایتالیائی و آلمانی فرا گرفت. بعد از فراغت از تحصیلات متوسطه معلمی را انتخاب کرد و به تدریس اشتغال یافت. در سال 1327 درجه ی لیسانس از دانشکده ی ادبیات را گرفت. و مدتی به روزنامه نگاری پرداخت. در تهران چندی نزد بعضی از کشیشان به تعلم زبانهای باستانی پرداخت. در آمریکا زبان اسپانیایی را فرا گرفت و مسافرتهایی به لبنان، عراق، پاکستان و هندوستان داشت و سپس در

دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. در سال 1356به حمله ی قلبی (برای بار دوم) دچار شد.

آثار:

1- آشنایی با نقد ادبی؛ 2- ارزش میراث صوفیه؛ 3- از کوچه ی رندان؛ 4- با کاروان حله؛ 5- بامداد اسلام؛ 6- بحر در کوزه و همچنین دهها اثر ارزشمند دیگر.

ص: 319

استاد زرین کوب، اثر ارزشمند خویش، «تاریخ ایران» را این چنین با نام مبارک مولا علی ابن ابی طالب علیه السّلام می آراید:

... دو لشکر در دو سوی خندق، روزی چند روبروی هم در ایستادند و گاه گاه تیر و سنگ به یکدیگر پرتاب می کردند. یک روز عمرو ابن عبدود با جمعی از همراهان از کناره ی خندق بجست اما مسلمین به مقابله برخاستند و چون عمروبن عبدود بدست علی ابن ابیطالب کشته آمد، همراهانش گریختند و کارشان از پیش نرفت.(1)

1- تاریخ ایران، عبد الحسین زرین کوب؛ص 260

41 - عزیز الله زیادی (معاصر)

عزیز الله زیادی از دیگر شاعران توانای معاصر است، که در ذکر حضرت امیرالمؤمنین این گونه زبان به وصف می گشاید:

«شبهای تماشا»

می شناسم شانه هایی را که خرما می برد

شام ها درکوچه ها دل ما می برد

میشناسم دستهایی را که در باران مهر

تشنگی را از لبان شور دریا می برد

دوست دارم گامهایی را که درغوغای شب

با نسیم و ابر تا خورشید ما را می برد

شعرهایم را همیشه زخمهای مرتضی علیه السّلام

تا به شام و چاه و نخلستان تنها می برد

چیست پنهان در لبان گرم تو وقت دعا

آدمی را تا به اوج آسمانها می برد

چشمهای ماه هر شب تا به کوفه تا علی علیه السّلام

چشمهایم را به شبهای تنها می برد(1)

1- درحوالی آفتاب، ص 237

42 - علی موسوی گرمارودی (ولادت 1320ه.-ش.)

سید علی موسوی گرمارودی، از پیشتازان شعر مذهبی قبل از انقلاب است.

آثار:

1 - «سرود رگبار»؛ 2 - «عبور»؛ 3 - «در سایه سار نخل ولایت» 4 - «چمن لاله» 5 - «خط خون»

گرمارودی در ذکر عظمت امام رحمت، علی علیه السّلام میگوید:

«خجسته باد نام خداوند، نیکوترین آفریدگاران

که تو را آفرید

از تو در شگفت هم نمی توانم بود

که دیدن بزرگی ات را، چشم کوچک من بسنده نیست

مور، چه میداند که بر دیواره ی اهرام، میگذرد یا بر خشتی خام.

آه ای خدای نیمه شبهای کوفه ی تنگ

ای روشن خدادر شبهای پیوسته ی تاریخ

ای روح لیله القدر

حتی اذا مطلع الفجر»(1)

1- در سایه سار نخل ولایت، علی موسوی گرمارودی، ص38-39

43 - علیرضا قزوه (تولد 1342 هجری شمسی)

«عشق علیه السّلام»، « قدم زدن در کلمات»، «دو رکعت عشق»، عناوین بخشی از آثار علیرضا قزوه است که در سالهای گذشته چاپ و منتشر شده است.

وی متولد 1342 ه-.ش در گرمسار است. در رشته ی زبان و ادبیات فارسی لیسانس و فوق لیسانس گرفت. قزوه اکنون به عنوان کارشناس فرهنگی تاجیکستان، در سازمان فرهنگ و ارتباطات مشغول به کار است. شاعر نزدیک به شانزده عنوان کتاب در کارنامه اش دارد.

ایشان درباره ی مولا علیه السّلام می گوید:

دیشب در نهج البلاغه با کسی بودم که مرا پا به پای خویش تا نخلستانهای کوفه برد.

از نخلستان صدای گریه می آمد، در پشت به مضامین مظلوم نهج البلاغه می اندیشیدم،که ابوذر از راه رسید، امشب به علی خواهم گفت: اینجا کسی انبان نان به دوش نمی گیرد،

اینجا چقدر دروغ می گویند، اینجا عقیل درد فقیری نمی کشد، اینجا نهج البلاغه را در کتابخانه های چوب گردوئی زجر می دهند»(1)

1- از نخلستان تا خیابان، مجموعه ی شعر علیرضا قزوه، ص 127

44 - قیصر امین پور (ولادت 1338 هجری- شمسی)

دکتر قیصر امین پور با توجه به کارنامههای درخشان ادبی چندین ساله اش، از شاعرانی است که باید با احترام نام او را بر زبان جاری ساخت. وی در سال 1338 خورشیدی در دزفول دیده به جهان گشوده است. فعالیتهای هنری – ادبی خود را در سال 1359 از طریق حوزه ی اندیشه ی اسلامی آغاز و تا امروز که عضو شورای سردبیری مجلهی جوانان سروش و مدرس دانشگاههای تهران است، ادامه دارد. در بسیاری از اشکال شعری کارهای خوبی آفریده است و شعرهای نیمائی او مانند غزلهایش پر است از مضامین و تصاویری که نیمای بزرگ در نامه هایش به آن اشاره کرده است.

ایشان در وصف شاه خیبر می گوید:

«هنگامه»

ایمان و امان و مذهبش بود نماز

در وقت عروج مرکبش بود نماز

هنگام که هنگامه ی آن کار رسید

چون بوسه میان دو لبش بود نماز

«رقابت»

پیشانی او به مرگ خندید، شکافت

چون ماه که تا روی نبی دید، شکافت

با دست نبی رقابتی داشت مگر

آن تیغ که پیشانی خورشید شکافت(1)

1- در کوچه ی آفتاب، قیصر امین پور، ص19

45 - محمد نعیمی (معاصر)

محمد نعیمی از شعرای معاصر درشعر«مولای عالم»، ضمن اشاره به عید غدیرخم، این چنین زبان به ذکر اوصاف حضرت امیر، علی علیه السّلام می گشاید:

«مولای عالم»

عید غدیر است از پرتو حق طور تجلی

احمد گرفته بر روی حج دست خدا را

من کنت مولاه (2)

از امر یزدان در آخرین حج ختم رسالت

بنماید امروز بر خلق عالم اتمام حجت

من کنت مولاه(2)

مولای عالم بر سر گذارد تاج ولایت

برملک هستی آورده جبریل پیک بشارت

من کنت مولاه(2)

عید غدیر و جشن ولایت بادا مبارک

این عید مسعود برشیعیان مولا مبارک

من کنت مولاه(2)

ختم رسولان از جان پیام حق را بگوید

در بین حجاج هذا علی مولا بگوید

من کنت مولاه(2)

با دست احمد مقصود ایزد حاصل شد امروز

ای امت حق دین الهی کامل شد امروز

من کنت مولاه(2)

شیر خدا برخلق دوعالم مولای دین است

بعد از پیمبر برمسند حق او جانشین است

من کنت مولاه(2)(1)

ص: 325

1- سروش ولایت، جعفر رسول زاده، ص 66

46 - محمد ابراهیم باستانی پاریزی (ولادت 1304 هجری – شمسی)

دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی در سال 1304 ه-.ش در دهکده ی پاریز از توابع سیرجان متولد شد. پدرش روحانی ده و معلم بود. از این رو نخستین معلمش پدرش بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود سیرجان و کرمان به پایان رساند. در سال 1330، از دانشگاه تهران لیسانس تاریخ و جغرافیا گرفت و تا سال 1337 در کرمان هم به سمت دبیری و مدیریت دبیرستانها و هم به نمایندگی اداره ی باستان شناسی اشتغال داشت. از کودکی و نوجوانی به نوشتن و سرودن شعر علاقه پیدا کرد و در همان دوران نوجوانی مجموعه ای به نام «پیغمبر دزدان»، گردآوری کرد. مجموعه ی اشعار باستانی پاریزی به نام «یاد و یاد بود» منتشر شده است. وی از سال 1338 به مدیریت داخلی مجله ی دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران انتخاب شد. با گذراندن واحدهای دوره ی دکتری تاریخ، به تدریس تاریخ ایران بعد از اسلام در همان دانشکده مشغول شد.

باستانی پاریزی در کتاب خود - تاریخ شاهی – این گونه از علی علیه السّلام یاد می کند:

... و در سخنان امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه آمده است که من ادب از بی ادبان و مکارم الاخلاق از بد اخلاقان آموختم، چه هر چه در آنان بدیدم که موافق طبع و ملایم خاطر من نیامد، از آن اعراض کردم.(1)

ص: 326

1- تاریخ شاهی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ص 58.

47 - محمود شاهرخی (ولادت 1306 – هجری- شمسی)

«درسی که از قرآن کریم آموختم»، «در غبار کاروان»، «خلوتگاه عشق»، «زاشک پرسی» و «نسیم وصل» عنوان برخی از آثار محمود شاهرخی است که در سالهای مختلف چاپ و منتشر شدهاند. استاد محمود شاهرخی رشته ی تخصصی اش شعر و ادب فارسی است.

وی در سال 1306 در بم متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در بم و کرمان و یزد گذراند.

سپس وارد مدرسه ی علمیه ی کرمان شد. و مقدمات زبان عربی را فرا گرفت. بعد به یزد عزیمت کرد و در مدرسه ی خان یزد به تحصیل پرداخت و در همین دوران تخلص جذبه را برگزید. به دنبال آن به نجف اشرف رفت و در مدرسه ی کبرای آخوند خراسانی اقامت گزید.

در بازگشت به ایران «امام علی روح بی نهایت» و«ترجمه ی مشارق الأنوار القلوب» قیروانی و مجموعه ی اشعاری در منقبت ائمه ی اطهار منتشرکرد.

جدیدترین کتابهای او که به چاپ رسیده است: «ادبیات معاصر» و «شعر جنگ است». شاهرخی دو اثر دیگر به نامهای «ترجیعات توحیدی» و «واپسین یادگار بر صحنه ی روزگار» را در دست چاپ دارد.

ص: 327

شاهرخی در مدح مولا علی علیه السّلام میگوید:

تافت چون در سپهر جان علی

پاره ای رفت بر زبان علی

هست نهج البلاغه تالی قرآن

زاده ی وحی و تالی قرآن

ای مشعل دلفروز ایمان

شمشیر خدا بدست یزدان

ای مهربه چرخ سرکشیده

وی چرخ به مهربرکشیده

خورشید به قبله ی تو

دامن از روزنه سحر کشیده

خورشید به قبله ی تو

دامن از روزنه سحر کشیده

تا بر تو برد نماز هر صبح

دامن طراز زر کشیده

اسلام به یمن مقدم تو

رایت به شکوه و فرکشیده

از خاور دین طلوع کرده

سر از بر باخترکشیده

تو بو الحسنی، تومرتضائی

تو جلوه ی حق، تو

مصطفائی(1)

استاد شاهرخی درجای دیگری می گوید:

وه چه دفتر کلید راز وجود

رهبر عارفان به بزم شهود

وه چه دفتر مبین توحید

هادی جان به عالم تجرید

اینست دفتر خلاصه ی عرفان

شارح شرح و کاشف قرآن(2)

ص: 328

1- آئینه ی آفتاب، به انتخاب محمود شاهرخی، ص 9- 10
2- در غبار کاروان، محمود شاهرخی، ص 302- 305

48 - مصطفی رحماندوست (تولد 1329ه-.ش)

استاد مصطفی رحماندوست از شاعران و نویسندگان مطرح و توانای معاصرما به ویژه در زمینه ی ادبیات کودکان و نوجوانان است که اگر بخواهیم حق مطلب را نسبت به این شاعر برجسته و بنام کشور عزیزمان ایران ادا کنیم، باید بگوییم: استاد فاضل بر گردن تک تک ما ایرانیان حق دارد از یک شاگرد سال اول مدرسه گرفته تاصاحبان فضل واندیشه درتمامی زمینههای علوم و در جای جای این خطه ی پهناور؛ چرا که کمتر کسی است که شعر گرانسنگ و گهربار «کتاب خوب» او در حافظه اش نقش نبسته باشد و مضامین با ارزش آن سرلوحه ی حیاتش نشده باشد. این شاعر برجسته در نخستین روز تیرماه 1329ه-.ش درهمدان دیده به جهان گشود. در ایام کودکی و نوجوانی به مطالعه و کتاب علاقه ی فراوانی داشت در سال 1349 ه-.ش برای ادامه ی تحصیل به تهران آمد و در رشته ی زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل شد.

وی بیش از 114 اثر را به چاپ رسانیده است. استاد در شعر «لالایی عاشورایی» این گونه ارادت همیشگی اش را نسبت به خاندان وحی علیهم السّلام ابراز می دارد:

مدینه بود و غوغا بود

اسیر دیو سرما بود

محمد سر زد از مکه

که او خورشید دلها بود

ص: 329

لا لا خورشید من لا لا

گل امید من لا لا

خدیجه همسر او بود

زنی خندان و خوشرو

بود

برای شادی و غمها

خدیجه یار خوشرو بود

لا لا لا شادیم لا لا

غمم آبادیم لا لا

خدا یک دختر زیبا

به آنها داد لا لا لا

به اسم فاطمه زهرا

امید و مادر بابا

لا لا لا کودکم لا لا

قشنگ وکوچکم لا لا

علی داماد پیغمبر

برای فاطمه همسر

برای دختر خورشید

علی از هر کسی بهتر

چراغ خانه ام لا لا

گل دردانه ام لا لا

علی شیر خدا لا لا

علی مشکل گشا لا لا

شب تاریک نان می برد

برای بچه ها لا لا(1)

ص: 330

1- پنجره های آسمان، بابک نیک طلب، ص 58

49 - مهری ماهوتی (معاصر)

سرکار خانم مهری ماهوتی از شاعران موفق معاصر میهن عزیزمان، ایران، این گونه کلام خویش را با ذکر نام مبارک مولا علیه السّلام می آراید:

«جشن لبخند»

«بوی خوب شب عید

در هوا پیچیده

توی کوچه بابا

چند گلدان چیده

حلقه هایی از نور

دور هم می گردند

کوچه امشب دارد

چند تا گردن بند

میدهد پروانه

به همه شیرینی

چون شب میلاد است

چه شب شیرینی

غنچه ها می رقصند

درمیان گلدان

شاپرکها هستند

پیش آنها مهمان

در میان کوچه

هیچکس غمگین نیست

باز جشن لبخند

شب میلاد علی علیه السّلام است»(1)

ص: 332

1- پنجره های آسمان، بابک نیک طلب، ص 27

50 - مهدی سهیلی (ولادت 1303 - وفات 1366 هجری شمسی)

مهدی سهیلی، فرزند غلامرضا، در هفتم تیر ماه 1303 شمسی، در تهران متولد شد. سه تن از نیاکان بلافصل او تهرانی و نیای چهارمش از سرزمین سمنان و نیای مادریش از مردم اصفهان بوده است. سهیلی حدود سی سال در رادیو ایران به نمایشنامه نویسی، ایجاد و داوری مشاعره، تهیه ی برنامه ی کاروانی از شعر و... اشتغال داشت.

آثار:

1- اشک مهتاب؛ 2- سرود قرن؛ 3- نگاهی در سکوت؛ 4- بیا با هم بگرییم.

وی در هیجدهم مرداد ماه یکهزار و سیصد وشست وشش خورشیدی به امر پروردگار، زمین و زمینیان را وداع گفت.

سهیلی در مدح علی علیه السّلام می گوید:

علی را چه بنامم؟

علی را چه بنامم؟

علی را چه بخوانم؟

ندانم، ندانم

ثنایش نتوانم، نتوانم

علی دست خدا بود

علی مست خدا بود

علی را چه بنامم؟

علی را چه بخوانم؟

ندانم، ندانم

خدا خواست که خود را بنماید

در جنت خود را به رخ ما بگشاید

علی را به همه خلق نشان داد

علی رهبر مردان صفا بود

علی آئینه ی پاک خدا بود

علی را چه بنامم؟

علی را چه بخوانم؟(1)

1- طلوع محمد، مهدی سهیلی، ص397 - 400

51 - ابوالفضل علیدوست (تولد 1342ه-.ش)

ابوالفضل علی دوست ابرقویی، متخلص به «مسلم»، فرزند حسین، در بهمن ماه 1342شمسی در ابر کوه از توابع استان یزد چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش گذرانید و به سال 1361 از دبیرستان ایرانشهر فارغ التحصیل شد و در سال 1367 موفق به اخذ درجهی لیسانس حقوق قضائی گردید. وی دارای قریحهی سرشار شاعری است. صاحب تالیف بوده و دارای مقالاتی در جراید و مجلات داخلی می باشد. صبغه ی دینی و اجتماعی بر آثار ایشان غلبه دارد.

وی در ذکر علی علیه السّلام می آورد:

اندر صدف وجود مکتوم علی

لو لاک لما خلقت مفهوم علی

ای کاش مرا دو عمر چون نوح دهند

تا گریه کنم برای مظلوم علی

این دیده و جسم و جان تو را ارزانی

ای کاش قدم به دیده ام بنشانی

شد لحظه ی احتضارم آسان زیرا

من صاحب خانه و توام مهمانی

هستی بگرفته ازتو معنا، مولا

ای نفس رسول و جان زهرا، مولا

اندر شب معراج رسول الله دید

روی تو نشان عرش اعلا، مولا(1)

1- این اشعارطی مصاحبه حضوری درمحل کاراستاد علی دوست ازدفترشعری ایشان برگرفته شده است. (مؤلف).

52- احمد سهیلی خوانساری (متولد سال 1291شمسی)

احمد فرزند غلامرضا خان خوانساری و متولد سال 1291شمسی است. زادگاهش تهران می باشد. شاعر توانمندی است که در انواع اغراض شعری تبحّر دارد. بعداز اتمام تحصیلات به خدمات فرهنگی اشتغال ورزید و به تحقیق و تتبّع در متون ادب و شعر فارسی پرداخت و بیش از چهل سال عهده دار کتابخانه تهران بوده است .سهیلی سابقه عضویت در انجمن های علمی و ادبی را دارد. او علاوه بر فن شاعری در زمینه کتابت و نگاشتن خط چیره دست می باشد. از این گذشته او در فن کتاب شناسی نیز مهارت خاصی داشت. آثار او عبارتند از: 1- حصارنای 2- نامه صورتگر 3- طبقات الخطاطین 4- کمال هند 5- تصحیح و دواوین حافظ و خواجوی کرمانی.

سهیلی خوانساری از جمله شعرای برجسته ایرانی است که در مدح امیرمؤمنان علیه السّلام اشعاری را سروده است. او می گوید:

گفت شمشیر که را خون خوارج آب داد

گفتمش برخوان زجنگ نهروان کان خوشتر است

گفت ساقی کیست کوثر را به روز رستخیز

گفتم آن کاندر نبردش زهره شیر نر است

گفت برگو کانچه گفتی سیرت یک مرد بود

گفتمش آری گرت قول سهیلتی باور است

گفت از این یکتا بگو نام و نسبت،گفتم علی

پور بو طالب خدیو اهل ایمان حیدر است

گفت با احمد خود از یاری برادر خوانده کیست؟

گفت آن کو گاه بیم ازجمله پا برجا ترست

گفت برگو کیست سبطین پیمبر را پدر

گفتمش آن پیشرو کو رهروان را رهبرست

ص: 336

گفت اعجاز رسول مصطفی در جنگ بدر

ز اهل ایمان مر که امین پاکدل را در خورست

گفتم آن پردل که دارد گرد نان را پایمال

زخم شمشیر سرافشانش که در دست اندرست

گفت با احمد که خورد از مرغ بریان بهشت

گفتم آن کو بر همه خویشان پیغمر سَرست

گفت دمساز پیمبر کیست در زیر کسا

گفتم آن مهتر که زهد و علم ازو با زیورست

گاه نفرین بر نصاری با نبی گفتا که بود

گفتم آن کاندر همه احوال او را یاورست

گفت با احمد که باشد همچو هارون با کلیم

گفتم آن پیوسته با وی همچو با جان پیکرست

گفت برگو کیست آنکو شهر دانش راست در

گفتم آن دانا که خود علم دیگران را مصدرست(1)

1- غلامحسین جواهری وجدی، علی در شعر و ستایش فارسی ، ص 63 . - سبر : برتر،بزرگوارتر - کسا : جامعه، لباس - نصاری : عیسویان، مسیحیان - کلیم: هم سخن، لقب مو سی (ع)

53 - حسین پژمان بختیاری (متولد 1278 هجری شمسی)

حسین پژمان، فرزند علی مراد امیر پنجه بختیاری است. پژمان در سال 1278 هجری شمسی در تهران متولد شد. و به تحصیل علوم مختلف پرداخت. او به زبان فرانسه تسلط کافی داشت. به دلیل آشنایی با فن تلگراف بی سیم به استخدام وزارت پست و تلگراف در آمد. به شعر و شاعری علاقه فراوانی داشت از این رو به مطالعه و بررسی اشعار متأخرین خود پرداخت. او در سرودن انواع شعر از قصیده و غزل گرفته تا قطعه و رباعی تبحر داشت. یک سوّم از دیوان پژمان را سروده های شاعر در مورد اساتیدی مانند حافظ و سعدی و فردوسی تشکیل می دهد. سبک شعری او تلفیقی از سبک های مختلف شعر در ادبیات فارسی است. وفات او به سال 1355 هجری شمسی بوده است. آثار او عبارتند از : 1-دیوان شعر. 2- ترجمه وفای زن اثر بنیامین کنستانیتن و آتلاورنه اثر شاتو بریان.

شمشیر حق در دست او جان های عاشق مست او

هستی طفیل هست او دنیا علی، عقبا علی

لا علی مولاعلی

در جمله اقوام عرب هم در حسب هم در نسب

من کنت مولاه ای عجب زیبد که را إلّا علی

مولا علی مولا علی

ص: 338

پیوند الفت با علی بستیم از جان یا علی

ره نیست از ما تا علی ما با علی ، با ما علی

مولا علی ، مولا علی

سلطان شهر لافتی مسند فروز هل اتی

بحر کرم ، کان عطا در ملک دین، یکتا علی

مولا علی ، مولا علی

شمشیر حق در دست او خمهای وحدت مست او

هستی طفیل هست او دنیا علی ، عقبا علی

مولا علی ، مولا علی (1)

1- پژمان بختیاری، دیوان اشعار ، ص 298 . - طفیل: کسی که ناخوانده به مهمانی رود، لوازم اضافه - عقبا : آخرت، قیامت . - حسب : گوهر نیک، م فاخر اجداد - مسند: جایگاه . کان : منبع. - خم : ظرف بزرگی که در آن شراب ریزند، گنبد، عمارت . - طفیل : انگل، مهمان ناخوانده. - عقبا: آخرت.

54 - غلام محمد طرزی، (متولد 1245 ه-)

غلام محمد طرزی در سال 1245 ه- ، مطابق 1830 م، در قندهار چشم به جهان گشود. گرچه او در دوران جوانی در منازعات خانوادگی شرکت داشته، لیکن بیشتر متوجه تحصیل علم بود. غلام محمد طرزی در صف شهزادگان و امراء وارد شده و ملقب به دانشمند گشت. بر اثر تحولات در دولت افغانستان ایشان مجبور شد که کشور خود را به قصد هندوستان و بغداد ترک نماید؛ و پس از مدتی اقامت در آنجا؛ و زیارت نجف اشرف و کربلای معلی عازم ترکیه شده و از آنجا به مکه معظمه و مدینه منوره مشرف گردید. مدتی در جوار قبر مبارک رسول اکرم| اقامت گزید.کتابهای «اخلاق حمیده» و «آهنگ حجاز» را در آنجا انتشار داد.

شاعر دلسوخته در رابطه با مولا علیه السّلام چنین می گوید:

لا فتی لا سیف در شأن تو می گوید ملک

با رسول الله هستی یار در اصل و نسب

ای تراب پای تو افتاده بالای فلک

چون حسابم از غلامان درت بی ریب و شک

یا علی مشکل گشا دست من افتاده گیر

شیر یزدان شاه مردانت ز حق آمد لقب

با رسول الله هستی یار در اصل و نسب

گوی جود و علم بردی از دو عالم در حسب

طرزی افغان غلامت می کشد رنج و تعب

یا علی مشکل گشا دست من افتاده گیر

ص: 340

شأن و قدرت کس نمی داند بجز پروردگار

غالبی بر هر که باشد در مصاف روزگار

تو گلی صد برگ باشی مصطفی چون نوبهار

این نوا از بینوایی با تو گویم چون هزار

یا علی مشکل گشا دست من افتاده گیر(1)

تا لوای مصطفی در خیبرت آمد به دست

پنجه زور تو بر هم قلعه خیبر شکست

زیر پایت ره باشد همه بالا و پست

از جهان امید من با لطف عامت چشم بست

1- غلام محمد طرزی، ، کلیات اشعار، (کراچی: بی نا، 1311 ه)، ص 576

55 - غلامرضا قدسی (متولد 1304 ش)

نامش غلامرضا قدسی نژاد «:میرزاجانی»است که در شعر قدسی تخلص می کرد. قدسی در مشهد مقدس و به سال 1304 هجری شمسی به دنیا آمد. او ابتدا به تحصیل دروس ابتدائی و علوم رایج عصر خود پرداخت. و در علوم فقه و اصول و تدریس ادبیات فارسی و عربی تبحر پیدا کرده سپس به تدریس پرداخت. نسب او به حاج میرزا محمد جان قدسی، شاعر معتبر دوره صفویه می رسد. (محمد قهرمان، نغمه های قدسی، چاپ اول، (خراسان، مشهد: مرکز فروش اداره کل فرهنگ ارشاداسلامی،1370 ش)، ص 39 از شرح حال.) علت اشتهار وی به قدسی نیز همین امر می باشد. قدسی در سن شانزده سالگی به طبع آزمائی در عرصه شعر پرداخت و ازهمان زمان فعالیتهای ادبی خود را در محافل مختلف ادبی شروع کرد. از دوران حکومت شادروان دکتر محمد مصدق به مبارزه سیاسی پرداخت. او در راه سیاست و اعتلای ایران اسلامی بر علیه رژیم ستمگر پهلوی نیز، بارها به زندان افتاد و متحمل مرارت های فراوانی شد. قدسی مسافرت هایی را به کشورهای، هند، عراق، سوریه و عربستان سعودی داشته است. وفاتش به سال 1368 هجری شمسی بوده است .

ص: 342

غلامرضا قدسی شاعر دلسوخته اهل بیت، ولادت مولاعلیه السّلام را بسیار استادانه به تصویر می کشد. او فاطمه، مادر حضرت امیرعلیه السّلام را واسطه ی بین عالم غیب و عالم شهادت می داند و می گوید:

خانه به روی علی علیه السّلام در حرم را گشود

کعبه ببرد از نیاز به خاک پایش سجود

عاشق و معشوق را جذبه الفت ربود

فاطمه شد واسطه میان غیب و شهود

که غیب مطلق بماند به پرده استتار

درون کعبه چو شد مادر شاه نجف

صوت انالله شنید ز قایل لا تخف

گوهر بحر وجود گشت برون از صدف

گوهر یک دانه را بگرفت آنگه به کف

بعد سه روز از حرم به خانه شد رهسپار

آمد و آورد داد به مصطفی آن گهر

نبی علی را گرفت چو جان شیرین به بر

کرد به رخسار او به چشم حق بین نظر

چو دید نور خدا ز روی او جلوه گر

زبان به تکبیر حق گشود آن شهریار

حبیب محبوب را چو دید گل شکفت

دُرّ سخن را پس آن درّ ناسفته سفت

غنچه لب را علی ز شوق بگشود و گفت

برای ختم رسل ز رازهای نهفت

سرّ نهان را عیان کرد بر رازدار

کرد به رخسار او به چشم حق بین نظر

چو دید نور خدا ز روی او جلوه گر (1)

1- احمد احمدی بیرجندی، مناقب علوی در شعر فارسی، (مشهد : بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1366 ش)، ص 119 . - شهود : دیدن، مشاهده کردن . - استتار : در پرده شدن. - قایل : گوینده. - لا تخف : نترس - بر : سینه، آغوش . - بر: سینه، آغوش . - شهریار : شاه،پادشاه . -در-دّرناسفته گوهر سوراخ نشده سفت: سوراخ کرد.

غلامرضا قدسی از جمله شاعران توانمند معاصر ایران محسوب می گردد که درباره میلاد امام علی علیه السّلام مولودیهِ ی زیبایی به شرح ذیل دارد:

طلعت جان آفرین پرده ز رخ برگرفت

معنی «الله نور» صورت دیگر گرفت

جلوه وجه خدا جهان سراسر گرفت

خانه حق همچو جان حق را در بر گرفت

مژده که صاحب حرم شد ز حرم آشکار

فتاده بیرون مگر ز پرده غیب، راز

که چشم لاهوتیان هست به ناسوت باز

برد ملک از فلک به کعبه روی نیاز

خوشا به حال حرم که یافت این امتیاز

خوشا به حال زمین که یافت این افتخار

وجه خدای قدیم چو در حرم دیده شد

روشن از جلوه اش مردمک دیده شد

بساط اهریمنی ز دهر برچیده شد

بهر طواف عباد، کعبه پسندیده شد

پای چو در آن نهاد مظهر پروردگار

امین وحی اله پیک خدا جبرئیل

آمد و پیغام داد به امر ربّ جلیل

که خانه ای بهر حق بنا نماید خلیل

خلیل آن خانه را ساخت برای خلیل

کیست مگر آن خلیل، حیدر والا تبار

شد چو به دست خلیل خانه حق ساخته

صاحب آن خانه را خانه چو نشناخته

می زد هر صبح و شام کوکو چون فاخته

بنا و بانی زشوق همچو دو دلباخته

در ره معشوق خود هر دو در انتظار

مژده که این انتظار دگر به پایان رسید

خانه حق آنچه را خواسته بود آن رسید

یعنی صاحب حرم زلطف یزدان رسید

برای صاحبدلان نوید جانان رسید

ص: 344

که همچو روزی عیان شده است بی پرده یار

خدا به روی علی در حرم را گشود

کعبه ببرد از نیاز به خاک پایش سجود

عاشق و معشوق را جذبه الفت ربود

فاطمه شد واسطه میان غیب و شهود

که غیب مطلق بماند به پرده استتار

درون کعبه چو شد مادر شاه نجف

صوت انا الله شنید ز قائل لاتخف

گوهر بحر وجود بیرون شد از صدف

گوهر یک دانه را بگرفت آنگه به کف

بعد سه روز از حرم به خانه شد رهسپار

آمد و آورد و داد به مصطفی آن گهر

نبی علی را گرفت چو جان شیرین به بر

کرد به رخسار او به چشم حق بین نظر

چو دید نور خدا ز روی او جلوه گر

زبان به تکبیر حق گشود آن شهریار

حبیب محبوب را چو دید چون گل شکفت

درّ سخن را سپس آن دُرّ ناسُفته سُفت

غنچه لب را علی زشوق بگشود و گفت

برای ختم رسل ز راز ها ی نهفت

سرَ نهان را عیان کرد بَرِ رازدار

چند زنی ای حکیم دم ز حدوث و قِدَم

وجه خدای قدیم جلوه نمود از حرم

زد به کتاب وجود کلک مشیت رقم

که شد عیان در جهان وجود بخش عدم

به چشم حقّ بین ببین صورت صورت نگار

بیرون شد کاف و نون از لب گویای او

نه فلک افراشته دست توانای او

نیست کسی در جهان همسر و همتای او

ما به وجود آمدیم بهر تماشای او

از پی زلف و رخش گردد لیل و نهار

چو شد صدای علی بلند روز ألست

بهر ولایش خدای با همه میثاق بست

سعید شد هر که او به عهد شد پای بست

گشت شقی آنکه او رشته پیمان گسست

قسمت این شد بهشت، نصیب آن گشت نار

علی خدا را بود مظهر ذات و صفات

هم او بود دست حقّ هم او بود عین ذات

بسته به زلفش بود سلسله کائنات

هستی از او یافته تمامی ممکنات

ص: 345

بوده و باشد علی چرخ جهان را مدار

قَلزُم هستی نمی از پِم اعطای اوست

فروغ روی وجود ز نور سیمای اوست

چه پرسی از جای او، در همه جا جای اوست

سرمه چشم ملک خاک کف پای اوست

کرده زجان اولیا به بندگیش افتخار (1)

غلامرضا قدسی در زمینه اشعار زیبایی سروده است. او می گوید:

در صدف «کنت کنز» گوهر رخشنده بود

"در فلک «لو کشف » اختر تابنده بود

ز بندگی عاقبت گشت خداوندگار

بر همه اهل جهان سید و سرور علی استدر ره دین خدا هادی و رهبر علی است

دشمن بیداد و جور فاتح خیبر علی استیار ستم دیده و خصم ستمگر علی است

نبود او را به دهر غیر عدالت شعار (2)

ص: 346

1- غلامرضا قدسی، مجموعه اشعار، ص 108 و109
2- محمد قهرمان، همان، ص 110

56 - محمد ناصر طهوری (متولد 1324 ش)

محمد ناصر طهوری، فرزند غلام غوث، در هرات به سال 1324 ش متولد شد. این شاعر، ادیب و روزنامه نگار، از چهار سالگی در مسجد به آموزش قرآن مجید پرداخت. سپس اشعار حافظ و صرف و نحو را فرا گرفت. دوره دبستان را در مدرسه سلطان هرات به پایان برد و در کابل دیپلم گرفت. از محضر علامه شیخ محمد طاهر قندهاری سود برد. نخستین شعر گونه هایش را در روزنامه اتفاق اسلام هرات با تخلص غوثی سپس طهوری، به چاپ رسانید. درسال 1345 ش معاون مجله پشتون ژغ در رادیو کابل، و در سال 1347 ش، مدیر مسئول آن مجله شد . از 1369 ش با مجلات و روزنامه ها، به مدت 24 سال همکاری داشته است و آثاری از قبیل: شعله ی بلخ، دریای آتش، آوای کودکان، آبشار شب، بهاری در پاییز باقی است، و دفتری دیگر به عنوان شب چراغ، از او در دست چاپ است. (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،اول، دانشنامه ی ادب فارسی افغانستان،(تهران)، 1378 ش، ج3، ص 637.).

محمد ناصر طهوری از دیگر نامداران عرصه ی ادب فارسی راجع به مولاعلیه السّلام می گوید:

ای جان نثار مصطفی همواره یار مصطفی

ای غمگسار مصطفی ای رحمت یزدان علی

ص: 347

از کودکی مأمن به حق داد احمدت والا سبق

در شام تیره چون شفق، گشتی چه خوش تابان علی

دین خدا را جان فدا، هر لحظه بودی هر کجا

بر هر مسلمان رهنما اندر ره فرقان علی (1)

1- ناصر طهوری، مجموعه شعر، (قم: چاپ سبحانی، 1378 ش)، صص 84-83

57 - عماد راسانی (متولد سال1300)

عماد در سال 1300 هجری شمسی در مشهد دیده به جهان گشود. نسب عماد به موسی مبرقع، پسر امام محمد تقی علیه السّلام، ملقب به جواد می رسد. چعماد تحصیلات خودش را در شهر مشهد مقدس به پایان رسانید. او ابتدا شاهین را به عنوان تخلص خود برگزید، اما بعدها عماد را تخلص خویش قرار داد. شاعر بسیار صادق و مزیّن به اخلاق حسنه می باشد. علاوه بر ادبیات فارسی به ادبیات جهان نیز تسلط و آشنایی دارد. عماد شاعری ترانه خوان نیز هست که از موهبت صدای نیکو هم برخوردار بود. او دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود. وفات عماد به سال 1382 اتفاق افتاده است. آثار او عبارتند از: شبی در بهشت و حدود سی هزار بیت شعر فارسی؛ که در اقسام قوالب متداول؛ از قصیده و غزلیات تا مثنوی و قطعه و انواع مسمّطات ترکیبی، سروده است.

عماد درباره میلاد مولای متقیان امام علی علیه السّلام می گوید:

میلاد فخر عالم و سردار اتقیاست

روز ظهور راستی و مردی و سخاست

عیدی است بس گرامی و روزی بس ب-زرگ

دولت نصیب گیتی و گیتی بکام ماست

روزی چنان بود که بدان تا روز حشر

گر روزگار بالد و نازش کند رواست

روزی بود که گردش و سرگشتگی چرخ

معلوم گشت بهرچه منظور و مدعاست

روزی بود که گشت عیان فرشتگان

کادم بدون سابقه مسجودشان چراست

روزی بود که پا به جهان هشت کودکی

کش خاک پا، بدیده ادراک توتیاست

«از هرچه بگذری سخن دوست خوشتر است»

بنگر کدام دوست نکوتر ز مرتضی ست

لشکر کشی است صابر و دانا و مهربان

اسپهبدی اسیر وخدا ترس و پارساست (1)

ص: 350

1- محمود شاهرخی، مشفق کاشانی، آئینه آفتاب ، دوم، (تهران:انتشارات . اسوه، 1376 ش)، ص 258

58 - مشفق کاشانی (متولد 1304)

مشفق کاشانی در سال 1304 در شهر کاشان متولد شد. نامش عباس کی منش متخلص به «مشفق» و معروف به «مشفق» کاشانی است. مشفق از بلند پایه ترین غزل سرایان؛ و نیز شاعران عصر انقلاب اسلامی است. کاشانی سابقه ی تدریس در آموزش و پرورش و عهده دار شدن معاونت کل آموزش و پرورش را علاوه بر شاعری، در کارنامه خود دارد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کاشان گذراند و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در تهران آغاز نمود. آثار او عبارتند از: صلای غم، تضمین دوازده بند محتشم کاشانی، سرود غزل، پرتوی از انوار 15 خرداد.

مشفق کاشانی از دیگر شعرای ایران زمین است که درباره ولادت امام علی علیه السّلام طبع آزمایی کرده است.

مشفق در رابطه با ولادت مولا علی علیه السّلام این گونه طبع آزمایی می کند:

خیز و به یک سوفکن، پرده پندار را

تا نگری بی حجاب، جلوه دلدار را

کوکب اقبال را ، جلوه گه راز را

مهر فروزنده را، ماه شب تار را

صفدر میدان علی شیر دژ پر دلی

مسند دین را ولی، رحمت دادار را

آنکه به میلاد اوست، رقص کنان کهکشان

داده شکوه دگر، ثابت و سیّار را

یوسف مصر وجود، کعبه کنعان عشق

پرتو غیب و شهود، مظهر اسرار را

موج کرامات دوست، بحر خروشان عشق

در صدف روزگار، گوهر شهوار را

همنفس مصطفی راهبر اولیا

صاحب تیغ دوسر، حیدر کرّار را

در حرم کبریا، دیده به دنیا گشود

تا نگرد چشم دل ، مطلع انوار را (1)

1- علی علیه السّلام در آیینه شعر فارسی، ص 137

59 - صفی علیشاه (متولد 1251 ه-)

نامش حاجی میرزا حسن متخلص به صفی است. زادگاهش اصفهان و تاریخ ولادتش سوم شعبان 1251 ه- است. تحصیلات خود را در اصفهان و یزد به پایان رسانید. مسافرت هایی به هند و کشورهای عربی داشته است. صفی علیشاه در سال 1316 ه- زندگی را بدرود گفته است. آثار او عبارتند از: زبده الاسرار، بحرالحقایق، عرفان والحق، میزان والمعرفه، تفسیر، دیوان غزلیات و قصاید.

صفی علیشاه از شاعران برجسته معاصر نیز این مضمون را بسیار هنرمندانه به تصویر کشیده است. او در مدح مولاعلیه السّلام می گوید:

خانه کعبه در تن عالم

چون دل عالم است ای اعلم

لا جرم از علی جسمانی

زاد د ر خانه دل عالم

فاطمه ابنه الاسد که نمود

افتخار از کنیزیش مریم

چون که بگرفت از ابوطالب

حمل بر خالق وجود و عدم

چون شد آثار هدف حمل عیان

از وی آمد بعجز سوی حرم

کرد دیوار خانه را منشق

در زمان ربّ کعبه و زمزم

شد چو داخل بخانه بانوی قدس

هر دو دیوار هشت سر برهم (1)

صفی علیشاه در مورد قرار گرفتن امام علی علیه السّلام در بستر پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله می گوید:

یک جهت چون شدند در شب غار

قوم بر قتل سیّد ابرار

امر حق شد بر او که ای احمد

امشب از مکه بست باید بار

جای خود واگذار بر حیدر

رو تو تنها ز شهر ذی کهسار

تا من امشب بذات خویش شوم

مر ترا در سرای بستر دار

رفت و بگذاشت الغرض آنشاه

خوابگه را به حیدر کرّار

خفت آن جا علی و زان خفتن

بخت عارف ز خواب شد بیدار

حسن در وصف عشق شد فانی

عشق بر حسن جان چو کرد ایثار

وحدت آمد نماند غیرت عشق

هیچ باقی به خانه جز دلدار

نیم شب چون شدند جمع آور

بر در حجره نبی کفار

ک-س ندیدند جز علی کان بود

خفته بر جای احمد مختار

در زمان سطوت خداوندی

خانه را ماند خالی از اغیار

تا تو دانی که در سرای وجود

بیشکی نیست جز یکی دلدار(2)

ص: 354

1- دیوان اشعارصص، 90-91منشق : پاره، شکافته - قدس : پاکی، منزه بودن -هشت: گذاشت
2- صفی علیشاه، همان، صص 98-99

همچنین صفی علیشاه در رابطه با فداکاریهای مولاعلیه السّلام می گوید:

روز جنگ احد چو پیمبر

شد ز انبوهی عدو مضطر

رو نهادند همرهانش تمام

بفرار و نماند کس دگر

موج بحر سیاه کفر غریق

خواست فلک وجود پیغمبر

آمد از حق ندا که ای احمد

استعانت بجوی از حیدر

تا در آرم بیاریت اینک

ز آستین جلال دست ظفر

تا رسد عون حقت از چپ وراست

جو اعانت ز حیدر صفدر

خواست از شاه اولیا امداد

در زمان احمد ستوده سیر

بود بر لب هنوزش ادرکنی

از پس یا علی که از معبر

خواست آواز شیهه دلدل

تافت پس برق ذوالفقار دو سر

بود گفتی صدای عزرائیل

بانگ دلدل بنفی آن لشکر

رفت خاشاک عمر اعدا را

در زمان تیغ شاه چون صرصر

جان به جانان رسید یعنی خوش

مصطفی شاه را کشید ببر (1)

ص: 355

1- صفی علیشاه، همان، صص 92-93.عدو: دشمن. - مضطر: درمانده، ناچار. - بحر :دریا. - غریق : غرق شده . - فُلک : کشتی. -فَلَک: سپهر گردون . - ظفر : پیروزی، یاری . - عون:کمک. - اعانت : یاری خواستن . - صفدر : صف شکن. - سیر: جمع سیرت .، روش، طریقه . -دلدل: خارپشت، نام استر پیامبر در شب معراج . - صرصر: بادی که صدای شدیدی دارد. - بر :سینه، آغوش.

صفی علیشاه در جای دیگری درباره ی بخشش مولاعلیه السّلام می گوید:

گاه بنمود رخ به موسی و گه

بر یهودان رهین خدمت شد

گه سه نان داد و خویش حامد خویش

زان کنایت به هفده آیت شد

گاه اندر نماز خاتم داد

ختم بر دست او مروت شد

جود ذاتی او ز سر قدم

بر حدوث دو کون علّت شد (1)

1- صفی علیشاه، همان، ص 85-رهین: گرو گذاشته شده . - حامد : ستایش کننده . - قدم: دیرینگی، ضد حدوث. - حدوث: نو پیدا شدن.

60 - احمد ناظر زاده کرمانی (متولد 1255 ش)

احمد ناظرزاده کرمانی متولد کرمان است، تحصیلاتش در زمینه علوم سیاسی و علوم تربیتی بوده است. ناظرزاده ساعت 5 بامداد روز سه شنبه، سوم فروردین ماه 1355ش، در اثر بیماری سکته ی مغزی، در تهران بدرود حیات گفت.

احمد ناظر زاده کرمانی نیز از دیگر شعرای برجسته ی معاصر فارسی زبان است که در ذکر ولادت شاه نجف علیه السّلام اشعار دلنشینی سروده است. شاعر از محبان اهل بیت عصمت و طهارت علیه السّلام بوده و راجع به، میلاد شاه خیبرعلیه السّلام می گوید:

امروز که میلاد شهنشاه جهانست

شادی همه جا ظاهر و اندوه نهانست

ای سیزده ماه رجب در تو درخشید

خورشید ولایت که همه جان جهانست

در کعبه گر آراست رخ آن قبله دلها

از خانه خداپرس که در این چه نشانست

ما از تو شناسیم به هر حال خدا را

«آنجا که عیانست چه حاجت به بیانست» (1)

1- محمود شاهرخی، مشفق کاشانی، آیینه آفتاب، ص 382.

61 - محمد یوسف ریاضی هروی (متولد 1290 ه-)

محمد یوسف فرزند اسماعیل از قبیله ابدالی افغانستان بود که در سال 1290 ه- ، در هرات به دنیا آمد. مادرش دختر رضا قلی، نوه ی آقا محمد خان بلند از ایل افشار، و نیای پدرش محمد اسماعیل ابدالی، سرلشکر کامران، حاکم هرات بوده است. در هشت سالگی در «دار النصرت هرات»؛ جزء اطفال دبستان بود. در مدت زمان اندکی قرآن را ختم کرد. از وقایع مهم زندگی اش اینست که هنگامی که در مشهد می زیست؛ گروهی از افراد مسلح که از طرف حکومت هرات به مشهد آمده بودند، در منزلش به قصد قتل به او حمله ور گردیدند و جراحاتی شدید به او وارد نمودند. یکی از انگشتان دستش که تقریباً به تمامی بریده شده بود قرار بود توسط پزشک روسی دور انداخته شود. وی انگشت بریده را سر جایش نهاد و گفت شفای آن را از امام رضاعلیه السّلام می خواهد. انگشت وی خوب شد و شفا گرفت. پس از آن پزشک روسی هر وقت از مقابل روضه ی امام رضاعلیه السّلام عبور می کرد کلاهش را به رسم احترام بر می داشت. ریاضی در سن 18 سالگی دچار عشق مجازی شد، و غزلهایی می سرود. او در آغاز سروری تخلص می کرد اما بعداً ریاضی تخلص نمود.

محمد یوسف ریاضی هرویاز دیگر ادیبان فارسی گوی است که درباره به نظم کشیدن اوصاف مولاعلیه السّلام طبع آزمایی کرده است. او می گوید:

این اشارت بس که شاه اولیاست

صاحب خلد و امام رهنماست

زوجه اش صدیقه دخت مصطفی

آن که باشد کعبه کوی وفا

زینت آفاق و ماه عالمین

آفتاب عرش و نور مشرقین

جده سادات مفتاح جنان

دختر پیغمبر آخر زمان

ماه عصمت زبده اسرار حق

شمس عفت مطلع دیدار حق

گوشوار زیور عرش برین

خ-ادمش گردیده جبریل امین

هر دو فرزندش امین و دادگر

باعث آزادی نوع بشر

آن یکی را نام چون خلقش حسن

سبز پوش غم امام ممتحن

صاحب تاج و لوایی مغفرت

شافع مخلوق اند ر آخرت

شاه اقلیم امامت در الست

تا ابد آن مهر رخشان بوده است

بعد از او سلطان دشت نینوا

آن که باشد نام او عین البکا

شمس بطحا پادشاه بحر و بر

نور چشم دختر خیر البشر

خسرو مظلوم شاه عالمین

دادرس اندر گه و بیگاه حسین (1)

ص: 359

1- محمد یوسف ریاضی هروی، کلیات اشعار ، ص 5. - خلد: بهشت. آفاق: جمع افق : کرانه های آسمان . - ممتحن : امتحان شده . - بکاء : گریه. - بطحاء : وادی، بیابان . - بحر : دریا . -برّ: خشکی.

62 - نسیم شمال (تولد 1288 ه-)

سید اشرف الدین حسینی قزوینی مشهور به « نسیم شمال»، از شاعران و نویسندگان نامی اواخر دوره ی قاجاریه؛ و جنبش مشروطیت در ایران است. تولدش را در 1288 ه-، نوشته اند. پدرش سید احمد قزوینی نام داشت. مادرش او را اشرف الدین نامید. تبار او از پیامبر اسلام نسب می بردند. شش ماهه بود که پدرش چشم از جهان فرو می بندد. همه ی قبیله اش عالمان دین بودند. اشرف الدین زیر نظر و مراقبتهای دلسوزانه ی مادرش، علوم مقدماتی را در فرا گرفت. سال 1309 ه-، بود که در مَدرس تبریز به درس استاد می نشیند و دوره ای از علوم متداول زمان را می خواند. در جوانی به عتبات عالیات رفت؛ و مدت پنج سال در کربلا و نجف زیست. بعدها شور و شوق میهن پرستی او را به ایران کشید. پس از پنج سال توقف و کسب دانش از افاضل و اساتید عراق، به ایران بازگشت. روزنامه ی نسیم شمال را به طور غیر مرتب انتشار داده، از این رهگذر امرار معاش می کرد. سید اشرف الدین پس از برقراری مشروطیت با فتح الله سپهدار اعظم رشتی به تهران آمده؛ روزنامه ی نسیم شمال را از نو دایر کرد. چون روزنامه جنبه ی فکاهی و طنزآمیز داشت، مورد توجه مردم قرار گرفته و شهرت زیادی کسب نمود. به هر پندار سید اشرف الدین از شاعران مبارز، محبوب، ملی

و معروف ایرانی است که در عین صداقت و ایثار و عشق به میهن و مردم و آزادی گام برداشته؛ شب و روز شعر می گفت و مطلب می نوشت. هر هفته روزنامه اش را تنها خود نگاشته؛ چاپ کرده و به دست مردم می رساند. وفات او به سال 1313 ش، بوده است.

نسیم شمال از شاعران خوش ذوق ادب فارسی می باشد که در مدح مولاعلیه السّلام، بسیارهنرمندانه قلم زده است. او می گوید:

اندر این عید سعید ای ساقی سیمین عذار

زینهار از کف مده جام شراب خوشگوار

مست مکن ما را ز عشق حیدر دُلدُل سوار

در فلک خیل ملَک گویند هر دم آشکار

لا فَتی الّا عَلی لا سَیف الّا ذُوالفقار

ساقیا جامی بده سرشار در عید غدیر

گشت عالم مَهبَطُ الأنوار در عید غدیر

شد معین حجت احرار در عید غدیر

هر زمان بر خوان تو این اشعار در عید غدیر

لا فَتی الّا عَلی لا سَیف الّا ذُوالفقار

چون اجل خواهد بساط جسم را ویران کند

مرغ زرین بال روح از کالبد طیران کند

آن دو سائل مسئلت از مذهب و ایمان کند

این عبارت بر تو میزان را به از رضوان کند

لا فَتی الّا عَلی لا سَیف الّا ذُوالفقار

مرغ روحت چون کند آهنگ پرواز از قفس

با دو صد وحشت به دام عنکبوت افتد مگس

هیکلت را چون نماید قابض الأرواح مَس

این سخن برگوی با اخلاص در آخر نفس

لا فَتی الّا عَلی لا سَیف الّا ذُوالفقار (1)

ص: 361

1- مصطفی موسوی گرمارودی، چاپ اول، غدیر در شعر فارسی، (مشهد : انتشارات دلیل، پاییز 1384 ش)، صص 239-240

63 - معینی کرمانشاهی (ولادت 1301ش)

نامش رحیم و تخلصش امید است. پدرش کریم معینی سالار معظم، نواده ی معین الرعایا است. ولادتش در سال 1301ش، در شهر کرمانشاه اتفاق افتاده است. هدایت،.ابتدا به هنر نقاشی کردن پرداخت. آثار او عبارتند از: روزنامه ی سلحشوران غرب، کتاب فطرت و از شمعها بسوزید.

معینی کرمانشاهی شاعر معاصر ادب فارسی است که از ذکر وصف مولاعلیه السّلام غافل نمانده است. او در ضمن اشعار زیبای خود می آورد:

شمشیر به یک دست و قلم دست دگر داشت

آن رهسپر عشق همین بار سفر داشت

صاحبنظران سر همه در سینه حیرت

کآن قافله سالار، چه سودایی به سر داشت

بیگانه ز هستی شد و مش-غول به هستی

دانید ز تدبیر دو پهلو چه نظر داشت

کاوشگر دریای حقیقت شد و معنی

فارغ دل فرزانه از این نقش و صور داشت

ما مرکز این دایره بود و نبودیم

آن بی خبر از خویش از این راز خبر داشت

این فارس و مرحب چه وجودند که هستند

در سدره سیل کلوخی چه اثر داشت

آن تیغ کش خصم کش شیر دل عشق

بر اهرمن جهل و خرافات ظفر داشت.(1)

1- غلامحسین جواهری وجدی، همان، صص 50-51

همچنین معینی کرمانشاهی به عنوان بهترین نماینده ی شاعران پارسی گوی، در رابطه با روش خلافت و حکومت امام علی علیه السّلام می گوید:

علی چونکه در کعبه شد خانه زاد

به دوش رسول خدا پا نهاد

که بت ها به دست وی آید به زیر

همین خود طلوعی ز خمّ غدیر

به فرمان مالک ، علی بر نوشت

چو بر ملک مصر آمدش سرنوشت

که در مصر ، ای حاکم مسلمین

شدی چون که د ر کار بالا نشین

مب-ادا خوراکت شبی دلپذیر

که در سایه ی قدرتت یک فقیر

مبادا تفرعن کنی در مقام

ز شأن دیانت بری احترام

مبادا فرامُش اصولی کنی

ز فرمان قرآن عدولی کنی

که اسلام از حاکمانی چنان

به کار حکومت نبیند امان

سوی مصر، مالک چو شد رهسپار

که کار حکومت کند برقرار

به فرمان او چار مورد ، امام

مشخص بفرمود در آن مقام

نخست آن که در حکمران آن تلاش

که یک تن نماند بدون معاش

دوم دشمن حق برد از میان

اگر چه چنین دشمن از دوستان

سوم در حق-وق امیر و اسیر

به حق در قضاوت شود سختگیر

چهارم به آبادی هر چه بیش

به هر جای کشور نهد پای پیش

اشارت به یک نکته اینجا ضرور

علی را ببین و آن زمان های دور

بفرمود، قاضی به کار قضا

چو باید که بر حق دهد حکم را

نباید برای معاشش نیاز

که تا رشوتی باشدش چاره ساز

حقوقش بباید به حدّ کفاف

که رأیش نه در حق شناسی خلاف

علی در حکومت ببین خود که بود

چو گفتار را در عمل می نمود (1)

ص: 364

1- رحیم معینی کرمانشاهی، شاهکار، از فرو پاشی ساسانیان تا برآمدن سامانیان، تاریخ منظوم ایران، چاپ اول، (به اهتمام : حسین معینی کرمانشاهی)، (بی جا: انتشارات سنایی، 1378 ه)، ج 1،ص 1137 . - (تفرعن: ستمکار شدن همانند فرعون. - عدولی: سرپیچی کردن.)

64 - ابوالحسن ورزی(ولادت 1293 ش)

ابو الحسن ورزی، فرزند حسین فلاح زاده به سال 1293 ش، در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات او در زمینه رشته حقوق است. ورزی به زبان های فرانسه و انگلیسی و عربی آشنایی دارد. او از شعرای برجسته معاصر می باشد که در قالب های مختلف شعری، سروده های زیبایی را به یادگار گذاشته است. آثار منظوم او بیش از پنج هزار بیت شعر می باشد. او در پست قضاوت نیز به کار گرفته شد. بعد از شهریور 1320 خورشیدی، در کابینه ی اول قوام السّلطنه؛ به سمت بازرس ویژه ی نخست وزیر برگزیده شد. ورزی در سال 1373ش، دیده از جهان فرو بست. آثار او عبارتند از: ترجمه ینه توچکا، وانف اثر داستایوسکی، هفت صورت عشق، مطالعات ادبی اثر اندره موروا. و مجموعه شعر سخن عشق.

ابوالحسن ورزی از دیگر شاعران فارسی زبان است که ولادت امیرالمومنین علی علیه السّلام را در کعبه به تصویر کشیده است. او راجع به ولادت امام علی علیه السّلام در خانه کعبه چنین می گوید:

در کعبه آمدی و به مسجد شدی شهید

کی از خدای خویش جدا بودی ای علی (1)

1- غلامحسین جواهری وجدی، همان، ص 248

همچنین ورزی در باب صداقت امام علی علیه السّلام بسیار هنرمندانه طبع آزمایی نموده است. او می گوید:

بیزار از دروغ و بری از دروغگو

پیوسته یار اهل صفا بودی ای علی

در جشن دوست نغمه جانبخش زندگی

در گوش خصم بانگ عزا بودی ای علی

دلهای سخت یا دل رنجور خسته را

گ-اهی چو درد و گاه دوا بودی ای علی

گر دست خالق است نه در آستین تو

مشکل گشای خلق چرا بودی ای علی

در وقت صلح حامی هر دلشکسته ای

دشمن شکن به روز غزا بودی ای علی

دشمن هم از عطای تو در آرزو نماند

گنجینه ای ز مهر و وفا بودی ای علی

خصم ستمگران به عتاب و ستیز و جنگ

یار ستم کشان به عطا بودی ای علی

در کعبه آمدی و به مسجد شدی شهید

کی از خدای خویش جدا بودی ای علی

چون موقع ولادت و وقت شهادتت

در خانه ای ا ز آن خدا بودی ای علی

تا شربت حیات دهی تشنه کام را

چون چشمه سار آب بقا بودی ای علی

هرگز نکرده ای عملی را به کام خویش

در هر زمان که کامروا بودی ای علی

جز مهر ایزدی که به جانت سرشته بود

از دام هر علاقه رها بودی ای علی

چون تو کسی ز صدق خدا را نداشت دوست

در دوستی نه اهل ریا بودی ای علی

هرگز تو را ز مرگ به دل وحشتی نبود

چون در وجود دوست فنا بودی ای علی

آماده شهادت و ایثار جان و مال

در هر زمان و در همه جا بودی ای علی

ص: 366

هر ذره از وجود تو ایمان محض بود

فارغ ز اشتباه و خطا بودی ای علی

از باغ زندگی که گل و خار با هم اند

دامن کشان چو باد صبا بودی ای علی

تا داوری برای رضای خدا کنی

از خود رها به وقت قضا بودی ای علی (1)

ص: 367

1- غلامحسین جواهری وجدی، همان، صص 248-249-غز ا: غزوه . جنگی که پیامبرصلی الله علیه وآله، فرماندهی آنرا بر عهده داشته باشد.خصم: دشمن. - فارغ:خالی

«فهرست منابع و مراجع»

1- آذرشب، محمد علی، الأدب العربی و تاریخه حتی نهایه العصر الأموی، طهران، المرکز الجامعی لتألیف کتب العلوم الإنسانیه و نشرها (سمت)، الطبعه الاولی، 1384 ه-.ش.

2- آرتیمانی، رضی الدین، دیوان شعر با مقدمه ی محمد علی امامی، انتشارات کتابفروشی خیام، 1346ه-.ش.

3- آشتیانی، عباس اقبال، تاریخ مغول، تهران، مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر، 1365ه-.ش.

4- آقا شیخ محمد، مریم و سعید نوری نشاط، گلزار مشاهیر، نشر برگ زیتون، چاپ اول، 1377ه-.ش.

5- ابن ابی طالب، علی علیه السّلام، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، مؤسسه ی انتشارات حضور، چاپ دوم، زمستان 1383ه-.ش.

ص: 369

6- ابن ابی طالب، علی علیه السّلام، نهج البلاغه. با مقدمه و شرح استاد محقق آیت الله ناصر مکارم شیرازی، به قلم دانشمندان محترم محمد رضا آشتیانی- جعفرامامی، ج1، انتشارات مدرسهی امام علی ابن ابی طالب.

7- ابن داود، احمد، اخبار الطوال، ترجمهی دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چاپ اول، 1364ه-.ش

8- ابن عبد الملک، محمد معزی، دیوان شعر، به اهتمام عباس اقبال، کتاب فروشی اسلامیه، 1318ه-.ش.

9- ابن محمد، اوحد الدین انوری، دیوان اشعار، با مقدمهی سعید نفیسی، تهران، مؤسسهی انتشارات نگاه، 1376ه-.ش.

10- ابن محمد، اوحد الدین انوری، دیوان شعر، محمد تقی مدرس رضوی، ج1، تهران، بنگاه نشر و ترجمه،ی کتاب، 1347ه-.ش.

11- ابن همای شیرازی اصفهانی، طرب، دیوان اشعار، با مقدمهی استاد جلال الدین همائی، تهران، انتشارات کتاب فروشی فروغی، 1342ه-.ش.

12 - ابن همام الدین الحسینی، غیاث الدین، تاریخ حبیب السیر، زیر نظر دکتر دبیر سیاقی، ج1، کتاب فروشی خیام، چاپ سوم 1362ه-.ش.

13- ابی الخیر، ابو سعید، اسرار التوحید، مقدمه و تصحیح و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، بخش اول، مؤسسه ی انتشارات آگاه، چاپ سوم، زمستان 1371ه-.ش.

14- ابی یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه ی، محمد ابراهیم آیتی، ج2 مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، 1362ه-.ش.

15- احمدی، (ناصح)، احمد رضا، عشق شیعه، انتشارات امیر کبیر همدان، چاپ دوم، پائیز 1379ه-.ش.

16- احمدی بیرجندی، احمد، مناقب علوی در شعر فارسی، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1366ه-.ش.

17- ارشاد سرابی، اصغر و داودی، ادبیات فارسی (5) و (6)، - 2/249، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، اول 1378ه-.ش.

18- اصفهانی، سروش، دیوان اشعار، مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر.

19- اصفهانی، صفا، دیوان اشعار تصحیح، احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات

شرکت نسبی محمد حسین اقبال و شرکاء، 1337ه-.ش.

20- أفرام البستانی، فؤاد، مجانی الحدیثه، الجزء الثانی، قم، منشورات ذوی القربی، الطبعه الرابعه، 1419ه-.ق.

21- افلاکی العارفی، احمد، مناقب العارفین، بکوشش تحسین یازیجی، ناشر، دنیای کتاب، چاپ دوم، 1362ه-.ش.

22- الهی قمشهای، مهدی، دیوان اشعار، به اهتمام دکترحسین الهی قمشه ای، انتشارات، روزنه، چاپ اول، 1377ه-.ش.

ص: 371

23- امین پور، قیصر، در کوچهی آفتاب، گزیدهی رباعیها و دوبیتی های انقلاب، واحد انتشارات حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1363ه-.ش.

24- اوحدی، مجید (یکتا)، برگزیده ی دیوان، با مقدمهی استاد جلال الدین همائی،به کوشش، دکتر مهرانگیز اوحدی، انتشارات قصیده، چاپ اول، 1378ه-.ش.

25- باستان، سید خلیل، من معالم الادب العربی فی نهج البلاغه، طهران، المرکز الجامعی لتالیف کتب العلوم الانسانیه ونشرها (سمت)، الطبعه الاولی، 1384ه-.ش.

26- باستانی پاریزی شاهی، محمد ابراهیم، تاریخ شاهی، قراختاییان، 2535 شاهنشاهی.

27- بافقی، وحشی، دیوان شعر، حسین نخعی، مؤسسه ی چاپ و انتشارات امیرکبیر.

28- برفی، محمد، سیمای علی علیه السّلام از منظر اهل سنت، تهران، نشر احسان، چاپ اول، 1380ه-.ش.

29- برقعی، سید محمد باقر، سخنوران نامی ایران، ج1، نشرخرم، چاپ اول، 1373ه-.ش.

30- بسطامی، فروغی، دیوان کامل اشعار، با مقدمه ی پروفسور ادوارد براون، رضاقلیخان هدایت، انتشارات امیر کبیر، تیر 1348ه-.ش.

ص: 372

31- بلاذری، احمد ابن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه، تعلیقات و مقدمه، از دکتر محمد توکلی، چاپ اول، 1377ه-.ش.

32- بلخی، جلال الدین محمد، فیه ما فیه، با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، تهران، مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، 1369ه-.ش.

33- بلخی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، با مقدمه و شرح، بدیع الزمان فروزان فر، حواشی و تعلیقات از م درویش، چاپ علمی، چاپ نهم 1373ه-.ش.

34- بلخی، قاضی حمید الدین، گزیده ی مقامات حمیدی، بکوشش رضا انزابی نژاد، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم، 1370ه-.ش.

35- بلعمی، ابو علی، گردانیده ی تاریخنامه ی طبری، مجلد دوم، به تصحیح وتحشیه ی محمد روشن، تهران، انتشارات سروش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، چاپ، دوم 1378ه-.ش.

36- بهار، محمد تقی، دیوان اشعار، ج1، بکوشش چهرزاد بهار، انتشارات توس، بهار 1380ه-.ش.

37- بهجت، سید محمد حسین (شهریار)، کلیات دیوان، ج2، انتشارات زرین- انتشارات، نگاه، چاپ سیزدهم، بیتا.

38- بهروزی، علی نقی، نوادر تاریخی، انتشارات اقبال، 1353ه-.ش.

39- بیگ دلی آذری قمی، حسینعلی بیگ (شرر)، فغان دل، بکوشش شمس الدین محمد - علی مجاهدی، قم، چاپخانه ی مهر استوار، بیتا.

ص: 373

40- پرویز، عباس، تاریخ دو هزار و پانصد ساله ی ایران، چ1، مؤسسه ی مطبوعاتی اعلمی، بیتا.

41- تبریزی، صائب، کلیات، به اهتمام؛ بیژن ترقی، کتابفروشی خیام، بیتا.

42- ترکمان، اسکندربیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، خرداد ماه 1350ه-.ش.

43- ترمذی، ادیب صابر، دیوان شعر، به تصحیح و اهتمام محمد علی ناصح، مؤسسهی مطبوعاتی علمی، بیتا.

44- جرداق، جرج، امام علی علیه السّلام، صدای عدالت انسانی، ترجمه ی سید هادی خسرو شاهی، دوره ی 3 جلدی، قم، نشر خرم، چاپ دوم 1375 ه-.ش.

45- جعفرزاده، رسول، سروش ولایت، انتشارات رواق اندیشه، چاپ دوم، زمستان1378 ه-.ش.

46- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، انتشارات دلیل ما، چاپ چهارم، بهار 1385 ه-.ش.

47- جعفری تبریزی، محمد تقی، علی علیه السّلام در کلام خالق و مخلوق، گرد آوری و تنظیم و تلخیص، محمد رضا جوادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1379 ه-.ش.

48- جغتائی، هلالی، دیوان شعر، سعید نفیسی، تهران، انتشارات کتابخانه ی سنائی، 1337 ه-.ش.

ص: 374

49- جوینی، عطاملک، تاریخ جهانگشای جوینی، انتشارات ارغوان، چاپ چهارم، 1370 ه-.ش.

50- حسکانی نیشابوری، حاکم، شواهد التنزیل، ترجمه ی احمد روحانی، انتشارات نور قلم، چاپ اول، 1385ه-.ش.

51- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن، فارسنامه ی ناصری، تصحیح و تحشیه، دکترمنصور رستگار فسائی، مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر، ج1، چاپ اول، 1367 ه-.ش.

52- حقایق، بابک و ریاحی پور، دایره المعارف بزرگ زرین، دوره ی دو جلدی، تهران، انتشارات زرین، 1377ه-.ش.

53- حقیقت، عبد الرفیع، شاعران بزرگ ایران، از دهخدا تا شاملو، چاپ اول، زمستان 1381 ه-.ش.

54- حقیقت، عبد الرفیع، شاعران بزرگ ایران، از رودکی تا بهار، انتشارات کومش، بهار 1381ه-.ش.

55- حیرت سجادی، عبد الحمید، گلزار شاعران کردستان، چاپ اول، دیماه 1364 ه-.ش.

56- خراسانی، میرزا حبیب، دیوان اشعار، به سعی و اهتمام، علی حبیب، انتشارات کتابفروشی زوار، چاپ سوم، 1353 ه-.ش.

ص: 375

57- داودی، حسین و ذوالفقاری، ادبیات فارسی(3) و (4)- 1/220، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، چاپ دوم، 1378ه-.ش.

58- داون، جیمز، عارف دیهیم دار، مترجم، ذبیح الله منصوری، ج1، چاپ اول، زمستان 1363 ه-.ش.

59- دایره المعارف فارسی، ج2، بخش اول، شرکت سهامی کتابهای جیبی، وابسته به انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، 1380ه-.ش، بینام.

60- درویشی، هادی و اورامی، تولای علی علیه السّلام در ادب و فرهنگ و شعرا و عرفای کرد اهل سنت، ستاد سال امیرالمؤمنین علی علیه السّلام، استان کردستان، سنندج، چاپ اول، 1379ه-.ش.

61- دقیقی توسی، ابومنصور، دیوان اشعار، محمد دبیر سیاقی، مؤسسه ی مطبوعاتی علمی، خرداد1342ه-.ش.

62- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، دوره ی کامل، مؤسسه ی لغت نامه ی دهخدا.

63- دیوان بیگی شیرازی، احمد، حدیقه الشعراء، ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه، با تصحیح، دکتر عبد الحسین نوائی، انتشارات زرین، ج2، 1365 ه-.ش.

64- رسولی محلاتی، سید هاشم، زندگانی حضرت محمدصلی الله علیه وآله، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هجدهم، 1374ه-.ش.

ص: 376

65- رضائی، زهرا، زندگی نامه ی مشهورترین نویسندگان و شاعران، انتشارات کتابخانهی درنا، چاپ هفتم، 1381ه-.ش.

66- روحانی، بابا مردوخ (شیوا)، تاریخ مشاهیرکرد، به کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی، دوره ی 3جلدی، تهران، انتشارات سروش، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، 1383ه-.ش.

67- زرین کوب، عبد الحسین، تاریخ ایران در اوایل عهد اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1984م.

68- زیادی، عزیزالله، در حوالی آفتاب، دفترسوم، کتاب نیستان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1381ه-.ش.

69- سبزواری، حمید، دفتر دوم، سرود سپیده، با مقدمه ی حضرت آیت الله سید علی خامنه ای و استاد گرانمایه صادق آئینه وند، انتشارات مؤسسه ی کیهان، بهار 1368 ه-.ش.

70- سبزواری، حمید، دیوان اشعار، دفتر اول، سرود درد، با مقدمه ی حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید علی خامنه ای و آقای محمود شاهرخی، تهران، مؤسسه ی انتشارات کیهان، 1367 ه-.ش.

71- سپری، فریدون، خلفاء راشدین در قلمرو نظم و نثرفارسی، سنندج، انتشارات کردستان، چاپ اول، زمستان 1378 ه-.ش.

ص: 377

72- سعادتمند رسول، امام علی علیه السّلام از د یدگاه امام خمینی(ره)، انتشارات تسنیم قم، چاپ چهارم، 1380 ه ش.

73- سعد سلمان، مسعود، دیوان اشعار، به تصحیح و اهتمام دکتر مهدی نوریان، دورهی دو جلدی، چاپ اول، انتشارات کمال، 1365ه-.ش.

74- سعدی، مشرف الدین مصلح، بوستان و گلستان، کتابهای دو زبانه ی گلستان و بوستان شیخ مصلح الدین سعدی، برگردان از ادوارد هاتسک / جی.ام، ویکنز، انتشارات هرمس، چاپ اول، 1383ه-.ش.

75- سمنانی، رفعت، دیوان اشعار، با مقدمه ی دکتر ذبیح الله صفا و تصحیح و کوشش، نصرت الله نوح، انتشارات بامداد، شهریور ماه 1363 ه-.ش.

76- سیستانی، فرخی، دیوان اشعار، محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات زوار، شاه آباد، 1349ه-.ش.

77- سهیلی، مهدی، طلوع محمد، انتشارات کتابخانه ی سنائی، 2535 شاهنشاهی، 1354ه-.ش.

78- شامی، نظام الدین، ظفرنامه، با مقدمه و کوشش، پناهی سمنانی، انتشارات بامداد، چاپ اول، خرداد 1362 ه-.ش.

79- شاه حسینی (شادمانی)، مهری، زنان شاعر ایران (معاصر)، انتشارات مدبر، چاپ اول 1374ه-.ش.

ص: 378

80- شاهرخی، محمود، آئینه ی آفتاب، پرتوی از انوار علی علیه السّلام، انتشارات اسوه، آبان 1369 ه-.ش.

81- شاهرخی، محمود، در غبار کاروان، (مجموعه ی شعر)، سازمان انتشارات کیهان، پائیز 1370ه-.ش.

82- شجاع، انیس الناس، به کوشش، ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 2536، 2536 شاهنشاهی.

83- شریعت رضوی، پوران، طرحی از یک زندگی، انتشارات چاپخش، چاپ هفتم، 1381 ه-.ش.

84- شریعتی، علی، علی علیه السّلام حقیقتی برگونه ی اساطیر، انتشارات امام.

85- شمس الدین محمد، حافظ شیرازی، دیوان اشعار، نسخهی علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی، بیتا.

86-شهر یار، سید محمد حسین بهجت تبریزی، کلیادیوان، موسسه انتشارات سعدی تبریز، چاپ سوم، بهمن 1349 ه.ش.

87- صبا، فتحعلی خان، دیوان اشعار، مصحح، محمد علی سنجاقی، انتشارات اقبال، مهرماه 1341ه-.ش.

88- صبوری، میرزا باقرخان حکیم، دیوان اشعار، دکتر هادی جلوه، تهران، انتشارات کرج، چاپ دوم، 1357ه-.ش.

89- صدری افشار، غلامحسین و نسترن حکمی، فرهنگ فارسی اعلام، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، 1383ه-.ش.

90- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوسی، چاپ دوازدهم، 1371ه-.ش.

91- صفی زاده (بوره که یی)، صدیق، پارسی گویان کرد، چاپخانه ی حیدری، چاپ اول، پائیز1366ه-.ش.

92- صوفی، لیلا، زندگینامه ی شاعران ایران، تهران، انتشارات جاجرمی، چاپ چهارم، 1380ه-.ش.

93 - صاد قی ارزگا نی، محمد امین، سیمای اهل بیت در عرفان امام خمینی،موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، 1387 ه ش.

94 – طاهری، پروانه، زندگینامه شاعران و نویسندگان ایران زمین، چاپ آرین، اول 1386 ه-.ق.

95- طبری، محمد ابن جریر، تفسیر طبری، مترجم، جمعی از علماء ماوراء النهر،ویرایش متن، جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، چاپ دوم، 1374ه-.ش.

96- طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینویی علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، اسفند ماه 1364ه-.ش.

97- عالم آرای صفوی، مؤلف، به کوشش ید الله شکر، مؤسسه ی اطلاعات، چاپ دوم، 1363ه-.ش.

98 - عبد الباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، منشورات ذوی القربی، الطبعه الاولی، 1421ه-.ق.

99- عرفی شیرازی، جمال الدین محمد، کلیات اشعار، ج 2 و 3 ، مؤسسه ی چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، به کوشش و تصحیح پروفسور محمد ولی الحق انصاری، بهار1378ه-.ش.

100- عوفی، سدید الدین، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، به تصحیح و شرح جعفر شعار، چاپ اول، 1366ه-.ش.

101- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، دوره ی دوجلدی، مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر، چاپ پانزدهم، 1378ه-.ش.

102- غزالی طوسی، محمد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، ج1، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1374ه-.ش.

103- غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، انتشارات گنجینه، چاپ هفتم 1381ه-.ش.

104- غزالی، امام محمد، نصیحه الملوک، با تصحیح، استاد جلال الدین همائی، انتشارات بابک، 1361 ه-.ش.

105- فاخوری، حنا، الجامع فی تاریخ الأدب العربی، مجلدین، قم، منشورات ذوی القربی، الطبعه الثانیه، 1424ه-.ق.

ص: 381

106- فاضل، علی، شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام، انتشارات توس، چاپ اول، زمستان 1373ه-.ش.

107- فراهانی قائم مقامی، ادیب الممالک، دیوان کامل اشعار، به تصحیح وحید دستگردی، چاپخانه ی افست مروی، فروردین 2535 شاهنشاهی.

108- فراهی هروی، معین الدین، مشهور به ملا مسکین، تفسیر حدائق الحقائق، به کوشش، دکتر سید جعفر سجادی، تهران، مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر، 1364ه-.ش.

109- فرخی کرمانی(رشید فرخی)، جواد، مینای محبت، ناشر، مرکز کرمان شناسی، نوبت چاپ، اول 1381ه-.ش

110- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، همراه با مقدمه و ویرایش مهدی قریب، محمد علی بهبودی، انتشارات توس، چاپ اول، 1373ه-.ش.

111- فیض کاشانی، علامه ملا محمد محمد محسن، دیوان اشعار، با تصحیح مصطفی فیض کاشانی، ج1و3، پائیز1371ه-.ش.

112 – قاآنی شیرازی، دیوان کامل اشعار، با مقدمه و تصحیح ناصر هیری، چاپ اول، چاپخانه فراین، انتشارات گلشایی - ارسطو، 1363 ه-.ش.

113- قبادیانی، ناصرخسرو، دیوان اشعار، با مقدمه ی سید حسن تقی زاده، نشر سیمای دانش، چاپ سوم، 1378ه-.ش.

ص: 382

114- قبادیانی، ناصرخسرو، دیوان اشعار، تصحیح، حاجی سید نصرت الله تقوی، انتشارات امیرکبیر، خرداد ماه 2535 شاهنشاهی.

115- قربانی، سروش، دایره المعارف مشاهیر جهان، انتشارات میلاد، چاپ اول، 1375ه-.ش.

116- قزوه، علیرضا، از نخلستان تا خیابان، مجموعه ی شعر، نشر همراه، تهران، 1369ه-.ش.

117- قزوینی، عارف، آثار منتشر نشده، تدوین، سید هادی حائری، چاپخانه ی علمی، چاپ اول1372ه-.ش.

118- قشیری، ابوالقاسم، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزانفر، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، 1361ه-.ش.

119- قمی، حاج شیخ عباس، منتهی الآمال، ج1، مؤسسهی انتشارات هجرت، چاپ سیزدهم، زمستان1378ه-.ش.

120- قیم، عبد النبی،فرهنگ معاصر عربی- فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ دوم، 1381ه-.ش.

121- کاشانی، محتشم، دیوان اشعار، با تصحیح و مقدمه ی، اکبر بهداروند، تهران 1382 ه-.ش.

122- کاشانی، مسیح، شرح احوال و بررسی آثار و گزیده ی اشعار، به کوشش امیر علی آذر طلعت، انتاشارات سروش، اول 1378ه-.ش.

ص: 383

123- کرمانشاهی، الهامی، شاهدنامه در وزن شاهنامه، به کوشش علی انسانی، انتشارات جمهوری اسلامی، چاپ اول، 1383ه-.ش.

124- کزازی، میرجلال الدین، رخسار صبح، گزارش چامه ای از خاقانی شروانی، چاپ کتاب ماد، چاپ سوم، 1374ه-.ش.

125- کسائی مروزی، ابوالحسن، دیوان اشعار، اثر دکتر مهدی درخشان، انتشارات دانشگاه تهران، 1364ه-.ش.

126- کوکه ای، ملا معروف، دیوان اشعار، سید محمد امین مصری، از نشریات مرکز کتاب فروشی سیدیان مهاباد، بیتا.

127- کلیم کاشانی، ابوطالب، دیوان اشعار، تصحیح، پرتو بیضائی، ناشر کتاب فروشی خیام، بیتا.

128- کیکاووس بن اسکندر، عنصر المعالی، قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح، غلامحسین یوسفی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، وابسته به وزارت فرهنگ وآموزش عالی، چاپ ششم، 1371ه-.ش.

129- لاهیجی، حزین، دیوان اشعار، تصحیح، بیژن ترقی، انتشارات کتاب فروشی خیام، اردیبهشت1350ه-.ش.

130- لاهوری، محمد اقبال، اشعار فارسی، مقدمه و حواشی از م درویش، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ دوم1361ه-.ش.

131- لاهیجی، فیاض، دیوان اشعار، به کوشش، دکتر امیر بانوی کریمی، انتشارات دانشگاه تهران، تیرماه1372ه-.ش.

132- لسان الملک، میرزا محمد تقی، ناسخ التواریخ، ج2، بیتا.

133- محمد خانی، علی اصغر، درخت معرفت، تهران، نشر سخن، 1376ه-.ش.

134- محمدی، حسنعلی، شعر معاصر ایران، از بهار تا شهریار، ج2، نشر ارغنون، 1379ه-.ش.

135- محمودی، سهیل و ثابت محمودی، فصلی از عاشقانه ها، دفتر غزل، نشر همراه، چاپ اول، شهریور 1369ه-.ش.

136- مروی، محمد کاظم، عالم آرای نادری، به تصحیح و با مقدمه و توضیحات و حواشی و فهرستها، دکتر محمد امین ریاحی، کتاب فروشی زوار، چاپ اول 1364ه-.ش.

137- مرتضی عاملی، علامه سید جعفر، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ترجمهی،دکتر مهدی سپهری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ی اسلامی، ج1، چاپ دوم 1385ه-.ش.

138- مستوفی، حمد الله، تاریخ گزیده، به اهتمام، عبد الحسین نوائی، مؤسسه ی انتشارات امیر کبیر، چاپ اول 1362 ه-.ش.

ص: 385

139- مسعودی، ابوالحسن، مروج الذهب، ترجمه ی، ابوالقاسم پاینده، ج 1، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1374ه-.ش.

140- مسکویه ی رازی، ابوعلی، تجارب الامم، ترجمه ی، دکتر ابوالقاسم امامی، ج 1، تهران، انتشارات سروش، 1369ه-.ش.

141- مشکور، محمد جواد، تاریخ سیاسی ساسانیان، انتشارات دنیای کتاب، بخش دوم، چاپ اول، 1366ه-.ش.

142- مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه ی علی علیه السّلام، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، بیتا.

143- معلوف، لویس، منجد الطلاب، مترجم، محمد بندر ریگی، قم، چاپ یازدهم، فروردین، 1374ه-.ش.

144- معیری، رهی، آزاده، تهران، انتشارات زوار، 1354ه-.ش.

145- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، 1379ه-.ش.

146- مکارم شیرازی، ناصر(آیت الله)، ترجمه ی قرآن کریم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب، چاپ هفتم، بهار 1385ه-.ش.

ص: 386

147- منشی، نصرالله، متن کامل کلیله و دمنه، بر اساس طبع استاد عبد العظیم قریب و مقابله با نسخه ی تصحیح شده ی استاد مجتبی مینوی، با مقدمه و حواشی و تعلیقات منوچهر دانش پژوه، انتشارات هیرمند، چاپ دوم1377ه-.ش.

148- موسوی الخمینی، روح الله (رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران)، مجموعه ی اشعار، ناشر، مؤسسه ی تنظیم و نشرآثار امام خمینی رحمه الله، چاپ چهل و پنجم 1385 ه-.ش.

149- موسوی گرمارودی، علی، در سایه سار نخل ولایت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بیتا.

150- ناصر الدین شاه قاجار، دیوان شعر، تصحیح، علی راه جیری، تهران بنگاه مطبوعاتی قائم مقام، بیتا.

151- نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، چاپخانه ی هما، زمستان1366 ه-.ش.

152- نیشابوری، عطار، تذکره الاولیاء، از روی نسخه ی نیکلسون، انتشارات بهزاد، چاپ اول1373ه-.ش.

153- نیشابوری، عطار، شرح کامل منطق الطیر، اصغر برزی، انتشارات اعظم بناب، مهرماه 1374ه-.ش.

ص: 387

154- نیشابوری، نظیری، دیوان اشعار، تصحیح، مظاهر مصفا، انتشارات امیر کبیر، خرداد1340ه-.ش.

155- نیک طلب، بابک، پنجرههای آسمان، نشر افق، چاپ دوم 1378ه-.ش.

156- نیکلسون، رینولد، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه ی کیوان دخت کیوانی، انتشارات ویستار، چاپ اول1380ه-.ش.

157- وراوینی، سعد الدین، مرزبان نامه، به تصحیح، محمد روشن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 2535 شاهنشاهی.

158- همائی، جلال الدین، دیوان سنا، مجموعه ی اشعار استاد جلال الدین همائی، به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همائی، ج1، تهران، انتشارات، 1364ه-.ش.

159- همدانی، عین القضات، تمهیدات، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق، عفیف عسیران، انتشارات کتابخانهی منوچهری، چاپ دوم، بیتا.

160- همدانی، مختاری، کلیات دیوان، ناشر، مؤلف، چاپ اول1377ه-.ش.

161- یاحقی، محمد جعفر، تاریخ ادبیات ایران (1) و (2) 1/246 و 1/276، ناشر،تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، سال انتشار،1377ه-.ش.

ص: 388

فهرست اعلام

ص: 391

ص: 392

ص: 393

ص: 397

ص: 398

ص: 400

ص: 403

ص: 404

ص: 406

ص: 407

ص: 408

ص: 409

ص: 410

ص: 412

ص: 413

ص: 416

ص: 417

ص: 418

ص: 421

ص: 423

فهرست کتب

ص: 425

تاریخ در هزارو پانصد ساله ایران 155

تاریخ دو هزار و پانصد ساله ی ایران 139, 144, 238

تاریخ دو هزار و پانصد ساله ی ایران 295, 370

تاریخ سیاسی اسلام 334, 335, 371

تاریخ سیاسی اسلام از سال چهلم تا سال صدم 334

ص: 428

ص: 429

ص: 430

ص: 431

ص: 434

ص: 435

ص: 439

ص: 441

فهرست اماکن

ص: 444

ص: 448

فهرست علوم

ص: 450

ص: 452

فهرست مصطلحات

ص: 453

ص: 454

ص: 456

ص: 457

ص: 460

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
1.JAVA
2.ANDROID
3.EPUB
4.CHM
5.PDF
6.HTML
7.CHM
8.GHB
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
1.ANDROID
2.IOS

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109